



دَفْعُ وَرَفْعُ

پاسخ تفصیلی به سوالات و شبهات

اربعین

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

(خوزه‌های علمیه)

پاسخ

ضمیمه فصلنامه پاسخ
pasokhmag.ir



فهرست

مقدمه

فصل اول: پرسش‌ها و شبهات اربعین

- | | |
|---|----|
| دلیل اهمیت اربعین در فرهنگ اسلامی کدام است؟ | ۷ |
| در مورد اربعین، کدام روایت صحیح است؟ | ۱۹ |
| آیا مراسم اربعین بر اساس روایات بوده و به امام حسین <small>علیه السلام</small> اختصاص دارد؟ | ۲۵ |
| شهید مطهری می‌گوید اربعین تحریف شده است نظر محققین دیگر در این خصوص چیست؟ | ۲۸ |
| گرفتن مراسم چهلم برای اموات از چه زمانی در بین شیعیان ایرانی مرسوم شد؟ آیا مستند دینی دارد؟ | ۳۷ |
| خاستگاه زیارت چیست؟ و چرا تا این حد برای انجام این عمل عبادی توصیه شده است؟ | ۴۰ |
| آیا واقعا زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> موجب بخشش گناهان می‌شود؟ | ۴۵ |
| زیارت اربعین ثوابش بیشتر است یا زیارت عرفه؟ | ۴۹ |
| آیا زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در اربعین افضل اعمال است؟ | ۵۲ |
| زیارت اربعین فقط در روز اربعین و کربلا است، قبل یا بعد از اربعین یا در اماکن دیگر نمی‌توان زیارت اربعین خواند، چون بدعت است؟ | ۵۳ |
| شیعه معتقد است که ثواب زیارت کربلای حسین <small>علیه السلام</small> از ثواب زیارت بیت الله الحرام بیشتر است، چگونه می‌توان این عقیده را پذیرفت؟ | ۵۷ |
| حالا سؤال این است آیا ما در مقابل زحمات رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> وظیفه‌ای داریم یا نه؟ | ۶۲ |

- ۶۷ شکر برای مصیبت بزرگ «و عظیم رزیتی»، چه معنایی دارد؟
- ۷۲ عده‌ای به شعائر الهی مانند اربعین اشکال می‌گیرند، چه باید کرد؟
- ۷۸ چه لزومی بر پیاده‌روی اربعین وجود دارد در حالی که برگزاری این مراسم این همه هزینه دارد؟
- ۹۶ برپایی موکب و ایستگاه صلواتی چه جایگاهی دارد؟
- ۹۹ راز ماندگاری عزاداری حسینی چیست؟

فصل دوم: نشست‌های اربعینی

- ۱۲۱ گفتار اول: زیارت در سیره و سنت رسول خدا ﷺ
- ۱۳۷ گفتار دوم: تاریخچه و مبانی روایی و تاریخی زیارت اربعین
- ۱۵۵ گفتار سوم: اربعین و مسئله دشمن‌شناسی
- ۱۶۹ گفتار چهارم: آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین
- ۱۷۵ گفتار پنجم: مبانی و اصول پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام
- ۱۸۳ گفتار ششم: زیارت اربعین، وسیله ارتباط بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف

مقدمه

"دفع و رفع"، تاملی در شبهات جاری است که تلاش می‌کند ضمن ارائه پاسخ تفصیلی، موضعی تهاجمی و پیش‌گیرانه به مسائل و موضوعاتی داشته باشد که زمینه‌ساز بروز شبهه یا شبهه افکنی در فضای فکری جامعه است.

اربعین تصویر زیبا و یک سبک زندگی با محوریت امام حسین علیه السلام در تراز جهانی برای انسان معاصر است و این حرکت جمعی موحدان حسینی، منظومه‌ای از ارزش‌های ناب را در خود جای داده است و می‌تواند برای شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی؛ جهان را به استقبال دولت موعود رهنمون شود.

در این مجموعه برآنیم تا پاسخ‌هایی را برای پرسش‌ها و شبهات پیرامون اربعین حسینی تقدیم کنیم و متن شش نشست برگزار شده ذیل مدرسه فصلی اربعین را با شما مخاطب ارجمند به اشتراک بگذاریم.

لازم است از حجج اسلام آقایان امیرعلی حسنلو و محمدحسین پورامینی برای تهیه و تنظیم مجموعه حاضر تشکر و قدردانی نماییم.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

حوزه‌های علمیه

فصل اول: پرسش‌ها و شبهات اربعین

دلایل اهمیت اربعین در فرهنگ اسلامی کدام است؟

تردیدی در این نیست که نهضت امام حسین علیه السلام عامل بقا و حیات اسلام و شیعه است، به گونه ای که امام حسن عسکری علیه السلام بقای شیعه را به زیارت اربعین امام حسین علیه السلام پیوند می‌دهند.

دلایل اهمیت اربعین در فرهنگ اسلامی

۱- آیات قرآن: روز و عدد چهل از ظاهر قرآن و روایات چنین بر می‌آید که دارای اسراری باشد. در قرآن سوره بقره آیه ۵۱ خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ»!

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا

تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»^۱.

«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمَةٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا
تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^۲.

۲- با موسی چهل شب وعده گذاشتیم و او به میعادگاه
برای گرفتن فرمانهای الهی آمد. یعنی مدت وعده الهی که
موسی در آن به دیدار خداوند برای گرفتن دستور و الواح
رفت چهل شب بود. یعنی چهل شب موسی به طور رفت و با
خداوند مناجات می‌کرد.

خداوند خود چهل روز برای موسی وعده داد که به مناجات
بپردازد؛ تا الواح مهم رسالت به دست او برسد و موسی تا
تحقق این وعده به میقات رفت و چهل شب کرارا مستمرا و
لاینقطع ادامه داد.

در آیه دیگر چنین آمده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ
إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ
شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ
أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۳.

۱. سوره مائده، آیه ۲۶.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

۳. سوره احقاف، آیه ۱۵.

وقتی انسان به سن چهل سالگی می‌رسد از خداوند می‌خواهد توفیق شکرگزاری از نعمتهایش را به او بدهد و خواستار توفیق انجام عمل صالح از خداوند می‌شود. یعنی انسان در سن چهل سالگی به مرحله‌ای از رشد و ایمان می‌رسد که نوعی تکامل و بلوغ است لذا در روایات آمده هر کس تا سن چهل سالگی گناه کند و توبه نکند امکان بازگشت برای او سخت است^۱ و همچنین نقل شده هر کس که چهل سال بر او بگذرد نیکی‌هایش به بدی‌هایش غلبه نکند و جهت گیری‌هایش به سوی خوبی‌ها نباشد جایش دوزخ است.

بعثت برخی از انبیاء در چهل سالگی بوده است؛ اینها همه نشان می‌دهد که اربعین و چهل روز و چهل سال در فرهنگ اسلامی بدون حکمت نیست و عدد بلوغ و تکامل خاص است؛

۱- امام صادق علیه السلام: مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا.^۲

هرکس چهل حدیث از احادیث ما حفظ کند روز قیامت از فقها شمرده می‌شود. منظور از فقیه بودن برخورداری از درجات و امتیازات فقیه نزد پروردگار و جایگاه رفیع فقاقت است.

۱. رک: تفسیر روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۷ و تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۹-۴۸.

۲- مورد دیگر مشخص کردن حدود همسایه‌ها: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلُّ أَرْبَعِينَ دَارًا جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ^۱.

پیامبر اکرم ﷺ حدود همسایه را تا چهل خانه از چپ و راست و مقابل و پشت سر بر شمرده که دارای حق همسایگی هستند.

۳- هر بنده‌ای چهل سپر و پناهگاه در پیشگاه خداوند دارد مادامی که چهل گناه مرتکب شود تا از این امنگاه خارج شود.^۲

بنابراین در اسلام عدد چهل دارای حکمتی است که آن را مهم جلوه می‌کند و در فرهنگ ایران زمین «چهل» عدد مشهوری است و در شعر و ادب فارسی نیز ترکیب‌هایی از این کلمه وجود دارد. در فرهنگ اسلامی نیز عدد چهل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در روایات اسلامی عدد چهل فراوان مطرح شده است. به عنوان نمونه در حدیثی آمده است: «کسی که تا ۴۰ روز خالص برای خدا شود چشمه‌های حکمت از قلبش برزبان‌ش جاری می‌شود»^۳

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ

۱. الکافی، ج ۲ ص ۶۶۹.

۲. الکافی، ج ۲ ص ۲۷۹-۲۷۶.

۳. الکافی، ج ۲ ص ۱۶، الإخلاص... ص ۱۵.

۴. محمد صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، جلد ۸، ص ۴۷.

جَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ مَا أَجْمَلَ عَبْدُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ
يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا
فَأَثَبَتْ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ ثُمَّ تَلَا إِنَّ الَّذِينَ
اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيْنَالَهُمْ عَصَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ فَلَا تَرَى صَاحِبَ بِدْعَةٍ إِلَّا ذَلِيلًا وَ
مُفْتَرِيًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
إِلَّا ذَلِيلًا.

بنابراین عدد اربعین و چله گرفتن در سیر و سلوک و رسیدن به مدارج معنوی در منابع اسلامی دارای جایگاه است؛ بر این اساس در فرهنگ اسلامی نیز جایگاه یافته است؛ عرفا و صلحا در تقید به مناسک و رسیدن به مراتب به این عدد توجه داشته‌اند و دیرینه آن به پیش از اسلام بر می‌گردد اما در فرهنگ اسلامی با تاکید روایات جایگاه شاخص به خود گرفته است.

اربعین حسینی که نکوداشت اربعین شهدای کربلاست نیز جایگاه ممتاز یافته تا جائیکه امام حسن عسکری عليه السلام درباره زیارت امام حسین در روز اربعین تاکید فرمود و از این ره آورد انسجام و هویت شیعه را سامان داد؛ آن حضرت در روایتی که در منابع معتبر شیعه گزارش شده فرمود: مؤمن پنج نشانه دارد: ۱. خواندن ۵۱ رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب + ۳۴ رکعت نوافل) ۲. زیارت اربعین ۳. داشتن انگشتی در دست راست ۴. سجده بر خاک ۵. بلند گفتن

بسم الله در نماز^۱ این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در ادعیه و منابع دعا آمده به اربعین امام حسین علیه السلام و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.^۲

امام عسگری و جایگاه اربعین در احیاء و انسجام شیعه

۱- زیارت اربعین که مورد تاکید امام عسگری علیه السلام است؛ با توجه به اینکه دوره امامت حضرت به لحاظ سیاسی و اجتماعی شرایط خاص دارد و شیعه نیاز دارد به اینکه نمادهای خود را علنی کند چون دوره حضور امامت بعد از امام عسگری پایان یافته و دوره غیبت صغری و کبری شروع می شود؛ لذا شیعه باید انسجام خود را در این نمادها نشان بدهد و از نظر جمعیتی شاخص داشته باشد و اظهار وجود کند و گرنه اگر شعارها و نمادهای خود را علنی نکند ممکن است در طول تاریخ راه گم شود و تشیع مانند دیگر فرقه ها از نظر عقیدتی و با توجه به غیبت امام به حسب شرایط سخت از بین برود؛

امام عسگری بقای شیعه را به زیارت اربعین امام حسین پیوند می دهد از آنرو که نهضت امام حسین علیه السلام عامل بقا و حیات اسلام و شیعه که راه اصیل اسلام ناب است بوده لذا

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۱.

۲. نشریه رسالت، رسول جعفریان، نشریه اربعین امام حسین علیه السلام، عدد چهل، ۸۳/۱۶.

امام می‌خواهد با همان شعارهای حسینی نهضت زنده باشد هدفها و شعارهای امام حسین زنده بماند؛ لذا ویژگی‌های خاص شیعه را می‌شمارد تا شیعه از پویایی برخوردار باشد.

اگر امام نمادهای شیعه را در پویایی و حضور می‌داند؛ از این نوع نگاه می‌توان فهمید شیعه می‌تواند انسجام خود را در حضور در صحنه‌های عبادی جمعی و علنی بر پا کردن فرایض دینی از نمازهای جمعه و جماعت و حج و زیارت امام حسین که امروز در کربلا با حضور میلیونی محسوس و آشکار است؛ امام عسکری اتحاد و انسجام را پیرامون امام حسین قابل دسترسی می‌داند؛ لذا به سوی اربعین و زیارت اربعین انگشت نشانه می‌برد؛ انگار امام عظمت امروز شیعه را تجسم کرده و برای خلاصی و رهایی انسان امروز از بدبختی‌های دوره غیبت به اربعین و عظمت امام حسین علیه السلام اشاره می‌فرماید.

زنده داشت اربعین، زنده داشت امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا و کربلا با تمام محتوای نهضت حسینی است؛ لذا شیعه امروز با سرافرازی به نهضت حسین می‌نگرد و از آن در انسجام اسلامی بهره‌مند می‌شود.

اولین اربعین حسینی و زیارت اهل بیت از کربلا

درباره زیارت کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام از مرقد شهیدان کربلا در اولین اربعین سخنان بسیاری گفته شده، برخی از

محققین معتقدند که کاروان اسیران در راه بازگشت به مدینه از کربلا عبور کرده و به زیارت شهیدان رفتند ولی برخی معتقدند چنین چیزی امکان ندارد بلکه اسرای اهل بیت علیهم‌السلام در اولین اربعین به زیارت نرسیدند و ملاقات با جابر صحت ندارد.

این مسئله نیز یکی از مسائل مورد اختلاف بین محققین است. مرحوم محدث نوری صاحب مستدرک در کتاب *لؤلؤ* و مرجان این قضیه را با دلایل و شواهدی بعید دانسته و رد کرده است.^۱ و شهید مطهری هم که در کتاب *حماسه حسینی* و برخی از آثارش مقداری از مرحوم محدث و کتابش تاثیر پذیر بوده است^۲ موافقا با مرحوم محدث نوری آن را رد کرده است^۳ (این سخنرانی ایشان در روز اربعین بوده است) شهید مطهری می‌فرماید: «یک جریان ساختگی که در هیچ کتاب معتبری وجود ندارد و تنها در یک کتاب وجود دارد که آن کتاب به اتفاق تمام ارباب مقاتل معتبر نیست ...^۴ ولی هیچکدام از مورخین و محدثین و مقتل نویسان اسلام این را ننوشته‌اند بلکه تکذیب کرده‌اند و عقل هم (آنرا تکذیب می‌کند) این دو محقق بزرگ جهان تشیع بدین ترتیب وقوع این اتفاق تاریخی را انکار کرده‌اند.^۵

۱. محدث نوری، *لؤلؤ و مرجان*، ج سوم، قم، انتشارات طباطبائی، ۷۱، ص ۱۴۹.

۲. شهید مطهری درباره وقوع چنین اتفاق و یا عدم وقوع آن تحقیق ویژه نموده است احتمالا با اتکاء به اثر مرحوم محدث نوری این واقعه را بعید دانسته است.

۳. شهید مطهری، *حق و باطل*، چاپ دهم، تهران، صدرا، ۶۹، ص ۸۹.

۴. همان، ص ۹۰.

۵. منظور شهید از این کتاب ظاهر کتاب *لهوف سید بن طاووس* است.

اما به نظر می‌رسد که دلایل چندان قطعی نیست، شهید مطهری فرموده است «عقل هم تکذیب می‌کند» در حالیکه چنین نیست، اتفاقا عقل تایید و تحسین می‌کند که اهل بیت امام حسین علیه السلام از کنار این حادثه به این سادگی نگذردند، از نظر عاطفی و عقلی بسیار بعید است که انسان بعد از از دست دادن عزیزانش به هر نحوی که ممکن باشد برای تسلی خاطر و تسکین آلام روحی بر سر مزار او برود و در آنجا عزاداری کند! عقل چگونه با چنین چیزی مخالف بوده و آنرا تکذیب می‌کند! که بانویی مثل زینب که محبوبترین فرد خاندانش (برادرش حسین) و سایر برادران و فرزندان و برادر زادگان را از دست بدهد و خودش به اسارت برده شود و در راه بازگشت به زیارت مزار آنها نرود، امام زین العابدین علیه السلام امام معصوم که از هر لحاظ در کمال و در اوج عواطف انسانی و عظمت معنوی از مزار عزیزانش زیارت نکند و فرزندان و خاندان پدرش را برای وداع به کربلا نبرد! اتفاقا اگر نرفته باشد جای بسی تعجب است و از نظر عقلی رحجان با رفتن اسراء به کربلاست و نرفتن مورد مذمت عقل است! چون مسیری را که اسراء را از کربلا به سوی شام آوردند از همان مسیر ممکن است اسراء از شام به کربلا برگردند در هر صورت شهر مدینه بعد از سرزمین کربلاست و کربلا در بین راه سوریه

۱ . مگر اینکه از جهت مدت زمانی محاسبه شود و مسیر بین شام و کربلا را بیش از مدت معلوم شده برای طی مسافت تعیین کند که در این مدت رفتن کاروان از شام به کربلا محال باشد.

کنونی(شام) کشور عراق واقع است و از نظر عقلی هیچ استبعاد و مانعی وجود ندارد و از محالات نیست که خاندان امام حسین علیه السلام در راه بازگشت به مدینه در اولین فرصت به زیارت قبور مطهر شهیدان رفته باشند.

مرحوم نوری و شهید مطهری در یکی از دلایل ردشان آورده‌اند که چون ابن طاوس صاحب لهوف در جوانی این کتاب را نوشته حرف او غیر معتبر است، در حالیکه جوان بودن ابن طاوس هیچ دلیلی بر رد این مطلب نمی‌تواند باشد اتفاقاً نیرویی که در جوانی برای پژوهش و تحقیق وجود دارد در کهن سالی نیست، این دلیل آنها نیز دلیل قابل قبولی نیست.

یکی از دلیل‌های شهید مطهری این است که هیچ یک از مقتل نویسان و مورخان اسلامی این واقعه را ذکر ننموده‌اند.

در جواب آنها باید گفت که: **اولاً:** چه کسی مدعی است که مورخین تمام حوادث را دقیقاً ضبط کرده‌اند و مسیر کاروان اهل بیت از شام به مدینه را گزارش داده‌اند.

ثانیاً: صاحب لهوف مرحوم سید بن طاوس خودش یکی از مقتل نویسان بزرگ و معتبر شیعه است که آن مطلب را نقل کرده است. و علاوه بر او ابن نما نیز در مثيرالاحزان و دیگر مقتل نویسان در تایید کلام سید ابن طاوس نقل نموده است.

ثالثاً: مرحوم مطهری و نوری فقط در حد سخن مدعی شده‌اند که هیچیک از مورخین اسلامی و مقتل نویسان این واقعه را منعکس نکرده‌اند. چون آنها به تمام مقاتل دسترسی نداشته‌اند و تمام منابع تاریخی را مراجعه نکرده‌اند^۱ که بدون تحقیق و استقصاء اثبات چنین ادعایی مشکل است. چون هم سید ابن طاوس نقل کرده و هم بنابر نقل خود محدث نوری ابن نما در کتاب مثیرالاحزان آنرا نقل کرده است.^۲

احتمالاً مرحوم نوری اولین کسی است که در این مسئله با آوردن دلایلی تردید نموده است، او از شیخ مفید نقل کرده است که فرموده است روز بیستم صفر که مصادف با اربعین است اهل بیت امام حسین از شام حرکت کردند نه اینکه اربعین به کربلا رسیدند.^۳

در هر صورت مرحوم نوری و بعد از او شهید مطهری این قضیه را انکار کرده‌اند و از لحاظ عقلی به ملاحظه برخی از امور همچون مسیر طولانی بین کربلا و شام و مدت زمان طی این مسافت محال می‌دانسته‌اند.

در عین حال عده‌ای از علمای شیعه چون ابن طاوس در لهوف و ابن نما در کتابش این واقعه را نقل کرده‌اند و

۱. در حالیکه خود مرحوم نوری فرموده است که طبری و الکامل نقل نکرده‌اند از دو تا منبع را نمی‌توان به تمام مقاتل تعبیر کرد.

۲. محدث نوری «پیشین» ص ۱۵۰.

۳. همان ص ۱۵۴.

مجلسی نیز از سید نقل نموده است.^۱

علاوه بر آنها مرحوم قاضی طباطبائی پژوهشی مفصل در این باره انجام داده و معتقد است که روایت جابر تا آخر نقل نشده است بلکه بخش پایانی آن قطع شده و گرنه حضور اهل بیت در کربلا و دیدارشان با جابر در زیارت امام حسین علیه السلام منعکس می‌شد.^۲

آن مرحوم گفته است که علم الهدی و شیخ طوسی گفته‌اند که سر مبارک امام حسین در روز اربعین به پیکر پاک امام حسین ملحق شد.^۳

مرحوم قاضی تمام دلایل محدث نوری را جواب داده و مردود شمرده است و ادعای خود را که حضور اهل بیت در اربعین اول بر سر قبور شهداست ثابت می‌کند.^۴

با توجه به اینکه تحقیق آن مرحوم مفصل است و کاملاً مخالف با گفتار نوری و شهید مطهری، لذا نمی‌توان با احتمالاتی که مرحوم نوری اقامه نموده حضور اهل بیت را منکر شد؛ بلکه عواطف شدید اهل بیت و بی‌قراری آنها از فراق امام شهیدان و عزیزان حکم می‌کند که در اولین فرصت به زیارت شتافته باشند. برای مطالعه بیشتر به کتاب مرحوم قاضی مراجعه کنید.

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ج سوم، تهران، اسلامیة، ۶۳، ص ۱۴۶.
۲. شهید قاضی طباطبائی، تحقیق در اول اربعین سیدالشهداء چاپ سوم، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید قاضی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۷.
۳. همان ص ۲۲۰.
۴. همان از ص ۶ تا ص ۳۰۴.

در مورد اربعین، کدام روایت صحیح است؟

حضور عطیه و جابر قطعی و محقق است که به زیارت قبر شهدای کربلا شتافتند. درباره زیارت کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام از مرقد شهیدان کربلا در اولین اربعین سخنان بسیاری گفته شده، برخی از محققین معتقدند که کاروان اسیران در راه بازگشت به مدینه از کربلا عبور کرده و به زیارت شهیدان رفتند ولی برخی معتقدند چنین چیزی امکان ندارد بلکه اسرای اهل بیت علیهم السلام در اولین اربعین به زیارت نرسیدند و ملاقات با جابر صحت ندارد. این مسئله نیز یکی از مسائل مورد اختلاف بین محققین است.

مرحوم محدث نوری صاحب مستدرک در کتاب لؤلؤ و مرجان این قضیه را با دلایل و شواهدی بعید دانسته و رد کرده است.^۱ شهید مطهری هم که در نوشتن کتاب حماسه‌ی حسینی و برخی از آثارش مقداری از مرحوم محدث و کتابش تاثیر پذیر بوده،^۲ موافقا با مرحوم محدث نوری آن را رد کرده است.^۳

شهید مطهری می‌فرماید: «يك جریان ساختگی که در هیچ کتاب معتبری وجود ندارد و تنها در يك کتاب وجود دارد»

۱. محدث نوری، لؤلؤ و مرجان، ج سوم، قم، انتشارات طباطبائی، ۷۱، ص ۱۴۹.

۲. شهید مطهری درباره وقوع چنین اتفاق و یا عدم وقوع آن تحقیق ویژه نموده است احتمالاً با اتکاء به اثر مرحوم محدث نوری این واقعه را بعید دانسته است.

۳. شهید مطهری، حق و باطل، چاپ دهم، تهران، صدرا ۶۹، ص ۸۹.

که آن کتاب به اتفاق تمام ارباب مقاتل معتبر نیست...»^۱.

ولی هیچکدام از مورخین و محدثین و مقتل نویسان اسلام این را ننوشته‌اند بلکه تکذیب کرده‌اند و عقل هم (آنها تکذیب می‌کند). این دو محقق بزرگ جهان تشیع بدین ترتیب وقوع این اتفاق تاریخی را انکار کرده‌اند.^۲ اما به نظر می‌رسد که دلایل چندان قطعی نیست، شهید مطهری فرموده است «عقل هم تکذیب می‌کند» در حالی که چنین نیست، اتفاقاً عقل تایید و تحسین می‌کند که اهل بیت امام حسین علیه السلام از کنار این حادثه به این سادگی نگذرند، از نظر عاطفی و عقلی بسیار بعید است که انسان بعد از دست دادن عزیزانش به هر نحوی که ممکن باشد برای تسلی خاطر و تسکین آلام روحی بر سر مزار او برود و در آنجا عزاداری کند! عقل چگونه با چنین چیزی مخالف بوده و آنها تکذیب می‌کند.^۳ که بانویی مثل زینب که محبوبترین فرد خاندانش (برادرش حسین) و سایر برادران و فرزندان و برادر زادگان را از دست بدهد و خودش به اسارت برده شود و در راه بازگشت به مزار آنها نرود، امام زین العابدین علیه السلام امام معصوم که از هر لحاظ در کمال و در اوج عواطف انسانی و

۱. همان ص ۹۰.

۲. منظور شهید از این کتاب ظاهر کتاب لهورف سید بن طاووس است.

۳. مگر اینکه از جهت مدت زمانی محاسبه شود و مسیر بین شام و کربلا را بیش از مدت معلوم شده برای طی مسافت تعیین کند که در این مدت رفتن کاروان از شام به کربلا محال باشد.

عظمت معنوی از مزار عزیزانش زیارت نکند و فرزندان و خاندان پدرش را برای وداع به کربلا نبرد! اتفاقاً اگر نرفته باشد جای بسی تعجب است و از نظر عقلی رجحان با رفتن اسراء به کربلاست و نرفتن مورد مذمت عقل است! چون مسیری را که اسراء را از کربلا به سوی شام آوردند از همان مسیر ممکن است اسراء از شام به کربلا برگردند. در هر صورت شهر مدینه بعد از سرزمین کربلاست.

مرحوم نوری و شهید مطهری یکی از دلایل ردشان آورده‌اند که چون ابن طاوس صاحب لهوف در جوانی این کتاب را نوشته حرف او غیر معتبر است، در حالیکه جوان بودن ابن طاوس هیچ دلیلی بر رد این مطلب نمی‌تواند باشد اتفاقاً نیرویی که در جوانی برای پژوهش و تحقیق وجود دارد در کهن سالی نیست، این دلیل آنها نیز دلیل قابل قبولی نیست.

یکی از دلایل‌های شهید مطهری این است که ن هیچ يك از مقتل نویسندگان و مورخان اسلامی این واقعه را ذکر ننموده‌اند.

در جواب آنها باید گفت که: **اولاً:** چه کسی مدعی است که مورخین تمام حوادث را دقیقاً ضبط کرده‌اند و مسیر کاروان اهل بیت از شام به مدینه را گزارش داده‌اند.

ثانیاً: صاحب لهوف مرحوم سید بن طاوس خودش یکی

از مقتل نویسانی است که آن مطلب را نقل کرده است. و علاوه بر او ابن نما در مثیرالاحزان نقل نموده است.

ثالثاً: مرحوم مطهری و نوری فقط در حد سخن مدعی شده‌اند که هیچ يك از مورخین اسلامی و مقتل نویسان این واقعه را منعکس نکرده‌اند. چون آنها به تمام مقاتل دسترسی نداشته‌اند و تمام منابع تاریخی را مراجعه نکرده‌اند.^۱ که بدون تحقیق و استقصاء اثبات چنین ادعایی مشکل است. چون هم سید ابن طاوس نقل کرده و هم بنا بر نقل خود محدث نوری ابن نما در کتاب مثیرالاحزان آنرا نقل کرده است.^۲

احتمالاً مرحوم نوری اولین کسی است که در این مسئله با آوردن دلایلی تردید نموده است، او از شیخ مفید نقل کرده است که فرموده است روز بیستم صفر که مصادف با اربعین است اهل بیت امام حسین از شام حرکت کردند نه اینکه اربعین به کربلا رسیدند.^۳

در هر صورت مرحوم نوری و بعد از او شهید مطهری این قضیه را انکار کرده‌اند و از لحاظ عقلی به ملاحظه برخی از امور همچون مسیر طولانی بین کربلا و شام و مدت زمان طی این مسافت محال می‌دانسته‌اند.

۱. در حالیکه خود مرحوم نوری فرموده است که طبری والکامل نقل نکرده‌اند از دو تا منبع را نمی‌توان به تمام مقاتل تعبیر کرد.

۲. محدث نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۰.

۳. همان ص ۱۵۴.

در عین حال عده‌ای از علمای شیعه چون ابن طوس در لهوف و ابن نما در کتابش این واقعه را نقل کرده‌اند و مجلسی نیز از سید نقل نموده است.^۱

علاوه بر آنها مرحوم قاضی طباطبائی پژوهشی مفصل در این باره انجام داده و معتقد است که روایت جابر تا آخر نقل نشده است بلکه بخش پایانی آن قطع شده و گرنه حضور اهل بیت در کربلا و دیدارشان با جابر در زیارت امام حسین علیه السلام منعکس می‌شد.^۲

آن مرحوم گفته است که علم الهدی و شیخ طوسی گفته‌اند که سر مبارک امام حسین در روز اربعین به پیکر پاک امام حسین ملحق شد.^۳

مرحوم قاضی تمام دلایل محدث نوری را جواب داده و مردود شمرده است و ادعای خود را که حضور اهل بیت در اربعین اول بر سر قبور شهداست ثابت می‌کند.^۴ با توجه به اینکه تحقیق آن مرحوم مفصل است و کاملاً مخالف با گفتار نوری و شهید مطهری، لذا نمی‌توان با احتمالاتی که مرحوم نوری اقامه نموده حضور اهل بیت را منکر شد بلکه عواطف شدید اهل بیت و بی‌قراری آنها حکم می‌کند که در اولین

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ج سوم، تهران، اسلامیه، ۶۳، ص ۱۴۶.

۲. شهید قاضی طباطبائی، تحقیق در اول اربعین سیدالشهداء چاپ سوم، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید قاضی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۷.

۳. همان ص ۲۲۰.

۴. همان از ص ۶ تا ص ۳۰۴.

فرصت به زیارت شتافته باشند. برای مطالعه بیشتر به کتاب
مرحوم قاضی مراجعه کنید. (تحقیق در اولین اربعین)

آیا مراسم اربعین بر اساس روایات بوده و به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد؟

اصل برپایی مجالس گریه و عزاداری مصائب اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام حسین علیه السلام به دستور اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام می باشد و علاوه بر دستورات و سفارشات زیادی که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام در باره برپایی مجالس عزا و مرثیه خوانی صادر شده و ثوابهای فراوانی بر آن مترتب می باشد، خود ائمه اطهار در زمان حیات مبارک شان اقدام به تشکیل مجالس روضه و عزاداری می نموده اند.

اما چگونگی و کیفیت برگزاری این مجالس و شیوه های عزاداری تا حدود زیادی با فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر هر منطقه و ملل و اقوام مختلف که جمعیت شیعیان را در سراسر جهان تشکیل می دهند، عجین گردیده و احیاناً دچار تحوّل و تفاوت هایی نیز گردیده است اصل عزاداری همان گونه که اشاره شد از دستورات و مستحبات اکید شرع مقدس است که در کتب معتبر تاریخی و روایی آمده است، و نحوه و زمان آن از عادات و رسوم عرف و مردم تأثیر می پذیرد. به عنوان مثال در بعضی مناطق، عزاداری برای حضرت از روز هفتم آغاز شده و تا سیزدهم که سوم شهادت امام است ادامه دارد و در بعضی مناطق عزاداری از اول محرم تا روز عاشورا و نهایتاً تا یازدهم برقرار است. در بعضی مناطق نیز

روضه‌های مستمر در مواقع مختلف سال و همان گونه که مشاهده می‌کنیم در اکثر مناسبت‌ها مثل جمعه‌ها در دعای ندبه و شب‌های چهارشنبه در دعا‌های توسل در طول سال عزاداری و روضه خوانی انجام می‌گیرد و در خیلی از مناطق از اول محرم تا آخر صفر یعنی تا روز رحلت پیامبر مکرم اسلام ادامه می‌یابد بزگداشت اربعین هم همینطور . هم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چنین نحوه عزاداری بر اساس تفاوت مناطق و فرهنگ‌ها متفاوت است در بعضی نقاط به شکل سینه زنی و در بعضی دیگر همراه به زنجیر زنی و در نقاطی هم با آهنگ و طبل و احيانا به شکل و کیفیت دیگر برگزار می‌گردد و همه آن‌ها از مصادق عزاداری محسوب می‌گردد که دلیل مشروعیت آن آیات و روایات و عرف متشرعه می‌باشد.

تمامی این اشکال و صورت‌ها خوب است و اشکالی ندارد. بنابراین چه گفته شد، مراسم عزاداری و سالگرد درگذشتگان، بستگی به فرهنگ و آداب مردم دارد که به طور معمول در مناطقی مختلف برگزار می‌گردد. و در ایران نیز این چنین بوده و معمولاً مورد تایید بزرگان و علماء بوده است البته این به معنای درست بودن تمام شیوه‌ها نیست، ممکن است در مواردی دچار انحراف هم باشد که لازم است مومنین همانگونه که بزرگان نیز متذکر می‌شوند، در جلوگیری و رفع آن بکوشند. در این زمینه مطالعه‌ی کتاب ارزشمند (حماسه حسینی) تالیف علامه شهید مطهری ضروری است.

بنا بر این برپایی هرگونه مجالسی که در راستای ترویج معارف و ارزش‌های دینی و احیای یاد و خاطره پیشوایان معصوم دین انجام گیرد و موجب وهن و استخفاف تشیع و مقام شامخ ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام نگردد صحیح خواهد بود اگر چه در اشکال و قالب‌های گوناگون انجام گیرد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

فلسفه شهادت و عزاداری امام حسین علیه‌السلام، سید عبدالحسین شرف‌الدین، ترجمه علی صحت.

فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.

حماسه حسینی، شهید مطهری.

شهید مطهری می‌گوید اربعین تحریف شده است نظر محققین دیگر در این خصوص چیست؟

درباره زیارت کاروان اسرای اهل بیت علیهم‌السلام از مرقد شهیدان کربلا در اولین اربعین سخنان بسیاری گفته شده، برخی از محققین معتقدند که کاروان اسیران در راه بازگشت به مدینه از کربلا عبور کرده و به زیارت شهیدان رفتند ولی برخی معتقدند چنین چیزی امکان ندارد بلکه اسرای اهل بیت علیهم‌السلام در اولین اربعین به زیارت نرسیدند و ملاقات با جابر صحت ندارد. این مسئله نیز یکی از مسائل مورد اختلاف بین محققین است. مرحوم محدث نوری صاحب مستدرک در کتاب لؤلؤ و مرجان این قضیه را با دلایل و شواهدی بعید دانسته و رد کرده است.^۱ و شهید مطهری هم که در نوشتن کتاب حماسه‌ی حسینی و برخی از آثارش مقداری از مرحوم محدث و کتابش تاثیر پذیر بوده است،^۲ موافقاً با مرحوم محدث نوری آن را رد کرده است و یکی از دروغهائی دانسته که جامعه مرده آنرا پذیرفته و همین مطلب را یکی از دلائل بر مرده بودن جامعه آنروز ایران دانسته^۳ (این سخنرانی ایشان در روز اربعین بوده است) شهید مطهری می‌فرماید: «يك جریان ساختگی که در هیچ کتاب معتبری وجود ندارد و

۱. محدث نوری، لؤلؤ و مرجان، ج سوم، قم، انتشارات طباطبائی، ۷۱، ص ۱۴۹.

۲. شهید مطهری درباره وقوع چنین اتفاق و با عدم وقوع آن تحقیق ویژه نموده است احتمالاً با اتکاء به اثر مرحوم محدث نوری این واقعه را بعید دانسته است.

۳. شهید مطهری، حق و باطل، چاپ دهم، تهران، صدرا، ۶۹، ص ۸۹.

تنها در يك كتاب وجود دارد که آن کتاب به اتفاق تمام ارباب مقاتل معتبر نیست^۱... ولی هیچکدام از مورخین و محدثین و مقتل نویسان اسلام این را ننوخته‌اند بلکه تکذیب کرده‌اند و عقل هم (آنرا تکذیب می‌کند). این دو محقق بزرگ جهان تشیع بدین ترتیب وقوع این اتفاق تاریخی را انکار کرده‌اند^۲. اما به نظر می‌رسد که دلایل چندان قطعی نیست، شهید مطهری فرموده است «عقل هم تکذیب می‌کند» در حالیکه چنین نیست، اتفاقاً عقل تأیید و تحسین می‌کند که اهل بیت امام حسین علیه السلام از کنار این حادثه به این سادگی نگذردند، از نظر عاطفی و عقلی بسیار بعید است که انسان بعد از از دست دادن عزیزانش به هر نحوی که ممکن باشد برای تسلی خاطر و تسکین آلام روحی بر سر مزار او برود و در آنجا عزاداری کند! عقل چگونه با چنین چیزی مخالف بوده و آنرا تکذیب می‌کند.^۳ که بانویی مثل زینب که محبوبترین فرد خاندانش (برادرش حسین) و سایر برادران و فرزندان و برادر زادگان را از دست بدهد و خودش به اسارت برده شود و در راه بازگشت به مزار آنها نرود، امام زین العابدین علیه السلام امام معصوم که از هر لحاظ در کمال و در اوج عواطف انسانی و عظمت معنوی از مزار عزیزانش زیارت نکند و فرزندان و

۱. منظور شهید از این کتاب ظاهراً کتاب لهورف سید بن طاووس است.

۲. شهید مطهری، حق و باطل، چ دهم، تهران، صدر، ۶۹، ص ۹۰.

۳. مگر اینکه از جهت مدت زمانی محاسبه شود و مسیر بین شام و کربلا را بیش از مدت معلوم شده برای طی مسافت تعیین کند که در این مدت رفتن کاروان از شام به کربلا محال باشد.

خاندان پدرش را برای وداع به کربلا نبرد! اتفاقاً اگر نرفته باشد، جای بسی تعجب است و از نظر عقلی رجحان با رفتن اسراء به کربلاست و نرفتن مورد مذمت عقل است! چون مسیری که اسراء را از کربلا به سوی شام آوردند از همان مسیر ممکن است اسراء از شام به کربلا برگردند در هر صورت شهر مدینه بعد از سرزمین کربلاست و کربلا در بین راه سوریه کنونی (شام) و کشور عراق واقع است و از نظر عقلی هیچ استبعاد و مانعی وجود ندارد و از محالات نیست که خاندان امام حسین علیه السلام در راه بازگشت به مدینه در اولین فرصت به زیارت قبور مطهر شهیدان رفته باشند.

مرحوم نوری و شهید مطهری در یکی از دلایل ردشان آورده‌اند که چون ابن طاوس صاحب لهوف در جوانی این کتاب را نوشته حرف او غیر معتبر است، در حالیکه جوان بودن ابن طاوس هیچ دلیلی بر رد این مطلب نمی‌تواند باشد اتفاق نیرویی که در جوانی برای پژوهش و تحقیق وجود دارد در کهن سالی نیست، این دلیل آنها نیز دلیل قابل قبولی نیست.

یکی از دلیل‌های شهید مطهری این است که نوشتن هیچ يك از مقتل نویسان و مورخان اسلامی این واقعه را ذکر ننموده‌اند.

در جواب آنها باید گفت که: **اولاً:** چه کسی مدعی است که مورخین تمام حوادث را دقیقاً ضبط کرده‌اند و مسیر کاروان

اهل بیت از شام به مدینه را گزارش داده‌اند.

ثانیاً: صاحب لهوف مرحوم سید بن طاوس خودش یکی از مقتل نویسانی است که آن مطلب را نقل کرده است. و علاوه بر او ابن نما نیز در مثیرالاحزان نقل نموده است.

ثالثاً: مرحوم مطهری و نوری فقط در حد سخن مدعی شده‌اند که هیچیک از مورخین اسلامی و مقتل نویسان این واقعه را منعکس نکرده‌اند. چون آنها به تمام مقاتل دسترسی نداشته‌اند و تمام منابع تاریخی را مراجعه نکرده‌اند.^۱ که بدون تحقیق اثبات چنین ادعایی مشکل است. چون هم سید ابن طاوس نقل کرده و هم بنابر نقل خود محدث نوری ابن نما در کتاب مثیرالاحزان آنرا نقل کرده است.^۲

احتمالاً مرحوم نوری اولین کسی است که در این مسئله با آوردن دلایلی تردید نموده است، و شهید مطهری هم تحت تاثی مرحوم نوری به این نظر بدون تحقیق و استقصا و تحلیل درست متمایل شده است؛ او از شیخ مفید نقل کرده است که فرموده است روز بیستم صفر که مصادف با اربعین است اهل بیت امام حسین از شام حرکت کردند نه اینکه اربعین به کربلا رسیدند.^۳

۱. در حالیکه خود مرحوم نوری فرموده است که طبری والکامل نقل نکرده‌اند دو تا منبع را نمی‌توان به تمام مقاتل تعبیر کرد.

۲. محدث نوری «پیشین» ص ۱۵۰.

۳. همان ص ۱۵۴.

در هر صورت مرحوم نوری و بعد از او شهید مطهری این قضیه را انکار کرده‌اند و از لحاظ عقلی به ملاحظه برخی از امور همچون مسیر طولانی بین کربلا و شام و مدت زمان طی این مسافت محال دانسته‌اند.

شیخ صدوق در امالی نوشته «حارث بن کعب از فاطمه، دختر علی علیه السلام نقل می‌کند که: یزید دستور داد، خانواده حسین علیه السلام را با امام سجاد علیه السلام زندانی کردند. زندان چنان بود که آنان را از گرما و سرما، نگاه نمی‌داشت تا آن جا که صورت‌های آنان پوست انداخت. در بیت المقدس، هر سنگی که از روی زمین بر می‌داشتند، خون تازه در زیر آن دیده می‌شد. و مردم آفتاب را روی دیوارها چنان سرخ رنگ می‌دیدند که گویی بر آنها چادرهای رنگین کشیده شده بود. این وضع ادامه داشت، تا زمانی که امام سجاد علیه السلام با زنان از شام خارج شدند و سر امام حسین علیه السلام را به کربلا بازگردانیدند»^۱.

در عین حال عده‌ای از علمای شیعه چون ابن طاووس براین نظرند^۲ سید بن طاووس در لهوف می‌نویسد: «فَأَمَّا رَأْسَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَرَوَى أَنَّهُ أُعِيدَ فَدْفِنَ بِكَرْبَلَاءَ مَعَ جَسَدِهِ الشَّرِيفِ عليه السلام وَ كَانَ عَمَلُ الطَّائِفَةِ عَلَى هَذَا الْمَعْنَى الْمَشَارِ

۱. شیخ صدوق، امالی الصدوق، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۲.

۲. سید ابن طاووس، لهوف، ترجمه ابوالحسن میرابوطالبی، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۷.

إِيَّاهُ؛^۱) روایت شده است که سر امام حسین عليه السلام بازگردانده شد و به بدن شریفش ملحق گردید و عمل شیعیان نیز، بر همین عقیده استوار است». ابن نما در کتابش این واقعه را نقل کرده‌اند و مجلسی نیز از سید نقل نموده است.^۲

ذَكَرَ الْمُرْتَضَى فِي بَعْضِ مَسَائِلِهِ أَنَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ عليه السلام رُدَّ إِلَى بَدَنِهِ بِكَرْبَلَاءَ مِنَ الشَّامِ وَ صُمِّمَ إِلَيْهِ وَ قَالَ الطُّوسِيُّ وَ مِنْهُ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ؛^۳ سید مرتضی ذکر کرده است که سر مبارک امام حسین عليه السلام، به کربلا بازگردانده شد و به بدن مبارک آن حضرت، الحاق گردید. به گفته شیخ طوسی، زیارت اربعین از همین رو صورت می‌گیرد.

افزون بر او ابوریحان بیرونی و برخی دیگر نظرشان بر این است که در ۲۰ صفر که مصادف با اربعین هست سر مقدس امام حسین عليه السلام به کربلا منتقل شده و مدفون گردیده است؛ «و فی العشرین رُدَّ رَأْسُ الْحُسَيْنِ إِلَى مَجْتَمِعِهِ حَتَّى دُفِنَ مَعِ جَسَدِهِ وَ فِيهِ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ».^۴

شیخ بهایی (۱۰۳۰ق) در بیان بیستم ماه صفر و آمدن جابر و اهل بیت عليهم السلام به سرزمین کربلا چنین می‌نویسد: «وفی هذا الیوم وهو یوم الاربعین من شهادته عليه السلام کان قدوم جابر بن

۱. سید بن طاووس حلی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۹۵.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۵، سوم، تهران، اسلامیه، ۶۳، ص ۱۴۶.

۳. مجلسی محمد باقر، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۹.

۴. ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه، ص ۳۳۱.

عبدالله الانصاری رضی الله عنه لزیارته علیه السلام واتفق فی ذلك الیوم ورود حرمة علیه السلام من الشام الی کربلاء قاصدین المدینة علی ساکنها السلام والتحیة؛ و در این روز یعنی چهل روز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام جابر بن عبدالله انصاری (رضی الله عنه) به زیارت آن حضرت آمد و اتفاقاً در این روز حرم امام حسین علیه السلام (منظور اهل بیت علیهم السلام) که از شام به کربلا آمدند در حالی که عازم مدینه بودند به زیارت آن حضرت آمدند.^۱ از عبارت شیخ بهایی چنین برمی آید که روز اربعین، چهل روز از شهادت امام می گذشت، و روز ورود جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر حضرت است و آن روز با روز ورود اهل بیت امام از شام به کربلا یکی شد.

مرحوم قاضی طباطبائی^۲ برای اثبات رسیدن اهل بیت علیهم السلام در اربعین به کربلا پژوهشی مفصل در این باره انجام داده و ویش از یکسال در این باره تحقیق نموده است که حاصل آن کتاب «اربعین» اوست که معتقد است روایت جابر تا آخر نقل نشده است؛ بلکه بخش پایانی آن قطع شده وگرنه حضور اهل بیت در کربلا و دیدارشان با جابر در زیارت امام حسین علیه السلام منعکس می شد.^۳

۱ . بهایی، بهاء الدین محمد، توضیح المقاصد، ص ۷۶.

۲ . قاضی طباطبائی، محمدعلی، تحقیقی درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبائی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.

۳ . شهید قاضی طباطبائی، تحقیق در اول اربعین سیدالشهداء چاپ سوم، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید قاضی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۷.

آن مرحوم نیز گفته است که علم الهدی و شیخ طوسی چنانکه عین مطلبشان پیشتر آورده شد، گفته‌اند که سر مبارك امام حسین در روز اربعین به پیکر پاك امام حسین ملحق شد.^۱

مرحوم قاضی تمام دلایل محدث نوری را جواب داده و مردود شمرده است و ادعای خود را که حضور اهل بیت در اربعین اول بر سر قبور شهداست ثابت می‌کند.^۲ با توجه به اینکه تحقیق آن مرحوم مفصل است و کاملاً مخالف با گفتار نوری و شهید مطهری، لذا نمی‌توان با احتمالاتی که مرحوم نوری اقامه نموده حضور اهل بیت را منکر شد؛ بلکه عواطف شدید اهل بیت و بی‌قراری آنها از فراق امام شهیدان و عزیزان حکم می‌کند که در اولین فرصت به زیارت شتافته باشند.

همان طور که مرحوم قاضی طباطبایی رحمة الله عليه در کتاب خود نوشته‌اند: «از علماء امامیه تا قرن هفتم هجری شبهه و اشکالی در این موضوع دیده نشده است و اول کسی که شبهه کرده غیر از سید اجل سید بن طاووس حسنی رحمة الله عليه در کتاب اقبال سراغ نداریم»^۳. و ابن طاووس همین نظر خود را در لہوف تغییر داده است.

۱. همان ص ۲۲.

۲. همان از ص ۶ تا ص ۳۴.

۳. تحقیقی درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء، همان، ص ۲.

نتیجه اینکه با وجود اختلاف بین علما و مخالفت که بیشتر این دیدگاه از متاخرین هست و محدث نوری در این باره از معاصرین مخالفت کرده و شهید مطهری متأثر از کتاب لوء لوء مرجان او که در آداب منبر نوشته است در سخنرانی روز اربعین اینگونه گفته است ، در حالیکه مرحوم قاضی بعد از یکسال و اندی که برای نوشتن این کتاب با موضوع رد شبهات درباره اربعین تحقیق نموده است ؛ لذا نظر ایشان پذیرفته و منطقی تر از نظر دیگر بزرگان هست و روز اربعین در ۲۰ صفر اهل بیت در کربلا بوده اند.

گرفتن مراسم چهلم برای اموات از چه زمانی در بین شیعیان ایرانی مرسوم شد؟ آیا مستند دینی دارد؟

روز و عدد چهل از ظاهر قرآن و روایات چنین بر می آید که دارای اسراری باشد در قرآن سوره بقره آیه ۵۱ خداوند می فرماید: با موسی چهل شب وعده گذاشتیم و او به میعادگاه برای گرفتن فرمانهای الهی آمد. یعنی مدت وعده الهی که موسی در آن به دیدار خداوند برای گرفتن دستور و الواح رفت چهل شب بود. یعنی چهل شب موسی به طور رفت و با خداوند مناجات می کرد.

در آیه دیگر چنین آمده است: وقتی انسان به سن چهل سالگی می رسد از خداوند می خواهد توفیق شکرگزاری از نعمتهایش را به او بدهد و خواستار توفیق انجام عمل صالح از خداوند می شود. یعنی انسان در سن چهل سالگی به مرحله ای از رشد و ایمان می رسد که نوعی تکامل و بلوغ است لذا در روایات آمده هرکس تا سن چهل سالگی گناه کند و توبه نکند امکان بازگشت برای او سخت است^۱ و همچنین نقل شده هرکس که چهل سال بر او بگذرد نیکی هایش به بدی هایش غلبه نکند و جهت گیری هایش به سوی خوبی ها نباشد جایز دوزخ است.

بنابراین در اسلام عدد چهل دارای حکمتی است که آن را مهم جلوه می کند و در فرهنگ ایران زمین «چهل» عدد

۱. ر.ک: تفسیر روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۷ و تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۹.

مشهوری است و در شعر و ادب فارسی نیز ترکیب هایی از این کلمه وجود دارد. در فرهنگ اسلامی نیز عدد چهل از جایگاه ویژه ای برخوردار است در روایات اسلامی عدد چهل فراوان مطرح شده است. به عنوان نمونه در حدیثی آمده است: «کسی که تا ۴۰ روز خالص برای خدا شود چشمه های حکمت از قلبش برزبانش جاری می شود»^۱

به نظر می رسد با توجه به اینکه اربعین در فرهنگ عاشورا از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است از این رو شیعیان و ایرانیان همانگونه که برای سرور و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه السلام همه ساله اربعین شهادت را عزاداری می کنند، در چهلمین روز درگذشت اموات خویش نیز مراسمی به یادبود این عزیزان برگزار می کنند در این رابطه آقا حیدری^۲ می گوید: در تاریخ اسلام از نخستین اربعین عزاداری بر کشته یا شهیدی، پیش از شهادت امام حسین علیه السلام اطلاعی در دست نیست. در تاریخ و سیره نبوی هم در این باب نمونه ای سراغ نداریم حتی بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام امام علی و امام حسن علیهما السلام اربعین گزارش نشده است و سرآغاز آن از عزاداری بر امام حسین علیه السلام است^۳. مهمترین نکته درباره اربعین روایت امام حسن عسکری علیه السلام است. حضرت

۱. محمد صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، جلد ۸، ص ۴۷.

۲. عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۳. نشریه خراسان، بحث «اربعین از دیدگاه مورخین» حجت الاسلام حیدری آقائی، ۱۳۸۲/۲/۸.

در روایتی که در منابع مختلف نقل شده است فرموده اند: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۱. خواندن ۵۱ رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب + ۳۴ رکعت نوافل) ۲. زیارت اربعین ۳. انگشتی در دست راست ۴. سجده بر خاک ۵. بلند خواندن بسم الله در نماز^۱ «این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در ادعیه و منابع دعا آمده به اربعین امام حسین علیه السلام و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.^۲

در منابع به روز اربعین (اولین اربعین امام حسین علیه السلام) به دو اعتبار نگریسته شده است شیخ مفید در ارتباط با این روز نوشته است. این روزی است که حرم امام حسین علیه السلام از شام به سوی مدینه مراجعت کردند و نیز روزی است که جابر بن عبد... انصاری برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد^۳.

به نظر می‌رسد با توجه به مراسم اربعین برای امام حسین علیه السلام (که همواره برگزار شده و می‌شود الهام از این حرکت معنوی بوده است که مراسم چهلمین روز برای اموات و درگذشتگان برگزار می‌کنند.

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۱.

۲. نشریه رسالت، رسول جعفریان، نشریه اربعین امام حسین علیه السلام، عدد چهل، ۱۳/۱/۸۶.

۳. همان.

خاستگاه زیارت چیست؟ و چرا تا این حد برای انجام این عمل عبادی توصیه شده است؟

شکی در این نیست که «زیارت» در اسلام، به خصوص در مکتب شیعه، جایگاه والایی دارد. امامان و اولیای الهی، تا حد بسیاری دعوت و تشویق به زیارت کرده‌اند. پاداش‌ها و ثواب‌های فراوانی برای «زائر» بیان شده است به طوری که «زیارت»، در ارزش و پاداش، همپای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است. زیارت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) فضیلت و ثواب بسیار بالا دارد و این ثواب اختصاص به زیارت امام خاصی ندارد. این زیارت‌ها در واقع نشانهٔ ابراز محبت ما نسبت به آنان است و باعث زیاد شدن یاد و ذکر آنها در جامعه می‌گردد که ارزش والایی دارد.

به طور کلی، زیارت خاستگاه اعتقادی و فقهی دارد که در تحکیم مبانی اعتقادی انسان نقش بسزایی را ایفا می‌کند. در حقیقت، زائر ارکان اعتقادی خود را در زیارت باز می‌یابد.

زیارت هر یک از ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، یک سفر کامل معنوی است و این ظرفیت را دارد که در هر قدمش، انسان را به رشد و تعالی برساند. البته این مطلب به این معنا نیست که هر کس به زیارت برود، الزماً به چنین مقامی برسد! بلکه اشاره به این مطلب مهم است که زیارت امام معصوم، دارای چنین ظرفیت عظیمی است؛ و اگر کسی با شرایط خاصی

که در آداب و مناسک زیارت بیان می‌شود، بارگاه معصوم را زیارت کند، در هر قدمی که برای زیارت برمی‌دارد، به رشدی معادل رشد یک حج مقبول نائل می‌شود. زیارتی که حتی بسیار فراتر از حج است و برای انسان رشد به دنبال دارد چرا که سفر زیارتی ائمه معصومین علیهم‌السلام در واقع، «هجرت الی‌الله» و سفر به سوی خداست، لذا با استعانت از خدا از دم در منزل و از هنگامی که زائر قصد زیارت می‌کند و قدم بر می‌دارد، آغاز می‌شود. این که گفته می‌شود از همان لحظه خروج از منزل، انسان باید بگوید: «بسم‌الله؛ و بالله؛ والی‌الله والی ابن رسول‌الله»؛ به این خاطر است که، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي... بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»

درست است که سفر ما به سوی خداست؛ اما در این سفر باید از خانه معصوم علیهم‌السلام عبور کنیم. چون امام معصوم، باب‌الله است؛ کسی که قصد سُکُنِ گزیدن در سرای توحید را داشته باشد، باید از مسیر امام معصوم علیهم‌السلام عبور کند؛ جز از این باب نمی‌توان به مقامات توحید رسید. اگر درک مراتب توحید برای انسان ممکن است، این امکان از این باب مقدور می‌شود و لا غیر؛ راه‌های دیگر بن بست‌اند و انسان را به بی‌راهه و پرتگاه‌های خطرناک می‌کشانند.

«زیارت»، قلمرو دل و وادی محبت است؛ زیارت می‌تواند

نمودی از احساس شوق درونی انسان باشد. نشانی از محبت و دلیلی بر عشق و علامتی از تعلق خاطر باشد. زیارت، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است.

زائر به راه می‌افتد و همچون خضر علیه السلام، به دنبال آب حیات، و همچون موسی علیه السلام در پی «عبد صالح» روان می‌گردد تا برسد و بیابد و بهره بگیرد و کامیاب شود. «زیارت»، از این مقوله است. پیوند قلبی است، محبت و علاقه است.

وادی زیارت، وادی عشق و علاقه و عرفان است. در قلمرو دل، گاهی پای عقل هم می‌لنگد و وقتی عشق فرمان می‌دهد، عقل چاره‌ای جز تسلیم و فرمانبرداری ندارد.

این یک طرف قضیه است که محبت، انسان را به «زیارت» وا می‌دارد. سوی دیگر قضیه آن است که «زیارت»، محبت و شناخت می‌آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت کننده است.

این نکته را نیز در نظر بگیرید که «زیارت» و رفتن به زیارتگاه‌ها آثار تربیتی فراوانی دارد چرا که «زیارت» نوعی کلاس تربیت است و متن‌های زیارتی ما متون آموزشی این مدرسه و کلاس است، شما اگر زیارت نامه‌هایی که درباره‌ی ائمه هست مثل زیارت امین الله، زیارت جامعه کبیره، زیارت امام رضا علیه السلام و زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مرور کنید، می‌بینید که چقدر مسائل تربیتی در آن نهفته است. در این زیارات بحث

توفیق، نماز و عبادت است و بحث گواهی دادن به جایگاه آن شخصیت‌های والاست. در زیارت امام حسین علیه السلام کلماتی که به کار می‌بریم، در واقع هم تحلیل قیام امام است، هم اعلام وفاداری به امام است و هم اعلام برائت از دشمنان امام است؛ پس نباید زیارت را سبک بشماریم و کم توجهی کنیم.

زیارت آثار فراوانی دیگری هم دارد که حتی مرحوم فیض کاشانی در یکی از آثارش می‌گوید. آنچه که من از روایات بررسی کردم تاکید بر زیارت اگر بیش از حج و عمره نباشد کمتر نیست. دلیلش هم این است که حج و عمره را همه‌ی فرقه‌ها و گروه‌ها می‌روند، ولی زیارت معصومین (علیهم السلام) را کسی می‌رود که عشق و محبت به معصوم دارد، اعتقاد دارد و ولایت معصوم را می‌پذیرد.

به هر حال، بحث ولایت و ولایت‌پذیری، شناخت و معرفت نسبت به امام معصوم علیه السلام، محبت و مودت نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت از جمله آثار ارزشمند زیارت به حساب می‌آید.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

محدثی، جواد، فرهنگ زیارت: اهداف، آثار، تاریخچه، مشروعیت، سازندگی و آداب زیارت، تهران: مشعر، ۱۳۹۱.

واعظ جوادی آملی، مرتضی، فلسفه زیارت و آیین آن، قم:

اسراء، ۱۳۹۱.

روغنی، محمود، زیارت، اهواز: تراوا، ۱۳۹۲.

زمانی، حسین، درآمدی بر فرهنگ زیارت الگوی زندگی
در حریم رضوی علیه السلام، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد
پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.

باقریان موحد، سیدرضا، فرهنگ و آداب زیارت، قم: مرکز
پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، دفتر عقل، ۱۳۸۷.

گروه اخلاق و عرفان، آداب و احکام زیارت، قم: دفتر نشر
معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در
دانشگاهها)، ۱۳۸۹.

آیا واقعا زیارت امام حسین علیه السلام موجب بخشش گناهان می‌شود؟

در روایات آمده است که زیارت امام حسین علیه السلام باعث بخشیدن گناهان گذشته و آینده می‌گردد، آیا تشرف به آن بارگاه ملکوتی موجب بخشیده شدن گناهان کبیره هم می‌شود؟ در حالی که اکثر گناهان کبیره عالما و عامدا است؟

در پاسخ لازم است به نکاتی اشاره نماییم:

۱. بدون تردید، زیارت امام حسین علیه السلام آثار و برکات فراوان دارد، که یکی از آنها این است که سبب آمرزش گناه انسان می‌شود در این رابطه، **اولا** باید اشاره شود (به خاطر نکته ای که در پرسش است) عملی را که انسان بر خلاف دستور و یا قانون شرع و دین انجام می‌دهد، با علم و با اختیار (عمدی) و نه از روی انکار و عناد و تمسخر و سبک شمردن حکم خدا (که این جرمش بسیار سنگین است و نوعی ارتداد شمرده خواهد شد) بلکه از روی غفلت و غلبه شهوت و جنبه‌های بشری و بی تقوایی، این را در اصطلاح گناه و معصیت می‌گویند و گرنه اگر کسی بدون علم و آگاهی از این که فلان عمل گناه است و یا از روی غیر عمدی و به ناچار و بی اختیار کاری را بر خلاف شرع انجام دهد این گناه شمرده نمی‌شود و کیفر ندارد.

ثانیا: بر اساس روایات فراوان، کسی که به زیارت امام حسین نایل می‌شود خداوند همه گناهان او را می‌آمرزد و او را مورد عفو خود قرار می‌دهد (البته تا جایی که مربوط به حقوق الله است نه

حقوق الناس) در این مورد به چند روایت اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که چون شخصی به قصد زیارت حسین علیه السلام از خانه اش خارج شود، در همان قدم اول گناهایش آمرزیده می‌شود، سپس پیوسته با هر قدم پاك و پیراسته می‌شود تا نزد قبر برسد^۱.

۲. امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: کمترین ثوابی که نصیب زائر حسین علیه السلام در کنار شط فرات می‌شود، در صورتی که با معرفت به حق و حرمت و ولایت او همراه باشد، این است که گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می‌شود^۲.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با آب فرات غسل نماید، و قبر امام حسین را زیارت کند مانند روزی که از مادر متولد شده از گناه پاك می‌شود؛ گرچه در میان گناهان او گناه کبیره نیز باشد^۳.

۴. و در روایتی دیگر نیز فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را با معرفت زیارت کند و برای خدا و زمرة آخرت (نه برای سمعه و ریاکاری و مانند آن) به خدا سوگند گناهان گذشته و آینده آن آمرزیده می‌شود^۴.

۱. شیخ صدوق، کامل زیارات، (منتخب با ترجمه)، ص ۲۹۴، تصحیح، امینی، عبدالحسین، تهران: نشر میقات، ۱۳۶۵ ش.

۲. همان، ص ۲۹۶.

۳. اصفهانی، محمد حسن، نور العین فی المشی الی زیارت الحسین، ص ۱۵۷ باب ۱۷۵، ح ۱۱، تهران: نشر مکتبه الصدوق، ۱۳۶۳ ش.

۴. همان، ص ۱۵۸، ح ۱۵.

برخی از بزرگان در ذیل یکی از روایات می‌گویند: اینکه در روایات از آمرزش گناهان به برکت زیارت امام حسین علیه السلام سخن گفته شده است، شامل همه گناهان کبیره و صغیره می‌شود، و دلیل ندارد که این مساله تنها مربوط به گناهان صغیره باشد.^۱ بنابراین، برابر روایت فروان در این مساله که زیارت امام حسین علیه السلام سبب آمرزش همه گناهان حتی گناه کبیره می‌شود تردیدی نخواهد بود.

۲. نکته دوم که بسیار مهم و اساسی است و باید به طور خلاصه مطرح شود این است که درباره عظمت و آثار وجودی و برکات معنوی و همه شؤون وجودی امام حسین علیه السلام و برکات معنوی و همه شؤون وجودی امام حسین علیه السلام، که کمترین آن این است، که گناه انسان با زیارت او بخشیده می‌شود. هیچ تردید نمی‌تواند راه پیدا کند. اما متأسفانه، یکی از مظلومیت‌های امام حسین علیه السلام این است که خوب، و آن گونه که شایسته است شناخته نشده است، اما متأسفانه امروز از امام حسین علیه السلام و مظلومیت‌های او، کارخانه شفاعت سازی ساخته است. بسیاری از کسانی که در طول سال هیچ‌گونه پای بندی شریعت الهی ندارند، از نماز و روزه بی‌اطلاعتند، در دهه‌ای محرم سر دسته‌ای عزاداران است. تا به نصف شب سینه زده نماز شب را تعطیل می‌کنند، با اینگونه انسان‌ها معلوم نیست که امام حسین علیه السلام چگونه رفتار کند. اگر زیارت و گریه

بر آنحضرت موجب کفاره گناهان می‌گردد، در صورتی است که سهواً یا عمداً گناه کبیره را انجام داده، بعد از آنکه متوجه شد، باید ترك کند، نه اینکه همیشه آن گونه باشد، و بعد به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شود. لذا از حقایق انکار ناپذیر آثار زیارت او و گریه برای او احیاناً برخی از مردم عوام برداشت نادرستی می‌کنند. علاوه بر آن چه گفته شد ساختار قوانین الهی بر آموزش و پالایش انسان هاست و گشودن باب توبه و استغفار و ریزش گناهان به بهانه‌های گوناگون مؤید این گفتار است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

مطهری، مرتضی، حماسه حسینی (مجموعه آثار، ۱۷)
تهران: نشر صدرا.

گلپایگانی، لطف الله صافی، پرتوی از عظمت
حسین علیه السلام قم: نشر مدرسه المهدی.

تستری، شیخ جعفر، الخصایص الحسینیه، نجف: چاپ
حیدریه، ۱۳۷۵ق (این کتاب به فارسی به نام زیتون، توسط
دکتر خلیل الله فاضلی ترجمه شده است).

قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، نشر میقات، ۱۳۶۵ش.

اصفهانی، شیخ محمد حسن، نورالعین فی المشی الی
زیارت الحسین علیه السلام تهران: نشر مکتبه الصدوق، ۱۳۶۳ش.

زیارت اربعین ثوابش بیشتر است یا زیارت عرفه؟

در باره ثواب زیارت امام حسین زبان، گفتار و نوشتار انسان‌های معمولی عاجزتر از آن است که مطلبی را بیان کند؛ اما روایات رسیده از معصومین در این باره دو دسته است:

دسته اول: بیان جایگاه معنوی و ثواب زیارت امام شهیدان قطع نظر از حال غناء، فقر، خوف، امن، پیاده، سواره و... .

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده اند: «خدا امامت را در ذریه امام حسین و شفاء را در تربت و اجابت دعا در کنار قبرش را، پاداش شهادتش قرار داد...»^۱ امام صادق در پاسخ کسی که سوال کرد آیا زمانی هست که ثواب زیارت حضرت در آن افضل از دیگر زمان‌ها باشد؟ فرمود: «در هر وقت امام حسین را زیارت کنید چرا که زیارتش بهترین موضوع است هرکس بیشتر زیارت کند بیشتر و هرکس کم تر زیارت کند کم تر از این خیر بهره برده است»^۲.

دسته دوم: بیان شرائط و حال خاص مثل: معرفت، خوف، امن، پیاده، سواره و... .

امام صادق فرمود: «اوقات شریفه را که هنگام نزول فرشتگان است به زیارت امام حسین اختصاص داده و

۱ . حرعاملی، محمد، وسائل الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ ششم، ۱۴۱۲. ه. ق، ج ۱۰، ص ۳۲۹

۲ . ابن طاووس، علی، اقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹. ه. ق، ج ۱، ص ۱۰.

قصد زیارتش کنید چرا که اعمال صالحه در چنین اوقاتی اجر مضاعف دارد و بعد حضرت ثواب زیارت امام حسین در ماه رمضان را بیان کرده است^۱.

از این گونه روایات فهمیده می شود که زمان و مکان در قلت و کثرت پاداش زیارت و دیگر امور نقش دارد.

ثواب زیارت اربعین

شیخ طوسی می گوید: در بیستم صفر که همان اربعین امام حسین و شهدای کربلا است، زیارت حضرت مستحب است چرا که از امام حسن عسکری روایت شده که: «مؤمن چند نشانه دارد: ۱۵ رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین، داشتن انگشتر به دست راست، پیشانی به خاک گذاشتن و بلند گفتن بسیم الله الرحمن الرحیم»^۲. از مطالعه منابع روایی و کتب ادعیه و زیارات به این نتیجه می رسیم که جدا از سیره ائمه و متن زیارت اربعین، روایت امام حسن عسکری تنها روایتی است که به بزرگداشت اربعین امام حسین و وفاداران ایشان تصریح کرده است و لذا از قدیم الایام شیعیان زیارت اربعین می خوانده اند و این سنت تا به امروز به تبعیت از عملکرد و گفتار ائمه در میان شیعیان و به ویژه در عراق به قوت خود برپاست و یکی از

۱. همان.

۲. طوسی، محمد، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۷.

فرهنگ‌های مذهبی رایج شیعیان عراق این است که روز اربعین حتی الامکان خودشان را به کربلا می‌رسانند.

ثواب زیارت عرفه

در مورد زیارت امام حسین در عرفه، روایات بسیاری که به فرموده سیدبن طاووس متواتر است.^۱ با بیان اجرهای متفاوت وارد شده است به عنوان نمونه امام صادق می‌فرماید: «... کسی که در روز عرفه امام حسین را زیارت کند در حالی که عارف به حق ایشان باشد ثواب هزار حج و هزار عمره پذیرفته شده با نبی مرسل و یا امام عادل و ثواب هزار جهاد در رکاب نبی مرسل و یا امام عادل برای او نوشته می‌شود...»^۲ در روایت دیگری می‌فرماید: «کسی که امام حسین را در روز عرفه زیارت کند خدا برای او یک میلیون حج با قائم آل محمد، یک میلیون عمره با رسول خدا ﷺ، آزاد کردن یک میلیون برده و انفاق کالاهایی که به اندازه باریک میلیون اسب باربر باشد، می‌نویسد و می‌فرماید: بنده راستگوی من به وعده من اطمینان کرد...»^۳ از این قبیل روایات می‌توان به دست آورد که ثواب زیارت امام حسین در عرفه بیشتر است به ویژه که این روز قطع نظر از زیارت امام حسین از بهترین و عظیم‌ترین ایام دعا و مناجات است.

۱. اقبال الاعمال، پیشین، ج ۲، ص ۶۲.

۲. ابن بابویه، محمد، الامالی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ه. ش، ص ۱۴۳، مجلس ۲۹، ص ۱۴۳.

۳. وسائل الشیعة، پیشین، ج ۱، ص ۳۵۹.

آیا زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین افضل اعمال است؟

در پاسخ به این سوال باید بگوییم اصل رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام همواره اهمیت و فضیلت داشته است، به ویژه زیارت ایام اربعین و نیز زیارت با پای پیاده یکی از مسائلی است که همواره در میان شیعیان اهل بیت علیهم السلام معروف و مشهور بوده و ربطی به امروز و گذشته نداشته است و در زمینه آن دهها روایت نقل شده^۱ و همواره به عنوان یک اصل ثابت و تغییر ناپذیر مطرح بوده است، با تمام این احوال رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام همیشه باید از طریق موجهی صورت گیرد و در شرایطی که امکان مسافرت از طریق قانونی وجود دارد به ویژه در دوره استقرار حکومت اسلامی، نباید از قوانین تخطی کرده و به طریقی توسل جست که هم باعث به خطر افتادن جان خود می شود و هم باعث پیدایش مشکلات در روابط دو کشور و سایر گرفتاریهای دستگاه های امنیتی و دیپلماسی می گردد، همواره تاکید بر این بوده است که سفر به قصد زیارت امام حسین علیه السلام باید از طرق قانونی صورت گیرد و نه راه های غیر قانونی، از این روی سفر قاچاقی به عراق چه در گذشته و چه امروز، نوعی تخلف از قوانین جمهوری اسلامی ایران بوده و هست که بنا به نظر بسیاری از مراجع محترم شرعاً حرام است.

۱. به عنوان مثال رک: کتاب «نورالعین» تألیف آیت الله محمدحسن اصطهباناتی، ترجمه مریم سادات میرفاطمی، انتشارت آرام دل.

زیارت اربعین فقط در روز اربعین و کربلا است، قبل یا بعد از اربعین یا در اماکن دیگر نمی‌توان زیارت اربعین خواند، چون بدعت است؟

زیارت امام حسین علیه السلام یکی از با فضیلت ترین زیارت هایی است که در فرهنگ دینی وارد شده است، به گونه ای که نسبت به زیارت هیچ یک از ائمه به این اندازه سفارش نشده است؛ تا جایی که ترک این زیارت برای شیعه ای که توان آن را دارد امری ناپسند شمرده شده و به نوعی لازم است چنان چه امام صادق علیه السلام فرمودند: «زیارت حسین بن علی علیهما السلام بر هر کس که او را از سوی خداوند امام می‌داند واجب است»^۱.

در منابع روایی برای برخی از ایام و لیالی سال زیارت مخصوصی برای سیدالشهدا نقل شده که زیارت اربعین یعنی روز بیستم صفر یکی از آنهاست. این زیارت در منابع روایی معتبری همچون تهذیب الاحکام^۲ و نیز کتب ادعیه و زیاراتی همچون مصباح المتهدجد^۳ و المزار الکبیر^۴ نقل شده است.

حرکت پیاده به سمت حائر حسینی به منظور زیارت امام

۱. ابن قولویه، جعفر، کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۳۶. عموم فقها از این روایت وجوب فقهی برداشت نکرده اند و آن را حمل بر تاکید فراوان نموده اند.

۲. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳.

۳. همان، مصباح المتهدجد، بیروت: موسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۸.

۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق، ص ۵۱۴.

حسین در روز اربعین، سنتی است که در میان مردم عراق قدمتی دیرینه دارد و در سالیان اخیر نیز تبدیل به حرکتی عظیم در میان جامعه شیعه گردیده است که باید آن را به فال نیک گرفت. با توجه به محدودیت‌های فراوانی که در شهر کربلا وجود دارد، طبیعی است که این شهر نمی‌تواند در روز اربعین پذیرای بیش از ۲۰ میلیون زائر حسینی باشد؛ از این رو باید تمهیدی اندیشید که این مراسم به نحو مطلوبی برگزار گردد. از این باب به زوار حسینی در مراسم اربعین توصیه می‌شود که اصراری بر این نداشته باشند که حتما در روز اربعین در کربلا حضور بهم رسانند و به زیارت سید الشهداء در روزهای قبل و یا بعد از اربعین اکتفا نمایند.

این توصیه به این معنا نیست که زائرین در روزهای قبل و بعد از اربعین، امام حسین را با زیارتنامه مخصوص روز اربعین زیارت نمایند، چرا که روشن است که این زیارت مخصوص آن روز خاص است و توصیه به خواندن آن در روزی دیگر به عنوان عملی مستحب، نیازمند دلیل خاص است. از این رو به نظر می‌رسد که یا نسبت به این توصیه برداشت نادرستی صورت گرفته است و یا آن بزرگوارانی که چنین توصیه‌ای نموده اند دقت کافی در بیان حدود و ثغور مقصود خود به خرج نداده‌اند.

در پاسخ به بخش دوم سوال پیرامون بدعت بودن خواندن این زیارت از راه دور و به صورت دسته جمعی در

اماکن متبرکه باید گفت که؛ در متن روایت زیارت اربعین تصریحی به قرائت آن از نزدیک وجود ندارد. «... عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ اِزْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ - السَّلَامُ عَلَيَّ وَ لِيَّ اللهُ ...؛ صفوان جمال می گوید: مولای من امام صادق به من درباره زیارت اربعین فرمود: در هنگام بالا آمدن روز زیارت می کنی و می گویی: السَّلَامُ عَلَيَّ وَ لِيَّ اللهُ ...» البته قدر متیقن از این نقل آن است که این زیارت از نزدیک خوانده شود، ولی اطلاق و ظاهر واژه «تزور» زیارت از راه دور را نیز شامل می شود؛ یعنی خود واژه «تزور» به صورتی است که هم شامل زیارت از نزدیک می شود و هم شامل زیارت از راه دور. از این جهت می توان از این اطلاق، استحباب زیارت از راه دور را نیز استفاده نمود.

علاوه بر بیان قبل، از راه تعدد مطلوب نیز می توان استفاده نموده و با فرض ظهور اولیه این روایت در زیارت از نزدیک، این قید یعنی نزدیک بودن را دال بر مطلوبیت و فضیلت بالاتر دانست؛ بنابراین اصل، اگر زیارت اربعین در کربلا خوانده شود، دارای ثواب کامل خواهد بود، اما اگر در غیر آن مکان خوانده شود اصل مطلوبیت و ثواب را دارد، لکن نه در حد کامل.

نسبت به بدعت خواندن زیارت دسته جمعی از راه دور نیز باید به این نکته متذکر شویم که اینگونه نیست که هر

عملی که در زمان معصومین مسبوق به سابقه نبوده است را بتوان بدعتی حرام نامید. بدعت ناروا در شرع آن است که عملی را به عنوان یک امر شرعی که دین به آن فرمان داده به کار بریم، در حالی که برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه‌ای در شرع وجود نداشته باشد؛ ولی هرگاه کاری را که انسان به عنوان یک عمل دینی انجام می‌دهد و دلیلی شرعی به صورت خاص یا کلی و عام بر مشروعیت آن وجود داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود.

شیعه معتقد است که ثواب زیارت کربلای حسین علیه السلام از ثواب زیارت بیت الله الحرام بیشتر است، چگونه می توان این عقیده را پذیرفت؟

از نظر شیعه زیارت بیت الله الحرام دارای اهمیت است اما این گونه نیست، که بالاترین ثوابها مربوط به این عمل باشد. در کتابهای اهل سنت نیز به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است که: «هر کس صد بار صبح و صد بار شب تسبیح خدا گوید مانند کسی است که صد حج بجا آورده است»^۱. عامه در توجیه این حدیث چه می گویند؟! حدیثی که حسن شمرده شده است. بعضی از علمای عامه گفته اند: این حدیث دلالت دارد که ذکر گفتن با حضور قلب با همه آسانی که دارد، از عبادات سختی که در حال غفلت انجام شود، با فضیلت تر است^۲. یا در حدیثی دیگر آمده است که «مبارزه ای که علی بن ابی طالب علیه السلام با عمرو بن عبدود، در روز خندق انجام داد، از اعمال امت من تا روز قیامت، با فضیلت تر است»^۳. این حدیث در کتب ما نیز آمده است، و در روایات ما اشاره شده است که این فضیلت از آن رو است، که در آن روز همه کفر در مقابل همه اسلام قرار گرفته بود. و عمل امام علی علیه السلام موجب پیروزی اسلام شد. از این حدیث نتیجه

۱. محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۷۶، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.

۲. البار کفوری، تحفة الاحوذی، ص ۳۹، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

۳. محمد بن محمد الحاکم النیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۳۲، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۳ ق.

می‌گیریم هر عملی که موجب رشد، و پیروزی اسلام و پیشبرد اهداف اسلام شود ممکن است، با توجه به خلوص نیت عامل آن ثواب‌های بی‌شمار دریافت کند. و از حدیث اول نیز نتیجه می‌گیریم که يك عمل کم و اندک که با توجه و حضور قلب انجام شود، ممکن است به اندازه يك عمل بسیار مهم و دشوار که با غفلت یا کمی حضور قلب، انجام می‌شود ثواب داشته باشد بلکه بیشتر از آن. پس این طور نیست که زیارت بیت الله باید همیشه و همه جا از همه اعمال ثواب بیشتری داشته باشد.

اما مطلب اصلی؛ چگونه می‌توان پذیرفت که طبق عقیده شیعه زیارت امام حسین از زیارت بیت الله ثوابش بیشتر است؟

برای پذیرش عقیده شیعه یا حداقل بعید نشمردن آن نکاتی لازم است بیان شود؛

۱. فکر نشود، وقتی شیعه زیارت امام حسین را مهم شمرده از فضیلت زیارت بیت الله غافل است، خیر، از این رو ماه مبارك رمضان که ماه استجابت دعاها می‌باشد. دعا‌های زیادی از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است شاید در کمتر دعایی باشد که در آن از خدا توفیق زیارت خانه خدا نیامده باشد؛ بلکه در بعضی از آن‌ها آمده است که زیارت

هر سالی را نصیب کند.^۱ و معلوم است که زیارت واجب يك بار است و اگر هر سالی آن را می‌خواهیم آن زیارت مستحبی می‌باشد و به خاطر ثواب زیادش خواسته می‌شود.

۲. این مقایسه که در احادیث ائمه علیهم‌السلام آمده، مقایسه بین واجب و مستحب نیست، یعنی این طور نیست که فکر شود شیعه زیارت امام حسین علیه‌السلام را بر زیارت واجب بیت الله ترجیح می‌دهد. اهمیت به جا آوردن حج واجب در نظر شیعه آن قدر زیاد است؛ که طبق روایات رسیده از معصومین علیهم‌السلام اگر کسی بدون داشتن عذر و مانع آن را ترك کند و بمیرد یهودی یا نصرانی مرده است.^۲ بنابراین ترك آن بدون عذر موجب می‌شود انسان غیر مسلمان بمیرد. پس اهمیت زیارت بیت الله چه مستحب آن چه واجب آن در جای خود محفوظ است. اما چرا به زیارت امام حسین - علیه السلام - این قدر اهمیت می‌دهد؛ در نکات بعدی اشاره می‌شود:

۳. در چهار آیه از قرآن، اجر رسالت نبی گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - مطرح شده است، در آیه‌ای می‌گوید: بگو من هیچ پاداش از شما نمی‌خواهم و از متکلفین نیستم (سخننام همراه با دلیل و روشن است^۳) در آیه‌ای دیگر می‌فرماید «بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچ گونه پاداش

۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ص ۲۸۹، قم: شرکت تعاونی ناشران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۷.

۳. سوره ص، آیه ۸۶.

نمی‌خواهم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش
برگزیند^۱ (این اجر من است)

در آیه سوم می‌فرماید «بگو پاداش که از شما خواستم تنها
به سود شما است و پاداش من فقط بر خداوند است»^۲.

اگر این سه آیه در کنار هم قرار گیرد معنا چنین می‌شود:
۱. من هیچ پاداشی برای خودم نمی‌خواهم. ۲. پاداشی که
می‌خواهم برای خود شما است. ۳. پاداش را فقط از کسانی
می‌خواهم که بخواهند راهی به سوی خدا انتخاب کنند. و
در يك کلمه من فقط از کسی پاداش می‌خواهم که بخواهد
به سوی خدا راه پیدا کند البته این پاداش فقط به سود
خود اوست نه من، حالا این پاداش چیست؟ در آیه‌ای دیگر
بیان شده است: «بگو از شما بر آن (تبلیغ رسالت) پاداش
نمی‌خواهم جز دوست داشتن نزدیکان»^۳

زمخشری نقل می‌کند وقتی این آیه نازل شد «سؤال شد یا
رسول الله نزدیکان تو، آن‌ها که دوست داشتن آن‌ها بر ما لازم
است چه کسانی‌اند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند آن‌ها»^۴
بنابراین تنها اجری که رسول گرامی اسلام در مقابل زحمات
طاقت فرسای خود در ابلاغ رسالت خود از ما، آن هم به فرمان

۱. سوره فرقان، آیه ۵۷.

۲. سوره سبأ، آیه ۴۷.

۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۴. زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۲۱۹، بیروت: دارالکتب العربی.

خدا خواسته است دوست داشتن اهل بیت اوست که طبق آیات قبل این دوست داشتن اولاً به سود خود ماست و ثانیاً راهی است به سوی خدا که البته می‌توان فهمید سودی که این محبت برای ما دارد آن است که ما را به سوی خدا رهنمون و نزدیک می‌کند. محبتی که زمینه تمسک به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را فراهم کند ما را از گمراهی (دور شدن از خدا و طریق او) نجات خواهد داد؛ همان‌طور که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «ای مردم من در میان شما چیزی را به یادگار می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و خاندانم اهل بیتم».

حالا سؤال این است آیا ما در مقابل زحمات رسول الله ﷺ وظیفه‌ای داریم یا نه؟

آیا نباید پاداش زحمات ایشان را که البته به سود خود ماست بدهیم؟! اگر پاسخ مثبت است که قطعاً چنین است باید اهل بیت را دوست بداریم و حتماً راه ابراز این محبت اکنون آن ست که در زیارت‌گاه‌های آن‌ها حضور یابیم و ضمن تکریم آن‌ها، از فضای ملکوتی آن جا بهره ببریم. شاید به همین خاطر است یعنی این که زیارت قبر ائمه خصوصاً امام حسین علیه السلام ابراز محبت به خاندان پیامبر است و محبت به خاندان او پاداش رسالت اوست؛ که در روایات آمده است کسی که زیارت امام حسین علیه السلام را ترک کند، حقی از حقوق رسول الله را ترک کرده است.^۱ با این توضیحات می‌توان فهمید که چرا زیارت امام حسین علیه السلام از زیارت مستحبی بیت الله فضیلتش بیشتر است، چون کسی که زیارت واجب خانه خدا را به جا آورده و حالا دارد زیارت مستحبی می‌کند معلوم است این زیارت مستحبی در عین فضیلت، لزومی ندارد اما همین کس نسبت به حق رسول الله و اجر رسالت او که محبت خاندانش باشد غفلت کرده است. اما اگر کسی که حج واجب را بجا آورده و حالا به زیارت امام حسین علیه السلام رفته به اجر و حق رسول الله صلی الله علیه و آله نیز توجه کرده و با زیارت قبر فرزند او این محبت را ابراز و اثبات کرده است و اهل بیت او را بزرگ

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۳، قم: موسسه آل البيت الاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

شمرده است. و معلوم است کسی که هم به حق الله و هم حق رسول الله ﷺ توجه دارد از کسی که فقط به حق الله توجه دارد ثواب بیشتری دریافت می‌کند.

خوب است این نکته نیز بیان شود که در روایات ما ثواب‌های زیادی که مربوط به زیارت قبور ائمه عليهم السلام و خصوصاً امام حسین عليه السلام آمده است مربوط به کسی است که عارف به حق امام باشد و هر چه این معرفت بیشتر باشد ثواب بیشتری دریافت می‌کند، یعنی بداند که دوست داشتن آن‌ها لازم است و تمسك به آن‌ها موجب نجات، بداند که آن‌ها امامانی‌اند که اطاعت آن‌ها بر ما واجب است. بنابراین این ثواب‌ها مربوط به کسی است که می‌داند چه می‌کند و به زیارت چه کسی رفته است.

۴. تنها باگذشت پنجاه سال از رحلت نبی مکرم اسلام صلى الله عليه وآله جامعه اسلامی مبتلا به حاکمی شده بود که رعایت ظواهر اسلام را نمی‌کرد، شرب خمر می‌کرد، سگ بازی و میمون بازی می‌کرد و دیگر کارهای خلاف عرف و شرع. وقتی معاویه برای ولایت عهدی او بیعت خواست همه جز ۴ نفر بیعت کردند.^۲

سؤال بسیار مهم این است که مردم چرا به خلافت

۱. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۵۰، بیروت: دار الاحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۲. احمد بن یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸، بیروت: موسسه نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ دار.

و حکومت چنین شخصی راضی شدند؟. سؤال دیگر این است که چرا آن ۴ نفر بیعت نکردند؟ عبد الله بن عمر در امتناع از بیعت گفت: اگر با کسی که با میمون و سگ بازی می‌کند و شراب می‌نوشد و اظهار فسق می‌کند بیعت کنیم حجت ما نزد خدا چیست؟ و عبدالله بن زبیر گفت: نباید از مخلوق در معصیت خالق اطاعت کرد حال آن که دین ما را بر ما فاسد کرده است^۱.

و از دیدگاه امام حسین علیه السلام باید با اسلام وداع کرد. هنگامی که حاکم آن؛ شخص مثل یزید باشد^۲ منصفانه باید قضاوت کرد حق با کدام بود آن‌ها که بیعت کردند و راضی به خلافت چنین شخصی شدند یا آن‌ها که امتناع کردند؟ می‌دانیم تنها کسی که حاضر شد بر این عدم بیعت و مقاومت و قیام در برابر چنین حکومتی، جان خود و خویشان و یاران خود را بدهد امام حسین علیه السلام بود. اگر امام حسین علیه السلام نیز بیعت می‌کرد و هیچ واکنشی در مقابل چنین حکومت نشان نمی‌داد و امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کرد و در این راه به شهادت نمی‌رسید معلوم نبود از اسلام و احکام نورانی آن تا حال اثری باشد. وقتی در ۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردم راضی شدند حاکم آن‌ها کسی باشد که شرب خمر می‌کند و... حاکمی که باید مجری احکام اسلام و حافظ

۱. همان.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶، بیروت: دار الاحیاء التراث عربی، ۱۴۰۳ ق.

دین باشد، معلوم نبود در سال‌های بعد و قرون بعد حاکم آن‌ها چه کسی باشد و اسلام و مسلمین در چه وضعیتی.

پس اگر ما از اسلام و احکام نورانی آن اثری می‌بینیم، مرهون امام حسین علیه السلام و یاران او هستیم و مرهون آن‌ها که بعداً به ایشان اقتدا کردند و در حفظ اسلام کوشیدند و جان دادند. از همین روست که بعضی در ذیل حدیث «حسین منی و انا من حسین^۱» که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده احتمال داده‌اند مراد این باشد که حسین علیه السلام فرزند و نوهی من است، لذا از من است اما من از حسینم یعنی دین من مرهون حسین است. بقای دین من به خاطر شهادت حسین است.

پس امام حسین علیه السلام به خاطر احیای مجدد اسلام، بر تک تک مسلمین حق دارد و کمترین کاری که ما در ایفای حق ایشان می‌توانیم بکنیم زیارت ایشان و تکریم و بزرگداشت عمل آنان است. لذاست که در ذیل روایاتی که فضیلت و برتری امام حسین علیه السلام را بر زیارت بیت الله بیان کرده، آمده است که حق امام حسین علیه السلام بر هر مسلمانی فرض است^۲. و زیارت، ایفای این حق و تشکر از زحمات حسین علیه السلام و یاران اوست. بنابراین باید گفت عمل کسی که در عین توجه به

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۲. وسائل الشیعة، همان، ج ۱۴، ص ۴۳۳.

واجبات الهی (مثل بجا آوردن حج واجب) در صدد ایفای حق دیگران و تشکر و سپاس از آنان باشد از عمل کسی که از این مسأله غفلت کرده و يك عمل مستحب را بجا می آورد فضیلتش بیشتر است. و طبق حدیث «کسی که از مخلوق تشکر ننماید، از خدای عزوجل تشکر نکرده است»^۱.

ثواب های بی شمار به حسین و یارانش و به خاطر او به زائرانش بدهد نباید بعید شمرد بلکه چنین ثواب هایی به جاست، حتی اگر این ثواب ها از زیارت بیت الله بیشتر باشد.

۱ . مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۴، بیروت: موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

شکر برای مصیبت بزرگ «و عظیم رزیتی»، چه معنایی دارد؟

در قسمت پایانی زیارت عاشورا آمده است: «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین بک علی مصابهم الحمد لله علی عظیم رزیتی».

خدایا حمد برای توست حمد شاکرین بخاطر مصیبت ایشان، حمد برای خداست بخاطر مصیبت بزرگ من.

شکر به معنای تصور نعمت و اظهار آن و سپاسگزاری از منعم است. به عبارت دیگر شکر عبارت از شناختن نعمت منعم و شادمانی و سرور نسبت به آن، عمل به مقتضای این سرور یا عزم بر امور خیر، سپاسگزاری از منعم و استعمال نعمت در راه بندگی خداوند است.^۱

شکر دارای سه مرتبه است: اول شکر قلبی، دوم شکر زبانی و سوم شکر عملی. این مراتب از شکر مربوط است به مقامات متوسطین از اهل سلوک که شکرشان در برابر نعمت و کرامتی است اما سالک آنگاه که به مقام حب الهی می‌رسد نه تنها کرامت و نیکی و خوبی را نعمت می‌بیند، بلکه بلا و سختی را هم نعمت می‌داند و از این رو هم در سختی و هم در راحتی خداوند را شاکر است و این مرتبه همان است که بزرگان اخلاق از آن تعبیر به مقام رضا می‌کنند.

۱ . نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۲۲۲.

قال الصادق عليه السلام «نَجْوَى الْعَارِفِينَ تَدْوُرُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ
الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ وَ الْحُبِّ؛ نجوای عارفان بر سه اصل دور
می‌زند، خوف، امید و دوست داشتن»^۱.

در شرح قسمت سوم این حدیث آمده است: حب الهی
عبارت از رضا دادن است به قضای وی و در همه حال به صبر
و شکر بودن، در مراتب دنیا از فقر و فاقه صحت و مرض، از
خود بدتری دیدن و شکر کردن^۲ این مقام همان است که در
عباراتی نظیر الحمد لله علی السرا و الصراء از ائمه هدی روایت
شده است یعنی شکر برای خداست هم در سختی و هم در
راحتی^۳.

امام خمینی رحمة الله عليه می‌فرمایند: بدانکه مراتب شکر به
حسب مراتب معرفت منعم و معرفت نعم (نعمت‌ها)
مختلف شود و نیز به حسب اختلاف مراتب کمال انسانی
مختلف شود. پس فرق بسیار است ما بین آنکه در حدود
حیوانیت و مدارج آن قدم زند و جز نعمت‌های حیوانی چیز
دیگر نیافته با آن کس که از این حجاب بیرون رفته و به منازل
دیگر قدم نهاده و از طلیعه عالم غیب در قلب او جلوه ای
حاصل شده^۴.

۱. منسوب به امام صادق، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی، اول، ۱۴۰۰، ص ۱۱۹.

۲. گیلانی، عبدالرزاق، شرح مصباح الشریعه، انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷ش، ص ۱۲.

۳. الاقبال، سید بن طاووس، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۳۶، و علی
منقول از امام صادق عليه السلام اول ماه رمضان.

۴. خمینی، سیدروح الله، شرح حدیث، جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و

به عبارت دیگر از این عبارات معلوم می‌شود که شکر دارای مراتبی است؛ در مراتب اولیه شکر در برابر کرامت و خوبی است اما در مراتب آخر سالک خداوند را در برابر بلاها هم شاکر است. یعنی شکر در برابر بلا و مصیبت است، زیرا در این هنگام در نظر سالک بلا و مصیبت همان نعمت و کرامت است. و از این روست که حضرت زینب در مجلس یزید فرمود: ما رأیت الا جمیلاً؛ یعنی جز زیبایی ندیدم. چرا که در پس همه این مصیبت‌های ظاهری، خداوند عنایتی بیکران به مصیبت زدگان خواهد داشت و مقام بسیار بالایی به ایشان عطا می‌کند. در واقع این مصیبت‌ها عامل ارتقاء درجه است و لذا مستوجب شکر است و عین زیبایی است. سلوک با پای بلا خود نوعی سلوک است که انسان را به بالاترین مقامات می‌رساند. و از آنجا که امام برای خود چیزی نمی‌خواهد و هر چه هست رضایت تامه است، پس این مقامات در واقع باعث می‌شود که بتوانند پیروان خود را نیز بالاتر ببرند و به همراه خود مسافر عرش الهی گردانند.

اما چرا در دعا می‌گوئیم: شکر خدا بخاطر مصیبت آنان، دلیلش تا حدودی از توضیحات معلوم شد و آن این است که گفتیم مقام آنان، مقام رضاست و آن مقامی است که صاحب مقام در همه حال راضی به قضاء الهی و صابر و شاکر است و به عبارت دیگر هم سختی هم و راحتی را نعمت ببیند.

بنابراین با قرائت این فقره در این دعای خواهیم تا خود را به مقام ایشان برسانیم. در شرح این دعا آمده است:

در اینجا دقیقه ای است و شرح او چنان است که متعلق شکر نعمت است پس ناچار باید بر ملایم واقع شود چنان که صبر بر ناملایم است و این سرّ حدیث شریف است که الایمان نصفان نصف صبر و نصف شکر، چه آدمی در هیچ حال از ملایم و ناملایمی خالی نیست. پس گاه باید صبر کند و گاه شکر و صبر مقابل جزع است و شکر مقابل کفران که نوعی از کفر است و چون مقابل شکر بدتر است پس خود شکر از درجه صبر عالی تر خواهد بود و این در اوّل مرتبه سلوک مقام انسانیت است و چون از پله ترقی بالا روند به حدی رسند که آنچه از او آید نعمت بینند اگر چه شدت و مصیبتی باشد و آن ثمره محبت است. خلاصه سخن آنکه شکر بر ملایم اگر باشد مقام اوایل است و اگر ناملایم هم به ملاحظه صدور از محبوب حقیقی نعمت حساب شود شکر بر او کند و این نتیجه رضاست که او ثمره محبت است و مقام او آخر و اکابر است و چون ائمه همیشه پیروان خود را به مقامات عالیّه دعوت کنند و به مراتب بلند، عموم شیعه را به قرائت این دعا که ترجمه مقام راضیان است و شکر بر مصیبت را مشتمل است، امر فرموده اند مگر از برکات این دعای مبارک به این مقام ارجمند و رتبت بلند فائز شوند!

۱ . تهرانی، میرزا ابوالفضل، شفاء الصدور، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۶ش، ص ۵۵۸.

اما این که در دعا می‌فرماید: الحمد لله علی عظیم رزیتی می‌توان گفت: تقریباً مضمونی مانند مضامین قبل دارد و آن این است که می‌خواهیم با قرائت این دعا خود را داخل در این گروه نمائیم و آن گاه همراه با آنان که به مقام رضا رسیده‌اند این مقام را طلب کنیم. پس مصیبت آنان را مصیبت خود دیده و خداوند را بر این مصیبت شکر می‌کنیم. همچنان که آنان این مصیبت را نعمت دیده و خدا را سپاسگزاری کردند. هر قدر کسی محبت بیشتری به امام حسین علیه السلام داشته باشد طبیعتاً از مصیبت‌های ایشان آزرده تر می‌شود و مصیبتی که تحمل می‌کند بالاتر است و چون مصیبت بیشتری تحمل می‌کند، به درجات بالاتری راه می‌یابد و این خود می‌طلبد که بنده خدا را به بهترین وجه شکر گوید. و این که چرا در آخر سجده می‌کنیم به این دلیل است که سجده یکی از بهترین حالت‌های اظهار ذلت و خشوع و بندگی به درگاه خداوند است. هر چند ما می‌توانیم مقامات مذکور را در حالت عادی از خداوند طلب کنیم ولی ذکر و درخواست این مقامات (که اولیاء از جمله امام حسین علیه السلام صاحب آن بودند) در حالت سجده فضیلت بسیاری دارد که قابل توصیف نیست.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

تهرانی، میرزا ابوالفضل، شفاء الصدور، ص ۵۵۸، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۶ ش.

عده‌ای به شعائر الهی مانند اربعین اشکال می‌گیرند، چه باید کرد؟

در پاسخ به این سؤال سزاوار است در ابتدا به مفهوم شعائر اشاره نمائیم سپس به جایگاه شعائر در دین اسلام و ضرورت آن بپردازیم شعائر جمع شعیره به معنی علامت و نشانه است، شعائر الهی یعنی نشانه‌های پروردگار است که شامل تمام آنچه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می‌اندازد، به یقین بزرگداشت آن نشانه تقوای دل‌ها است پس شعائر الله یعنی چیزهایی که نشانه دین و ایمان به خداست و هر آنچه نشانه و علامت دین و ایمان باشد جزء شعائر الهی است و از همین قبیل است مشعر الحرام و تمام مقامات حج و اماکن مشرفه و مجالس موعظه و بیان احکام و فضایل خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و مساجد و اعیاد و سوگواری‌ها، همه شعائر دین است، به هر حال اکثر مفسران شعائر را به همه نشانه‌ها و معالم دین الهی تعمیم داده‌اند و موارد یاد شده در آیات را نمونه و مثال دانسته‌اند بر همین مبنا شامل سر فصل‌های آیین الهی و برنامه‌های کلی و آنچه در این آیین چشمگیر و انسان را به یاد خدا آورد، خواهد شد.

به هر حال قرآن شعائر را به همراه «تعظیم» (بزرگداشت) یاد نموده است، چنانکه خدای متعال فرمود: ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ

شَعَائِرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ^۱ هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد و به نشانه‌های آئین خدا و پرچمهای اطاعت او، احترام بگذارد این از تقوای دلهاست، از نظر قرآن وظیفه مسلمانان در مورد نشانه‌های دین، بزرگداشت و تعظیم آنهاست، تعظیم و بزرگداشت حقیقی از آن کسانی است که تقوای دل دارند، چه بسا افراد متظاهر یا منافق تظاهر به تعظیم شعائر می‌کنند، ولی چون از تقوای قلب آنها سرچشمه نمی‌گیرد بی ارزش است، تقوا و روح پرهیزکاری و احساس مسئولیت در برابر فرمانهای الهی چیزی است که کانون آن قلب و روح آدمی است و از آنجا است که به جسم سرایت می‌کند، لذا احترام و بزرگداشت شعائر الهی از نشانه‌های تقوای دل است.

البته آنچه که در این جا سزاوار است بدانیم این نکته مهم است که سوگواری و عزاداری برای مرگ مردان و اولیای الهی، از مصادیق بارز تعظیم شعائر الهی بوده و تجلیل از عقیده و راه و رسم و مجاهدت و تلاش آنان محسوب می‌شود و اقامه عزاداری برای امام حسین علیه السلام آن شخصیت ممتاز و بی نظیری که خود از خاندان عصمت و طهارت و از اولیای الهی و امامان معصوم است، علاوه بر تجلیل از مقام شامخ آن امام همام، از مصادیق روشن تعظیم شعائر الهی است که: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ (هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست، به یقین اقامه

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

عزاداری برای امام حسین علیه السلام که تمام هستی خویش را یکجا با خداوند معامله کرد و با تمام اهل بیت علیهم السلام و فرزندان در قربانگاه عشق قدم نهاد و مخلصانه از همه چیزش در راه خدا گذشت، از عظیم ترین شعایر الهی است و برپایی مجالس عزا برای آن حضرت، تعظیم یکی از بزرگترین شعایر الهی محسوب می شود و برپایی مجالس یادبود و عزاداری برای سرور و سالار شهیدان و آزادگان جهان، امام حسین علیه السلام یکی از آن امور مهم و اساسی است که ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با سعادت و اصلاح دنیا و آخرت امت اسلامی دارد، بنابراین اقامه عزای حضرت ابی عبدالله الحسین سیدالشهداء علیه السلام از افضل قربات الی الله تعالی و موجب تجدید حیات اسلام و ایمان است و ادله قرآنی و روایی متعدد بر آن دلالت دارند، بر مومنین لازم است هر چه با شکوه تر آن را برگزار نمایند، چه آن که در عزاداری شیعیان و در ماتم و عزای ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص حسین ابن علی، علیهما السلام. و تداوم آن در طول تاریخ اهداف مهمی وجود دارد که از جمله شناساندن مقام پیشوایان، افزایش عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام اثبات حقانیت نهضت حسینی، یاد مصائب اهل بیت، همدردی با رسول الله. صلی الله علیه و آله. و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام الگو پذیری از جریان عاشورا، تکریم ائمه و ارزش های والای انسانی، رشد فضائل و کرامت های انسانی و الهی، و پرورش روحیه شهادت طلبی می باشد.

اقامه عزاداری برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام و خاندان و یاران باوفایش سفارش اکید و مؤکد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام است که شیعیان را تا روز قیامت توصیه به عزاداری برای آن حضرت فرمودند که خود این اقامه عزاداری موجب زنده نگه داشتن و ترویج دین و مذهب و استحکام آن در قلوب و دل‌های مردم می‌شود، همان طوری که اصل قیام حضرت برای نجات دین و شریعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و تکرار این برنامه اعم از سخنرانی دینی و ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام و سایر مطالب مفید و مورد نیاز و نیز سینه زنی و سایر مراسم در هر سال اثرات عمیقی بر شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام دارد که جای انکار و تردید نیست، برای برپایی چنین مجالسی که از مصادیق بارز شعائر محسوب می‌گردد بار معنایی و محتوایی سیاسی و فرهنگی وجود دارد که علاوه بر کارکردهای معنوی آن در واقع شیعیان، محبان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام می‌توانند با این شعائر اعلام موضع و هویت نمایند، شناخته شوند و جهت را گم نکنند، رابطه بین آن‌ها قطع نگردد و تمرکز و انسجام دینی خود را حفظ کنند و به واسطه چنین شعائری در واقع انتساب خویش را به راه و مکتب اهل بیت اعلام کنند، به خصوص عاشورا که مظهر قیام علیه ظلم و استبداد می‌باشد لذا برای زنده نگه داشتن راه و مکتب امام حسین علیه السلام چنین شعائری چون عاشورا و اربعین باید ماندگار و حفظ شود، چرا

که اسلام و مکتب اهل بیت با همین شعائر زنده است، البته عجین شدن زندگی ما مسلمانان با این شعائر باید به گونه ای باشد که اثرات آن در زندگی روزمره تجلی یابد و این مهم منوط به این است که برگزاری چنین شعائری با آگاهی بخشی و کسب معرفت و شناخت مکتب اهل بیت همراه گردد تا راه، منش و سلوک اهل بیت علیهم السلام در حیات فردی و اجتماعی مردم هر چه بیشتر ظاهر و نمود پیدا نماید، در عین حال اصل وجود چنین شعائری احیای دین خدا و مکتب اهل بیت علیهم السلام است و بر فرد فرد مسلمانان است که بر اقامه و برگزاری باشکوه تر آن اقدام نمایند و دولت اسلامی وظیفه بر احیاء و ترویج این شعائر دارد و قصور و تقصیری در این باره قابل قبول نیست، البته شکی در این نیست که در نحوه برگزاری این شعائر باید به گونه ای باشد که باعث تفرقه در بین برادران دینی نگردد و از سخنان و اعمال تفرقه انگیز دوری شود و بر حُب و ولایت اهل بیت علیهم السلام تأکید گردد، ذکر فضائل و مناقب اهل بیت و بزرگداشت یاد آن‌ها از تعظیم شعائر است نه این که حرف و حدیثی به زبان آوریم و موجب تفرقه در بین برادران دینی شویم قطعاً چنین کاری مذموم است و باعث سوء استفاده دشمنان اسلام خواهد گردید، بنابراین گرامی داشت و سوگواری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از شعائر دینی ماست، در روز عاشورا دشمنان اهل بیت، خون اهل بیت پیامبر علیهم صلوات الله اجمعین

را بر زمین ریختند و خاندان پیامبر را به اسارت بردند، در این روز تمامی مسلمانان بر این مصیبت باید بگیرند و ذکر مصائب آن را برای یکدیگر بازگو کنند، روز عاشورا و یاد آن روز نباید اختصاص به شیعیان داشته باشد بلکه روز عاشورا را تمامی کسانی که ایمان به پیامبر اسلام دارند و حُبّ اهل بیت در آن‌ها وجود دارد باید روز غم و اندوه مسلمانان بدانند و به ذکر مصائبی که بر اهل بیت گذشته و جفای که بر آنان رفته، بپردازند، چرا که دوستی اهل بیت مختص شیعیان نبوده و نخواهد بود، بنابراین اصل برگزاری مراسم گرامیداشت و نیز برگزاری مراسم سوگواری در روز عاشورا و اربعین موجب تفرقه نخواهد بود لکن نکته اساسی و مهم این است که در برگزاری این گونه مراسم سخنان و اعمال تفرقه انگیز نباید مطرح و یا انجام گیرد، باید همواره تلاش کرد تا در تعظیم این شعائر همراهی برادران دینی ایجاد گردد، اگر ما این کار را نکنیم و سخنان تفرقه انگیز را مطرح کنیم در واقع بر افزایش گروه‌های تکفیری کمک کرده ایم.

چه لزومی بر پیاده‌روی اربعین وجود دارد در حالی که برگزاری این مراسم این همه هزینه دارد؟

تأملاتی درون دینی بر پیاده‌روی اربعین

مروری گذرا بر روایات پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی نشان می‌دهد که از منظر فرهنگ ناب شیعه زیارت امام حسین علیه‌السلام، گریه و سوگواری بر مصائب آن امام و بزرگداشت ایام شهادت آن حضرت و یاران مظلومش، از جایگاه بلند و برجسته‌ای برخوردار است. روایات معتبر اسلامی از اهمیت این مسأله و تأکید پیشوایان دین بر زنده نگهداشتن یاد و خاطره جان‌بازی‌های شهیدان کربلا حکایت می‌کند. تعبیری که در روایات ما در این باره وارد شده و پاداش‌های گوناگونی که بر این امر مژده داده شده است، بسیار شگفت‌انگیز می‌نماید.

امام صادق علیه‌السلام . فرمود: خداوند خیر هرکس را بخواهد، دوستی امام حسین و دوستی زیارت او را در دلش می‌افکند و برای هرکس بد بخواهد، بغض امام حسین و بغض زیارت او را در قلبش قرار می‌دهد.^۱

امام رضا علیه‌السلام . فرمود: هرکس اباعبدالله را در کنار نهر فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است.^۲

۱ . الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۶.

۲ . محمد بن الحسن الطوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۶.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: اگر مردم می‌دانستند چه برکاتی در زیارت امام حسین علیه السلام نهفته است، از اشتیاق زیارت او می‌مردند و نفس‌هاشان از حسرت به شماره می‌افتاد! گفتم مگر چه برکاتی در زیارت امام حسین علیه السلام نهفته است؟ امام علیه السلام فرمود: هرکس امام حسین علیه السلام را از روی اشتیاق زیارت کند، خداوند پاداش هزار حج مقبول و هزار عمر پاکیزه و پاداش هزار شهید از شهدای بدر و پاداش هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه مقبول و پاداش آزادی بندای که برای خدا آزاد شده باشد، برای او مقرر می‌فرماید!

روایات اهل بیت علیهم السلام در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور و نزدیک در حد تواتر معنوی^۲ و دست کم در حد روایات مستفیض است.^۳ این امر جای شکی باقی نمی‌گذارد که زیارت آن امام همام از اعظم قربات الی الله است و هیچ عمل مستحبی در فضیلت به پای آن نمی‌رسد. امامان اهل بیت علیهم السلام هم در گفتار و هم در رفتار بر این موضوع مهم

۱. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۳.

۲. متواتر در لغت به معنای پیاپی و مکرر است و حدیث متواتر، حدیثی است که شمار روایان آن در هر طبقه زمانی، به حدی باشد که تبانی آنان بر جعل حدیث، نزدیک به غیرممکن باشد. در مورد احادیث متواتر، احتمال نقل درست مضمون حدیث از معصوم گوینده آن، قطعی است. به نظر شیعه حدیث ثقلین و بخش‌هایی از واقعه غدیر خم از جمله این احادیث به شمار می‌آیند.

۳. در اصطلاح به حدیثی گفته می‌شود که روایان آن بیش از سه نفر و کمتر از حد تواتر باشد.

تأکید کرده‌اند. آن بزرگواران از هر فرصت و به هر بهانه بهره می‌جستند تا یاد و خاطره حضرت سیدالشهداء و اصحابش، زنده‌تر و پویاتر گردد و غبار گذر زمان و سایه سنگین دشمنی‌ها، بر آن ننشیند و نیفتد.

اربعین در منابع دینی و فرهنگی

واژهٔ اربعین، به معنای چهل، در ادب اسلامی، جایگاه برجسته‌ای دارد؛ همچنانکه در ادب فارسی هم به این معنا توجه شده است. عدد اربعین (چهل) در قرآن کریم از ویژگی خاصی برخوردار است. مثلاً خداوند متعال وقتی با حضرت موسی علیه السلام برای دریافت الواح تورات، وعده مناجات و عبادت می‌گذارد، ابتدا سی شب و سپس با ده شب دیگر آن را کامل می‌کند؛ یعنی حضرت موسی علیه السلام پس از چهل شب مناجات با خداوند، توفیق می‌یابد الواح تورات را از خداوند دریافت کند!

و با موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب تمام کردیم. پس او مدت زمان مناجات با پروردگارش را در چهل شب تمام کرد.^۱

در آیه‌ای دیگر، چهل سالگی، مقطع کمال عقلی و رشد معنوی انسان‌ها معرفی شده است:

و احسان به پدر و مادر را به انسان سفارش کردیم. مادرش

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

او را با ناخوشی باردار شد با ناخوشی (سختی) بر زمینش نهاد و دوران بارداری و از شیرگرفتنش، سی ماه است؛ تا آن هنگام که به بالاترین حد از رشد خود و چهل سالگی رسید، گفت: خداوند! یاریم ده تا نعمتت را سپاس گذارم؛ نعمتی که بر من و پدر و مادرم انعام کردی و عمل صالحی که تو از آن خشنودی، انجام دهم و کار را درباره فرزندانم به سامان کنی؛ یقیناً به سوی تو بازگشتم و من از تسلیم شدگانم!

در روایات اسلامی هم عدد اربعین (چهل) منزلت و سرخاصی دارد. به این روایات توجه کنید:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هرکس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند در روز قیامت او را عالمی فقیه برانگیزد.^۲
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سلم فرمود: هرکس چهل روز از حلال بخورد، خداوند قلب او را نورانی کند.^۳

جالب است بدانیم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سلم در چهل سالگی به رسالت مبعوث شد. توبه حضرت آدم پس از چهل روز گریه و زاری به درگاه خداوند پذیرفته شد.^۴ کسی که شراب بنوشد تا چهل روز نمازش مقبول نیست.^۵ کسی که چهل روز گوشت نخورد، ذهنش کند شود...^۶ این گونه روایات

۱ . سوره احقاف، آیه ۱۵.

۲ . محمد بن یعقوب کلینی، الاصول الکافی، ج ۱، ص ۴۸ و ۴۹.

۳ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶.

۴ . حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۱.

۵ . محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۰۸ و کافی، ج ۶، ص ۴۰۱.

۶ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۵۶، ح ۱ و همان، ج ۶۶، ص ۷۲.

که شمار آن هم بسیار است، از اهمیت عدد اربعین و اسرار نهفته در آن حکایت می‌کند.

عدد اربعین در فرهنگ فارسی هم مورد توجه بوده است. کلمات مرکبی مانند چهل دختر، چهل چراغ، چهل قلندر، چهل اختران، چهل ستون، ... در شعر و ادب فارسی و نیز فرهنگ عامه مردم، اهمیت عدد چهل در فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد.

حافظ می‌فرماید:

چل سال رنج کشیدیم و عاقبت تدبیر ما به دست شراب
دوساله بود

اربعین حسینی در فرهنگ شیعی

شاید یکی از عوامل برجسته شدن و اهمیت یافتن اربعین حسینی در میان دوستان اهل بیت علیهم السلام روایت مشهوری است که از امام عسکری علیه السلام نقل شده است: علامات مؤمن (شیعه) پنج چیز است:

۱. ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز (۱۷ رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله) ۲. زیارت اربعین ۳. قرار دادن انگشتری در دست راست ۴. پیشانی بر خاک مالیدن ۵. بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز.

در این روایت امام عسکری علیه السلام زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های شناخت شیعیان اهل بیت معرفی می‌کند. به راستی سرّ این امر چیست؟ ما در آموزه‌های شیعه اعمال یا عقائد فراوانی داریم که بتوان آن را به عنوان علامت شیعه محسوب کرد. چرا در این میان بر زیارت اربعین انگشت نهاده شده است؟

توجه عمیق و جامع به حوادث عاشورا تا اربعین، می‌تواند تا حدی سرّ این امر را آشکار کند. اربعین، مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت علیهم السلام، کامل شدن رسالت حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام در سوا ساختن یزیدیان و رساندن پیام خون سرخ حسین به گمراهان کوفی و شامی است (چه اربعین را آغاز حرکت آن‌ها از شام بدانیم و چه زمان رسیدنشان به کربلا). اما از دیگر سو اربعین، مبدأ حرکت جوشنده و تمام‌ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی هم هست. از اربعین به این سو است که تمام همت و تلاش امامان اهل بیت و شیعیان و دوستانشان صرف زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین و ورود در مبارزه‌ای فرهنگی بر علیه نظام ستمکار اموی و پس از آن نظام عباسی و همه نظام‌های ستمگر در طول تاریخ است. پیام اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت‌های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون‌های پاک امام حسین و یاران قهرمانش، بهترین انرژی

و سرمایه برای چنین مبارزه تمام ناشدنی و مستمر تا قیامت است.

خواندن زیارت اربعین، زیارت کردن امام حسین در روز اربعین و پاسداشت چنین روزی در میان شیعیان اهل بیت علیهم السلام یکی از برجسته‌ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قلبی تازه می‌گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور پرقدرتی را در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و نظامی از خود نشان می‌دهد. اربعین آموزنده‌ی این تفکر الهی است که اگر چه باطل مانند کفی بر روی آب^۱، ممکن است کوتاه‌زمانی به جولان و هیجان، افکار عمومی را در دست گیرد و حق‌طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق‌طلبان خواهد بود.^۲ دستگاه یزید که با تمام توان برای نابودی حرکت عدالت‌خواهانه امام حسین علیه السلام به میدان آمده بود، در اربعین به شکست خود اعتراف کرد و اهل بیت را با احترام به سوی مدینه روانه ساخت. از این مبدأ به بعد شاهد قیام‌ها و حوادثی هستیم که با الهام از قیام امام و یارانش، عرصه را بر حکومت اموی تنگ، و آرام آرام زمینه‌ی نابودی آن را فراهم می‌کند. قیام توابین، قیام مردم مدینه و قیام مختار بن ابی عبید ثقفی در امتداد همین خط

۱. سوره رعد، آیه ۱۷.

۲. سوره زخرف، آیه ۳۵.

پدید می‌آید و بر اندام حکومت جبار اموی لرزه می‌افکند. شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین و یارانش را فریاد می‌زند. اگرچه در عاشورا در غم شهادت امام و یارانش می‌گرید و از جنایت‌هایی که بر اهل بیت رفته است، مویه می‌کند، اما در اربعین، نتیجه‌ی شهادت طلبی و جان‌بازی امام و اهل بیتش را به نظاره می‌نشیند. اربعین، شایسته تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین، ثمره عاشورا است و آنچه امام حسین در عاشورا آغاز کرد در اربعین به بار می‌نشیند.

پیاده‌روی اربعین، نماد شور و شعور

به درستی نمی‌دانیم که رسم پیاده‌روی اربعین از کی و توسط چه کسی یا کسانی بنیان نهاده شده است. اما به یقین مراسمی با شکوه و تأثیرگذار در تکریم اربعین و تعظیم شعائر الهی است. البته در روایات ما تصریحا یا تلویحا پیاده‌رفتن به برای زیارت امام حسین علیه السلام بزرگ داشته شده و ثواب عظیمی برای آن وعده داده شده است. بنابراین روایات ما هرگونه رنج و سختی که زائر در راه زیارت امام حسین بر خود هموار می‌کند، او را مستوجب پاداش الهی می‌نماید. علی بن میمون صائغ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: ای علی! به زیارت امام حسین علیه السلام برو و از این کار فروگذار نکن! عرض کردم: ثواب زیارت کننده او چیست؟

فرمود: هرکس پیاده به زیارت او برود، خداوند برای

هرگامی که برمی‌دارد، حسنه‌ای برایش نوشته، گناهی از او پاک کرده و درجه‌ای به رتبه او می‌افزاید؛ هنگامی که به آنجا برسد، خداوند دو فرشته بر او می‌گمارد تا آنچه از اعمال خیر در زیارت از او سر می‌زند، بنویسد و هر آنچه اعمال شر و زشت از او سر می‌زند، بنویسد و هر آنچه شر و زشت از او سر می‌زند ثبت نکنند. وقتی که قصد بازگشت می‌کند، با او وداع می‌کنند و می‌گویند: ای ولی خدا! بخشیده شدی! تو از حزب خدا، حزب رسول او و حزب اهل بیت رسول او هستی. به خدا سوگند! هرگز آتش جهنم را نخواهی دید و او هم تو را نمی‌بیند و بدنت هرگز طعمه آتش نخواهد شد.^۱

جابر مکفوف از ابی الصامت نقل کرده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، خداوند برای هر قدمی که بر می‌دارد هزار حسنه برای او می‌دارد و هزار گناه او را پاک می‌کند و رتبه او را هزار درجه بالا می‌برد.^۲

رسم پیاده‌روی از نجف تا کربلا، رسمی کهن در میان مردم عراق و مجاوران حرم علوی است. اما پیاده‌روی اربعین از حال و هوای خاصی برخوردار بوده و هست. چندسالی است که شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام از سراسر جهان، به ویژه ایران اسلامی، همراه با شیعیان عراق در این مراسم باشکوه

۱. رک: محمد حسن اصطهباناتی، کتاب نورالعین، فصل اول.

۲. همان.

و معنوی شرکت می‌کنند و هر سال بر شکوه و تأثیرگذاری آن افزوده می‌شود. مسلماً چنین مراسم ساده ولی باشکوه و پر عظمتی، از جنبه‌های گوناگون آثار و برکاتی را با خود به همراه داشته و دارد. با توجه به طولانی بودن مسیر نجف تا کربلا و مشقت زیادی را که زائر امام حسین تحمل می‌کند، نیز هزینه‌های بسیاری که برای تأمین امنیت زائران و خدمات رفاهی صرف می‌شود، برخی از ساده‌اندیشان به خورده می‌گیری از آن واداشته است. منتقدان از جنبه‌های گوناگونی به این مسأله پرداخته و توسعه‌ی چنین مراسمی را موجه نمی‌دانند. می‌گویند چرا به رسم پیاده روی اربعین می‌پردازید و آن را به حماسه‌ای شیعی تبدیل می‌کنید؟! این امر می‌تواند به همسبستگی و انسجام میان همه‌ی فرق اسلامی آسیب رساند و مانع وحدت امت اسلامی شود. می‌گویند پیاده روی از نجف تا کربلا مستلزم مشقت زیاد و رنج بدنی فراوان است؛ در حالی که در شریعت اسلامی، تحمیل رنج بر بدن کار درستی تلقی نشده است! می‌گویند ...

چنین افرادی غافل‌اند که اولاً پیاده روی ساده و خالصانه و به قصد زیارت امام حسین مخصوص شیعیان نیست و بسیاری از اهل سنت نیز در این مراسم شرکت می‌کنند. مراسم پیاده روی اربعین هرگز نمایش اقتدار شیعه در برابر دیگر فرق اسلامی نبوده و نیست؛ بلکه نمایش اقتدار جبهه‌ی حق در برابر ظلم جهانی است. ثانیاً در شریعت اسلامی جواز

و عدم جواز تحمیل مشقت بر بدن، متوقف بر هدفی است که فرد مؤمن در نظر دارد و می‌خواهد با رفتار خود آن را محقق کند. اگر هدف فرد، هدفی مادی و دنیایی باشد، البته تحمیل مشقت بیش از حد طاقت بر بدن، کاری ناروا و نامشروع است؛ اما اگر هدف، متعالی و مقصود، معنوی و بلندمرتبه و برای فرد و جامعه حیاتی باشد، تحمیل مشقت بر بدن روا، بلکه گاه واجب است. کافی است به خود مسئله جهاد و شهادت در فرهنگ اسلامی توجه کنیم. جنگ و جهاد در راه خدا سهمگین‌ترین مشقت‌ها و رنج‌ها را بر بدن آدمی تحمیل می‌کند؛ مع الوصف، جهاد در راه خدا تا سر حد مرگ، امری واجب است (چه جهاد دفاعی و چه جهاد ابتدایی). فارغ از نقدهایی که به چگونگی برپایی مراسم پیاده‌روی اربعین وارد می‌دانیم و آسیب‌هایی که لازم است رفع شود تا این مراسم به اهداف مقدس و ارزشمند خود برسد، مسلماً فواید مهمی بر آن مترتب است که پرداختن هزینه‌هایی به مراتب بیش از این را تجویز می‌کند؛ در ادامه به پاره‌ای کارکردهای ارزشمند و مفید پیاده‌روی اربعین اشاره می‌کنیم:

۱. هجرت نمادین به سوی حجت خدا

امام حسین علیه السلام . مظهر رحمت، هدایت و رهایی بخشی خداوند است. امام خلیفه خدا بر زمین و سرپرست مؤمنان است. حضور در محضر امام و بیعت با او و اظهار وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های او شرط باریابی به ساحت ایمان و ولایت

خداست.^۱ فردی که با پای پیاده از نجف تا کربلا می‌رود و پایان سفرش حضور در مضجع امام و اعلان بیعت با اوست، در واقع نوعی مهاجرت نمادین را از خود به سمت امام به نمایش می‌گذارد. پیاده روی به سوی حرم امام حسین، بازسازی نمادین هجرت از خودخواهی به سوی خداخواهی و گذاردن دست بیعت و اطاعت در دست ولی خداست. زائر، با رفتار نمادین خود، از ژرفای وجود هجرتی را به سوی ولی خدا شکل می‌دهد که در همه ابعاد و ساحت‌های وجود او (فکری، احساسی و رفتاری) تأثیری شگرف می‌گذارد و او را آماده اطاعت داوطلبانه و جان‌نثاری در راه خدا، به فرمان ولی خدا، می‌گرداند. دقت در صورت و معنای مناسک دینی نشان می‌دهد که بخش فراوانی از رفتارهای دینی ما جنبه‌ی نمادین دارد. حرکت‌هایی که در نماز انجام می‌دهیم، مناسک حج، ... و بسیاری از رفتارهای دینی دیگر، رفتارهایی نمادین و نشانه خضوع و فرمان‌برداری از خداوند متعال است. اگر زائر حسینی در پیاده‌روی به سوی حرم امام حسین به این جنبه از عمل توجه کند، سفر او و سختی‌هایی که بر بدن خود وارد می‌کند، او را از لحاظ روحی و معنوی آماده ورود به ساحت ولایت ولی خدا می‌سازد و فکر، عاطفه و عمل او را در جهت اطاعت از امام و بهره‌گیری از هدایت تام و کامل او، که همان هدایت الهی و اطاعت از خداست، حرکت می‌دهد.

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۲. تقویت هویت شیعی

شیعه از همان ابتدای شکل‌گیری در زمان پیامبر تاکنون، تاریخ پرفراز و نشیب، خونبار و دشواری را پشت سر گذشته است. شیعیان همواره اقلیتی تحت ستم و جفا بوده و قدرت‌های حاکم، خواهان هضم آن‌ها در اکثریت، بلکه نابودی آن‌ها بوده‌اند. امروزه که دشمنی با اسلام و تشیع ابعاد به مراتب خطرناک‌تر و کشنده‌تری را به خود گرفته و دشمن با ابزارهای مختلف فرهنگی، سیاسی و نظامی در صدد نابودی مکتب تشیع است، و خاموش کردن چراغ اهل بیت علیهم‌السلام است، استفاده از همه ابزارهای مشروعی که به تقویت هویت مذهبی و تحکیم انسجام درون‌مذهبی و نمایش اقتدار و صلابت شیعه در برابر قدرت‌های ظالم جهان مدد می‌رساند، وظیفه‌ای مهم و ضروری است. فرزندان ما باید به شیوه‌های گوناگون با هویت مذهبی شیعی خود آشنا شوند و آن را در درون خود ریشه‌دار کنند. سوگواری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله یکی از مؤثرترین رسومی است که به تبیین و ترویج معارف اسلامی و تقویت پایه‌های فرهنگ اهل بیت در طول تاریخ یاری رسانده است. مراسم پیاده روی اربعین که با حضور عاشقانه و خالصانه دوستان اهل بیت، فارغ‌هرملیت و زبان، انجام می‌گیرد، یکی از بهترین فرصت‌های آشنایی و تعمیق روابط معنوی، سیاسی و فرهنگی شیعیان جهان است. این مراسم در قالبی ساده،

ملایم و نرم و عاری از هرگونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، شیعیان را به عنوان امتی مقتدر و با صلابت معرفی کرده و ضمن به نمایش گذاردن مناسک شیعی، پیام وحدت، یکپارچگی و هوشیاری آنها را به دشمنان و بدخواهان فریاد می‌زند. البته این مهم وقتی به کمال خود قابل دست‌یابی است که زائران حرم حسینی در کنار شور و هیجان مقدسی که در این مراسم از خود نشان می‌دهند، جنبه‌های معرفتی آن را نیز دریابند و با توجه به آن در این مراسم شرکت کنند. از این رو یقیناً مسؤولیت عالمان دینی، خصوصاً نهاد مقدس مرجعیت دینی شیعه، در جهت افزایش معرفت شیعیان و آشناکردن هرچه بیش از پیش زائران به فرهنگ ناب عاشورا، مسؤولیتی مهم و اجتناب‌ناپذیر است. بنابر این توجه به ظرفیت‌های عظیم این مراسم و نیز تامل در آسیب‌هایی که می‌تواند بر جنبه‌های مثبت آن سایه افکنده و آن را در حد یک رفتار هیجانی فروکش‌کننده تنزل دهد، ضروری می‌نماید.

آسیب‌شناسی مراسم پیاده‌روی اربعین

بدون تردید مراسم با عظمتی مثل پیاده‌روی اربعین، که به صورت خودجوش و مردمی صورت گرفته و می‌گیرد، در کنار نقاط قوت و ارزش‌مند آن، از آسیب‌هایی هم رنج می‌برد که باید برای آن فکری کرد و طرحی درانداخت. روشن است که مدیریت دولتی و ورود مستقیم و سیاسی دولت‌ها به

این امر، کاری نادرست و خطرناک است. این مراسم باید با همان ماهیت ساده و مردمی‌اش ادامه حیات دهد. اما این امر هرگز به این معنا نیست که نهادهای تصمیم‌گیر و تأثیرگذاری مانند نهاد مرجعیت شیعه، برای جهت دادن، مدیریت‌کردن و بهره‌برداری فرهنگی از این مراسم، دست به کار نشوند. این هیجان مقدس و حرکت ارزشمند می‌تواند و باید که بهره‌های بسیار فراوان فرهنگی، سیاسی، امنیتی و معنوی برای شیعیان، بلکه جهان اسلام، با خود داشته باشد. متأسفانه ما اکنون اقدام‌های جدی و قابل‌توجهی را در این خصوص شاهد نبوده‌ایم. زائران حرم حسینی باید ضمن توجه به ابعاد معنوی، سیاسی و فرهنگی این مراسم، و تلاش برای بهره‌جستن از آن، در ارتقاء کیفی آن هم بکوشند و این امر نیازمند مدیریت فرهنگی و هدایت فکری-رفتاری زائران به سمت اهداف مقدس قیام عاشورا است. زائر حسینی باید در چندروز، ضمن افزایش شور معنوی و جذبه‌ی روحانی حسینی در شخصیت خود، با اهداف والای امام حسین بیش از پیش آشنا شود و همان هدف‌ها و ارزش‌ها را با مصداق امروزی‌اش باز شناسد. زائر اربعین باید به دشمن‌شناسی مسلح شود و به نشانه‌های جبهه‌ی حق و جبهه‌ی باطل در زمان خود به وضوح آگاه گردد.

آسیب دیگری که در این مراسم وجود دارد، نحوه پذیرایی و هزینه‌های هنگفتی است که به صورت غیرمنضبط و

مدیریت نداشته مصرف می‌شود. این امر هم صورت مراسم را تهدید می‌کند و هم بر جنبه‌های نمادین معنوی، سیاسی و فرهنگی آن تأثیر منفی می‌گذارد. به نظر می‌رسد که نهاد مرجعیت شیعه در عراق باید با تشکیل کمیته‌های مردمی و با حضور شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی و مذهبی و عشایر و گروه‌های مهم و تأثیرگذار در این مراسم، تمهیدی بیاندیشند که مراسم پیاده‌روی اربعین به بهترین شکل ممکن صورت گیرد و شاهد اسراف، تبذیر و حیف و میل اموال شیعیان، به بهانه پذیرایی از زائران حسینی نباشیم. متأسفانه نحوه پذیرایی در این مراسم و حجم اسراف‌کاری‌ها و حیف و میل‌ها به حدی است که می‌تواند بر جنبه‌های سودمند و ارزشمند آن تأثیر منفی بگذارد.

می‌توان با مدیریت صحیح، ضمن ایجاد رفاه متناسب و متعادل برای زائران، هزینه‌های غیرضرور را در رسیدگی به تهیدسان و نیازمندان کشورهای اسلامی، خصوصاً نیازمندان عراقی، سوری، لبنانی و افغانی به کار گرفت.

آیا تاکید بر راهپیمایی اربعین مختص روز اربعین و کربلا است؟

رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده و پیاده روی برای این منظور یک ارزش است و در روایات تأکید بسیاری به آن شده است و کسانی که با پای پیاده به زیارت می‌روند از

اجر و ثواب مضاعفی برخوردارند. البته پیاده روی برای زیارت اختصاص به روز اربعین حسینی ندارد، بلکه در سایر مواقع هم می‌توان چنین کرد. همان طور که در بین مردم عراق و مجاوران حرم علوی مرسوم است که از نجف به کربلا با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند.

پیاده روی اربعین حسینی یک سنت حسنه و یکی از شعائر الهی است که چند سالی مرسوم شده است و نمادی برای حرکت کاروان اسرا و حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام از شام به کربلا و تکمیل رسالت آن حضرت و نیز حرکت جابر بن جعفری انصاری به همراه عطیه از مدینه به کربلا برای زیارت امام حسین علیه السلام است.

البته برای کسی که بتواند در روز اربعین در کربلا حضور داشته باشد، حضور در کربلا در اولویت قرار دارد، اما اگر کسی به قصد زیارت اربعین حرکت کند حتی اگر موفق به حضور در کربلا نشود و یا به خاطر ازدحام جمعیت، وجود موانع دیگر نتواند در حرم حضور پیدا کنند، امید است مشمول کسانی قرار بگیرند که زیارت اربعین کرده اند.

بنابر قولی از حضرت آیت الله سیستانی، هرکس در ایام اربعین چند روز قبل و بعد آن در کربلا حضور رساند، زیارت اربعین شامل او خواهد شد. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که کسانی که به هر دلیل در کربلا حضور ندارند چه در

روز اربعین و چه در روزهای دیگر می‌توانند از راه دور حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنند و تمام آثار و برکات آن را شامل خود گردانند؛ بنابراین همگان می‌توانند از سفره بابرکت امام حسین علیه السلام توشه برگیرند و خوشان را از فضل و عنایات آن حضرت بهره مند سازند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

تقوی؛ سیدرضا، اربعین در فرهنگ اسلامی، تهران: وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

حسینی طهرانی؛ سیدمحمد محسن، اربعین در فرهنگ شیعه، تهران: مکتب وحی، ۱۳۹۰.

محدثی؛ جواد، فرهنگ زیارت: اهداف، آثار، تاریخچه، مشروعیت، سازندگی و آداب زیارت، تهران: مشعر، ۱۳۹۱.

واعظ جوادی آملی؛ مرتضی، فلسفه زیارت و آیین آن، قم: اسراء، ۱۳۹۱.

برپایی موكب و ايستگاه صلواتی چه جایگاهی دارد؟

برپایی ایستگاه‌های صلواتی یک سنت حسنه و یکی از شعائر الهی است که در فرهنگ شیعی مرسوم شده است و نوعی خدمت به زوار حضرت اب‌عبدالله‌الحسین علیه السلام و عزاداران آن حضرت می‌باشد. ضمن اینکه اساساً طعام دادن و خدمت‌رسانی و... اگر از باب صدقه دادن و اطعام نیازمندان و فقرا و یا اطعام مؤمنین باشد عمل پسندیده‌ای است و با دین مخالفتی ندارد و مورد تأیید است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مِنْ مَوْجِبَاتِ الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ إِطْعَامُ الطَّعَامِ السَّغْبَانَ، ثُمَّ تَلَا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ...»؛ یکی از موجبات بهشت و آمرزش، اطعام گرسنه است؛ سپس این سخن خداوند عزوجل را تلاوت کرد: «یا در روز گرسنگی طعام دادن...».

«مَنْ أَطْعَمَ مُسْلِمًا حَتَّى يُشْبِعَهُ لَمْ يَدِرْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْأَخِرَةِ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ هر که مسلمانی را غذا دهد تا سیر شود، از پاداش آخرت او جز خدا، پروردگار جهانیان، هیچ کس، حتی فرشته مقرب و پیامبر مرسل، خبر ندارد»^۱.

۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۷۱.

۲. همان.

اگر هیچ آیه و روایاتی در فضیلت و اهمیت و بیان اجر و ثواب برپایی ایستگاه‌های صلواتی وجود نمی‌داشت، شکی در این نیست که این رفتار باز امر پسندیده‌ای است و عقلای عالم کسانی که به صورت رایگان به مردم خدمت می‌کنند و گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب می‌کنند می‌ستایند. امروزه در کشورهای غربی نیز سازمان‌ها، مؤسسات و امور خیریه زیادی وجود دارند که برای یاری نیازمندان و کمک به محرومان سازماندهی شده‌اند و فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دهند.

پیدایش صلب سرخ جهانی، هلال احمر و... در راستای همین کارهای عام‌المنفعه و در جهت خدمت‌رسانی به مردم طرح‌ریزی شده است.

برپایی ایستگاه‌های صلواتی نوعی مشارکت مدنی به حساب می‌آید که مشارکت مردم را در کمک به هم‌نوعان خود برمی‌انگیزاند و نیز در جهت نهادینه کردن برخی فضائل اخلاقی نظیر جس مردم دوستی، مهر و محبت، رقت قلب، همکاری و مشارکت در کارهای خیر و... و زودن برخی رذائل اخلاقی همچون کبر، بخل، خودپسندی و... نقش بسیاری دارد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

عندلیب همدانی؛ حسین، ثارالله خون حسین در رگهای
اسلام، تهران: خیمه، ۱۳۸۸.

ابن قولویه؛ جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تهران: پیام
حق، ۱۳۷۷.

درویشی؛ حسن، آثار و برکات شگفت انگیز کمک به
دیگران، قم: فاتح خیبر، ۱۳۹۰.

محمدی ری شهری؛ محمد، میزان الحکمه، باب الأنفاق،
باب الصدقه، باب الفقر، قم: دارالحديث، ۱۳۷۹.

صرفی پور؛ محمد تقی، راه‌های رسیدن به خدا: توبه، نماز،
قرآن، دعا، انفاق، ولایت، قم: صرفی پور، ۱۳۹۱.

تقوی؛ سید حسین، خدمت‌رسانی در آموزه‌های دینی،
قم: مشهور، ۱۳۸۲.

برجی؛ یعقوب‌علی، خدمت‌رسانی از دیدگاه قرآن، تهران: آیه
حیات، ۱۳۸۳.

غفاری؛ طاهره، خدمت‌رسانی میراثی ماندگار، مشهد:
ضریح آفتاب، ۱۳۸۹.

ادیانی؛ علیرضا، خدمت‌رسانی از دیدگاه امامت و ولایت،
قم: علم سعادت، ۱۳۸۲.

دلیری؛ کاظم، گره‌گشایی در اسلام، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.

راز ماندگاری عزاداری حسینی چیست؟

قداست و ارزش معنوی قیام نهضت امام حسین علیه السلام در برابر باطل و استبداد چیزی نیست که قابل انکار باشد حتی غیرمسلمانان تحت تأثیر فداکاری و ایثار امام حسین علیه السلام قرار گرفته و از آن درسها آموخته‌اند. ممکن است برخی به علت تعصبی که علیه اسلام و شیعه دارند، از حقایق چشم‌پوشی کرده و از واقعیات فرار می‌کنند. به گفته قرآن کریم برخی هستند که یقین بر حقانیت چیزی دارند اما درعین حال به آن چیز ایمان نیاورده و منکر آن می‌شوند. این‌گونه افراد به هیچ دلیل منطقی و حتی به معجزه‌ای صریح تسلیم نمی‌شوند.

پاسخ تفصیلی

اینکه عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام با یک سلسله آسیب‌ها و تحریفات مواجه است تردید در آن نیست. در طول تاریخ بعد از گذشت چهارده قرن این امکان وجود دارد که پیرایه‌های به واقعه عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام بسته شده باشد و معمولاً این‌گونه تحریفات متوجه هر پدیده‌ای تاریخی است. اما درعین حال حادثه عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام چیزی نیست که با این پیرایه‌ها و تحریفات زیر سؤال رفته و قداست و ارزش معنوی و سیاسی و اجتماعی آن از بین برود بلکه اصل واقعه در تاریخ متواتر و مسلم ثبت شده و هرگز قابل انکار نیست.

ممکن است خرافات و جعلیات به این واقعه مقدس و انسان‌ساز از سوی سودجویان اقتصادی و حتی مخالفین نهضت عاشورا ملحق شده باشد اما امکان ندارد که پیروان حقیقی و شیعیان واقعی امام حسین به این امر نامطلوب اقدام کند. چه خرافات و جعلیات نه تنها راه را برای استفاده‌های سیاسی بر روی شیعیان واقعی باز نمی‌کند بلکه آنان را با چالش‌ها و موانع عدیده‌ای در راستای رسیدن به هدف مواجه می‌کند.

اما بین سوگواری ایرانیان هزاران سال پیش در مرگ سیاوش و بین سوگواری امروز ایرانیان در عاشورای حسینی هیچ تلازم منطقی و عقلایی وجود ندارد. زیرا عزاداری و سوگواری یک امر عاطفی است که در هر ملت و قومی رایج است. اما اینکه در قبل از اسلام مردم ایران دارای فرهنگ عزاداری بوده‌اند دلیل بر این نمی‌شود عزاداری بر امام حسین متأثر از عزاداری‌های قبل از اسلام در میان این ملت باشد.

افزون بر آن سوگواری بر مرگ سیاوش در یک مقطع کوتاه زمانی بوده که در هر ملتی برای مرگ کسی که آن را دوست دارند انجام می‌شود. اما این سوگواری دوام‌دار نبوده است و حتی امروز سیاوش را بسیاری از ایرانیان نمی‌شناسند و نمی‌دانند که چرا کشته شد و توسط چه کسی کشته شد.

از همه این‌ها که بگذریم عزاداری عاشورا منحصر در ایران نیست تا بتوانیم این تلازم را بپذیریم بلکه قبل از ایرانیان عرب‌ها و نیز کشورهای دیگر اسلامی به عزاداری عاشورا می‌پرداخته و می‌توان گفت عزاداری امام حسین علیه السلام قرن‌ها بعد از کشورهای عربی با شیعه شدن مردم ایران، وارد ایران شده است. بلکه از مسلمات مذهب شیعه است که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام توصیه و تأکید فراوان به احیای سنت عاشورا شده است و به اشخاصی که شاعر بوده‌اند بسیار توصیه شده که در این موضوع شعر بگویند و احساسات مردم را تحریک کنند. نسبت به اشخاصی که در مجالس اقامه سنت عاشورا متأثر می‌شوند و اشک می‌ریزند تقدیس رسیده است. احادیث زیادی هست راجع به ثواب گریه بر سیدالشهدا علیه السلام. برای یک نفر شیعه مذهب جای تردید نیست که این دستور در مذهب ما هست!

بنابراین چیزی که از سوی اهل بیت علیهم السلام توصیه شده است هیچ ارتباطی با فرهنگ گذشته ایرانیان ندارد.

اما فلسفه عزاداری در عاشورا و محرم، زنده نگه داشتن نهضت امام حسین علیه السلام است. این از امتیازات و افتخارات مذهب شیعه است که نهضت حسینی علیه السلام به عنوان مشعل فروزان در میان جهل و ظلم و سیطره حکام بنی‌امیه راه

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۳۳۵، تهران: انتشارات صدرا، بی تا.

مستقیم را برای امت اسلامی نمایان گردانید و بارسوا نمودن حکام جور و دشمنان اهل بیت علیهم السلام باعث هدایت بسیاری از مسلمانان گردید و به خاطر الهی بودنش این قیام و حرکت، به گونه‌ای در قلبهای انسان‌های حق جو رسوخ و نفوذ کرد و حرارتی و ارادتی ایجاد نمود که تا قیامت قابل سرد شدن و از بین رفتن نخواهد بود. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از آن فرموده بود: «ان لقتل الحسین علیه السلام حرارة فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابدا؛ به راستی، در پرتوی شهادت حسین علیه السلام شور و حرارتی در قلب‌های اهل ایمان است که هرگز سرد نخواهد شد.»^۱

صحنه عاشورا آن قدر پر از حماسه هست، آن قدر پر از عاطفه هست، آن قدر پر از رقت هست، آن قدر صحنه‌های باشکوه و جذاب و دلسوز دارد که اگر در قلب ما ذره‌ای از ایمان باشد کافی است که نام حسین را بشنویم و اشک ما جاری بشود. «انَّ لِلْحُسَيْنِ مَحَبَّةً مَكْنُونَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» یک محبت مخفی در عمق دل هر مؤمن نسبت به امام حسین هست. «اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ» من کشته اشک‌ها هستم.^۲

قیام مقدس امام حسین علیه السلام اساس و ریشه همه نهضت‌های حق طلبانه، همانند قیام «توابین»، «قیام مختار»، فتنه «ابن زبیر»، قیام «زید بن علی علیه السلام»، قیام «یحیی بن زید»،

۱. حسین نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۱۲۰۸۴، قم: موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۵ ق.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۳۳، تهران: انتشارات صدرا، بی‌تا.

قیام، «بنی الحسن»، قیام «فخ» و... شده و تمام این حرکتها و قیامها، مایه‌های از نام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ داشت.^۱

شهید شدن امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در تهییج شیعیان و وحدت بخشیدن به آنها تأثیر بسیاری داشت. قبل از این رخ داد، شیعیان پراکنده بودند و هنگامی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ شهید شد، شیعه با خون آمیخته گشت و در اعماق قلوب شیعیان، نفوذ کرده و عقیده راسخ آنان شد.^۲

در حقیقت می‌توان گفت که تشکل شیعه و آشکار شدن مکتب شیعه، به‌عنوان مکتب اصیل و نشأت‌گرفته از اساس اسلام، بعد از قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به وجود آمد و تا آن زمان، مکتب تشیع در مقابل قدرت‌های وقت، به‌عنوان یک ایدئولوژی و تشکیلات مهم اسلامی مطرح نبود؛ اما پس از انقلاب خونین کربلا، برای شیعیان شکی باقی نماند، که اگر حقانیت هست در این مکتب است، و دریافتند که اسلام حقیقی و مروج تعالیم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خاندان اوست و اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به خلافت و زعامت مسلمین سزاوارترند. از آن پس، نهضت‌های مهم سیاسی شیعه به‌عنوان یک مکتب و تشکیلات انقلابی و ریشه‌دار در میان مسلمین مطرح شد.^۳

۱ . حسن ابراهیمی، تاریخ اسلام، (ترجمه)، ج ۱، ص ۳۵۱، تهران: شرکت انتشارات و مطبوعات، ۱۳۷۲ ش.

۲ . تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پایبنده، ج ۱، ص ۳۵۱، تهران: اسماعیلیان، ۱۳۶۲ ش.

۳ . خربوطلی، تاریخ العراق، ص ۱۲۳، به نقل از تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۵۲.

چرا روحانیت شیعه توانسته در طول تاریخ منشأ حرکت‌ها و انقلاب‌های بزرگ بشود ولی روحانیت‌های دیگر حتی روحانیت اسلامی تسنن نتوانسته است؟ یکی از دلایل آن این است که فرهنگ روحانیت شیعه فرهنگ شیعی است. خود فرهنگ شیعی يك فرهنگ زنده حرکت‌زا و انقلاب‌خیز است، فرهنگی است که از روش علی، از افکار و اندیشه علی و از نهج‌البلاغه علی تغذیه می‌شود. دلیل دوم آن این است که شیعه در تاریخ خودش عاشورا دارد، و دیگران که عاشورا ندارند.^۱

عظمت و برکت نهضت عاشورا به حدی بزرگ است که حتی گاندی رهبر نهضت هند بر ضدّ استعمار انگلستان، مردم هندوستان را با اقتدا به قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام از یوغ اسارت استعمارگران نجات داد.^۲

در نتیجه فرهنگ عاشورا و محرم هیچ ارتباطی با فرهنگ ایرانیان قبل از اسلام ندارد زیرا سوگواری امام حسین علیه السلام برخاسته از دین اسلام و به دستور اهل بیت علیهم السلام انجام شده و پیش از اینکه ایرانیان به این عزاداری بپردازند عرب‌ها به آن پرداخته‌اند. از این‌رو تمام شیعیان دنیا از کشورهای آسیای شرقی گرفته تا خاورمیانه و کشورهای عربی، مراسم عزاداری

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۲۷۳.

۲. رضوانی، علی اصغر، شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۱۹۱، تهران: نشر مشعر، ج ۲، ۱۳۸۴ ش.

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را برای تقرب به خداوند انجام داده و در ضمن باعث زنده نگه داشتن این نهضت مقدس می‌گردد که در نتیجه شیعیان با این مراسم آزادی و استقلال خود را حفظ کرده و زیر بار یوغ دشمنان نرفته و نمی‌روند.

آیین عزاداری در مذهب شیعه بدعت است!

وهابی‌ها برای اینکه چراغ نهضت حسینی را خاموش کنند شبهه ای را مبنی بر بدعت بودن عزاداری مطرح می‌کنند و می‌گویند که این آیین از مسیحیت و یهودیت گرفته شده و ساخته دست استعمار است که برای تخریب چهره دین وارد مذهب شیعه شده. از این رو عزاداری بدون پشتوانه شرعی، موجب وهن اسلام و امری ناسازگار با توحید در عبادت است.

گریه و عزاداری بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نه تنها نامشروع و یک پدیده بیگانه از دین، قرآن، سنت و عقلانیت نیست بلکه از نظر دینی مشروع، مستحب، مطلوب و مورد تایید و تاکید پیشوایان دین و شخص رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و از نظر عقلی نیز یک مراسم معقول و مفید و دارای آثار اجتماعی فوق العاده انسان ساز و حیات بخش می‌باشد.

۱. عزاداری از نگاه قرآن

در کل قرآن حتی یک آیهی که مشعر بر منع عزاداری و گریه بر امام حسین باشد نداریم. آیاتی که به عنوان دلیل بر

منع یا مذمت مراسم عزاداری ذکر شده کاملاً بیگانه از این بحث است. مثلاً آیاتی چون «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» که در توضیح آن آورده است «آن کسانی که اولیایی غیر از خدا برای خودشان انتخاب میکنند (و آنها را عبادت کرده، چنان که مذهبی‌های امروز بر هر قبر و حرمی طواف میکنند و می‌گویند...)» یا آیه «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» که در ذیل آن میگوید: «ما این‌ها را عبادت نمیکنیم، مگر آنکه (این مراسم) ما را به خدا نزدیک میکنند. ولی خداوند آنان را مشرک به حساب می‌آورد. رضای خدا کجاست؟

بی پایگی اینگونه استنادها بر اهل فن پوشیده نیست. زیرا اولاً امام حسین و یاران آن حضرت نعوذ بالله بت، چوب و سنگ نیستند تا با بت‌های مشرکان بت پرست مقایسه شوند. ثانیاً هیچ شیعه راستین و عزادار، امام حسین را عبادت و پرستش نمیکنند تا عمل آنها با کار بت پرستان مقایسه شود و بر خلاف عبادت انحصاری خداوند و مخالف توحید در عبادت باشند. بلکه این مراسم به قصد ابراز محبت، توسل، تعظیم، و پاسداشت خون به ناحق ریخته آن حضرت انجام میشود. قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم میفرماید: «بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مراد در حق خویشاوندان منظور دارید»^۱. طبق روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده منظور از

۱. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. سوره شوری، آیه ۲۳.

(قربی) اهل بیت پیامبر یعنی علی و اولاد علی است. بنابراین محبت امام حسین مورد تاکید قرآن کریم است و هرکس امام حسین را دوست داشته باشد طبیعی است که در برابر مصائب و ظلمهای که بر آن حضرت رفته محزون و متأثر شده و گریه می‌کند. مانند حضرت یعقوب که در فراق یوسف آچنان گریه کرد که قرآن در توصیفش میفرماید: «آن گاه یعقوب (از شدت حزن) روی از آنها بگردانید و گفت: و اسفا بر فراق یوسف! و از گریه غم چشمانش سفید شد!» قرآن کریم در آیه دیگر به تعظیم شعائر الهی ترغیب نموده و میفرماید: «و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های با تقواست»^۱ در اینکه مصداق شعائر چیست اختلاف است ولی به طور کلی منظور از شعائر علامتهای است که خدا برای اطاعت و بندگی خود قرار داده بنابراین شامل هر امر مقدس و الهی می‌شود که موجب جلب توجه دلها به سوی خدا، آخرت و پاکیزگی باشد و این خصوصیت به نحو کامل در حادثه عاشورا و نهضت حسینی نهفته است چه علامتی بهتر و بیشتر از حادثه عاشورا میتواند علامت هدایت، طاعت و بندگی باشد حادثه‌های که هر ساله موجبات بیداری و بندگی میلیونها انسان را فراهم آورده و آنها را برای شنیدن موعظه‌های از قرآن، سنت و شنیدن رشادتها و

۱. وَ تَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِيتَيْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ. سوره یوسف، آیه ۸۴.

۲. وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. سوره حج، آیه ۳۲.

مظلومیت‌های حضرت ابی‌عبدالله در مساجد و تکایا گردهم می‌آورد. چنانکه خود رسول اکرم فرمود: «إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحُ الْهَدَىٰ وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ» حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

۲. عزاداری از منظر روایات

پیامبر اکرم در موارد بسیاری با سخنان و سیره عملی خود گریه و نوحه بر میت و شهید را امضا نموده است. مثلا در مرگ ابراهیم فرزند خودش پیامبر گریه کرد وقتی که از حضرت سؤال کردند فرمود: «چشمها اشک میریزد و قلب می‌سوزد اما آنچه خدا را به خشم آورد نمی‌گوییم»^۱ یا در شهادت حضرت حمزه عموی پیامبر که در احد به شهادت رسید پیامبر شدیداً گریه کرد و هنگامی که به مدینه برگشت دید زنه‌ای انصار بر کشته‌گان‌شان گریه میکنند، حضرت فرمود: (اما حمزه گریه کننده و عزادار ندارد)^۲. انصار با شنیدن این کلام و آن گریه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به زنه‌ایشان دستور دادند که بروند بر حمزه گریه کنند و آنها رفتند خانه پیغمبر بر حمزه گریه کردند. پیغمبر در حق آنها دعا کرد و فرمود: «خدا از شما و اولاد شما راضی باشد»^۳ علاوه بر همه اینها در منابع شیعه

۱. سید هاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۴، ص ۵۲، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۱۴.

۲. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۳، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

۳. «أَمَّا حَمْرَةَ فَلَا بَوَاقِي لَهَا» اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۵۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۴. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه: دکتر محمود مهدوی دامغانی،

روایاتی بسیاری داریم که اولین گریه کننده بر امام حسین، شخص پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بوده است. مانند روایتی که می-گوید: «روز ولادت امام حسین بعد از آنکه رسول اکرم توسط جبرئیل از کشته شدن امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام آگاه شد گریه کرد و در جواب کسی که از سبب گریه سؤال کرده بود، فرمود: گریه میکنم بر فرزندم حسین که گروهی باغیهای کافر از بنی امیه او را میکشند». و روایاتی دیگر از این قبیل! البته اینها تنها روایاتی است که از رسول اکرم نقل شده و گرنه روایات منقول از ائمه دیگر مانند امام باقر، امام صادق، امام رضا و سایر ائمه که صریحا به دوستان و پیروان خود، دستور برپائی مراسم عزاداری و گریه داده اند بسیار زیادند که به علت طولانی نشدن پاسخ از ذکر آنها خورداری می شود.

از مجموع آنچه که ذکر شده، هر انسان منصفی به مشروعیت و بلکه استحباب و مطلوب بودن مساله عزاداری شهدای کربلا از نظر سنت پیامبر و ائمه دین به خوبی پی میبرد. اینکه شیعیان هر ساله مجالس عزاداری و سوگواری بر امام شهید خود را برپا کرده و از مقام، منزلت و رشادت آنحضرت که در راه حق و عدالت از جان خود و یارانش گذشت؛ تجلیل و تکریم میکنند و از دشمنانش بیزاری میجویند، نه تنها هیچ منافاتی با توحید و مبانی دین

فرهنگ و اندیشه، تهران، ج ۳، ص ۵.

۱. رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، صص ۲۳۰-۲۳۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

اسلام ندارد بلکه موافق با مبانی دین اسلام است. بنابراین عزاداری بر شهدای کربلا نه تنها ناشی از بدعت، تقلید از مسیحیت، یهود، استعمار و ... نیست بلکه ناشی از متن دین و سنت پیامبر و سایر امامان معصوم هست. زیرا خود آنحضرت مشوق عزاداری و گریه بر شهادت عمویش حضرت حمزه و نوه گرامیش حضرت امام حسین بوده و با سخن و سیره عملی خود اینگونه مراسمها را مورد تایید و امضا قرار داده است. پس چگونه میتوان ادعا کرد که عزاداری بر نوه و نور چشم آن حضرت که خودش فرمود: «حُسَيْنٌ مِئِي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا» بدعت و بر خلاف دستورات شرع و سنت پیامبر است؟!.

۳. عزاداری در منطق عقل

از نظر عقلی نیز هیچکس نمیتواند ادعا کند که گریه و عزاداری بر خلاف منطق عقل و گزارههای عقلی است زیرا حکم عقل نسبت به حسن و قبح یک امری، دایر مدار مصلحت و مفسدهای است که در ماهیت آن امر قرار داشته و در سرنوشت و سیر تکاملی انسان تاثیر گذار است. اما مراسم سوگواری بر سالار شهیدان چنانکه هم تجربه ثابت کرده است و هم از بیانات شرع استفاده میشود، در ماهیت خود مصلحت زا، سازنده و حیات بخش بوده و هست.

۱. فضل بن محمد طبرسی، اعلام الوری باعلام التقی، ص ۲۱۷، تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش..

همواره باعث بیداری غافلان، اصلاح بدکاران، ایجاد امید و تابش نور ایمان در قلبهای پاک و بیآلایش گردیده و موجب پیوند جانهای تشنه با روح بلند حسین بن علی و یاران مخلصش میگردد. اینها مصالح و فوایدی است که عقل هیچ عاقلی نمیتواند آنرا انکار کرده و در ستیز با آن در آید. هر ساله بدون هیچگونه دعوت و تبلیغ رسمی در ایام محرم و عاشورا میلیونها انسان به صورت خود جوش به صحنه می-آید و از مال و جان خود هزینه میکند تا یاد و خاطره آن امام شهید را زنده نگه دارد و از مکتب عاشورائی وی درسهای ایمان، راستی، عدالت خواهی، شجاعت، شهادت و ... را بیاموزند. آیا اینها بر خلاف عقل است؟!

افزون بر همه اینها از نظر انسان شناسی، گریه و زاری بر فقدان عزیزان و مصائبی که برای انسان پیش میآید، از امور فطری و غریزی انسان است که هر آدم سالم المزاجی آنرا در طبیعت خود دارد. به گفته استاد مطهری: «گریه ظاهراً از مختصات انسان است. حیوانات دیگر لذت و رنج دارند، سرور و اندوه نیز دارند، اما خنده و گریه ندارند. خنده و گریه مظهر شدیدترین احساسات انسان میباشند. آن چیزی که ما در عرف امروز آن را «احساسات» میخوانیم از مختصات انسان است، و خنده و گریه مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان. در حال گریه و رقت و هیجان خاص آن، انسان بیش از هر حالت دیگر خود را به محبوبی که برای او

می‌گرید نزدیک می‌بیند، و در حقیقت در آن حال است که خود را با او متحد می‌بیند... گریه بیشتر جنبه از خود بیرون آمدن و خود را فراموش کردن و با محبوب یکی شدن دارد^۱، و هیچ عقل سلیمی هرگز به ستیز این امور فطری نمی‌رود و آنها را انکار نمی‌کند مگر عقلهای مریض و علیلی که در اثر شبهات و نادانی، سلامت خود را از دست داده باشد. به قول استاد مطهری: «شهید حماسه آفریده است و گریه بر شهید، شرکت در حماسه او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست^۲». و از این جهت نیاز به منشأ و محرک خارجی ندارد تا کسانی بیایند و برای آن به خیال خود منشأ و منبع بتراشند و قضیه را به یهود مسیحیت، استعمار و... ربط بدهند. اینها شبهانی اند که بر خلاف آئین شریعت، عقلانیت و فطرت بر مساله عزاداری و سوگواری محرم و عاشورا وارد می‌شوند.

عزاداری با قرآن و روایات تضاد دارد!

مگر آیات شریفه قرآن و روایات، همواره توصیه به صبر در برابر مصائب نمی‌کنند! پس این گونه اظهار حزن و عزاداری و جزع و گریه شیعیان برای حسین بن علی چه معنایی دارد؟

انسان موجودی است دارای عواطف و احساسات که در حوادث و پیش‌آمدهای ناگوار و جان‌سوز، تحت تأثیر قرار

۱. استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۶۵.

۲. همان.

گرفته و اندوهناک می‌شود و گاهی جزع و فزع و بی‌تابی و اظهار نارضایتی می‌کند، و حتی گاهی ممکن است قلب او که مرکز احساسات و عواطف اوست ایستاده و جان ببازد ان الانسان خلق هلوغاً اذا مسه الشر جزوعاً و اذا مسه الخير منوعاً!^۱

در این راستا تنها نیروی ایمان است، که از ناراحتی‌ها و اضطراب‌ها انسان جلوگیری نموده، و به او امید و آرامش می‌بخشد^۲، از این رو دستورات اسلام در راستای تقویت ایمان و نیروی عقیده دور می‌زند، و راه مبارزه با پیش‌آمدهای ناگوار را نشان داده، با زبان‌های مختلف به صبر و شکیبایی در برابر ناملايمات فرا می‌خواند والعصران الانسان لفي خسر الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر^۳؛ با بینش، امتحان و آزمایش زندگی و ناملايمات آن را جهت داده و به صابران رحمت و مغفرت و صلوات الهی را بشارت و نوید می‌دهد، و بشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انالله وانا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة واولئك هم المهتدون^۴، و تنها صابران را هدایت یافته می‌داند.

۱. سوره معارج، آیه ۱۹.

۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

۳. سوره والعصر.

۴. سوره بقره، آیات ۱۵۵ و ۱۵۷.

پاسخ تفصیلی

صبر از مقامات عالی است، که در تمام میدان‌های زندگی فردی و اجتماعی، جشن و عزا، جنگ و صلح و ... کاربرد دارد، لذاست که برای آن اجری بی پایان و مزد بی حساب قرار داده است؛ انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب^۱، و ائمه شیعه نیز بارها مردم و شیعیان را به صبر و شکیبایی توصیه و سفارش نموده‌اند، از جمله امام صادق علیه السلام که خود از گریه کنندگان برای عزای جدش حسین ابن علی - علیه السلام - بود، و از مصادیق اکمل صابران است، به یکی از یارانش می‌فرماید: «اما اِنَّكَ ان تصبر توجر^۲» بدان که با صبر و مقاومت پاداش می‌بری.

حال باید دید این توصیه‌ها و سفارش‌ها به صبر و بردباری، با عزاداری شیعیان برای ائمه اطهار، مخصوصاً حسین ابی‌علی علیه السلام منافات دارد یا خیر؟

اولاً باید گفت: صبری که در آیات و روایات به آن توصیه شده است اختصاص به صبر بر مصائب ندارد، بلکه صبر در تمام میدان‌های زندگی مطرح است و شاخص‌ترین موارد آن، در روایات ذیل آمده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصبر ثلاثة صبر عند المصيبة و

۱. سوره زمر، آیه ۱۰.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۹۱۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.

صبر علی الطاعة و صبر عن المعصية» صبر بر سه گونه است،
 ۱. صبر در مصائب؛ ۲. صبر بر بندگی (و طاعت خداوند) ۳.
 صبر در برابر معصیت (در مقابل شهوات و تمایلات نفسانی
 و پرهیز از گناه)؛ در نتیجه این آیات فقط در مقابل بی‌صبری
 در مصائب قرار ندارد.

ثانیاً: باید دید مراد از صبر در این آیات و روایات چیست؟
 و مصداق بی‌صبری کدام است؟ با نگاهی گذرا به آیات مذکور
 و آیات دیگر، این نکته به خوبی به دست می‌آید، که مراد از بی
 صبری گریه و اشک و عزاداری نیست، بلکه مراد جزع و فزع
 و اظهار سخنان بیهوده و باطل در هنگام مصیبت، و اظهار
 نارضایتی نسبت به قضا و قدر الهی است، چنان‌که پیامبر
 اکرم صلی الله علیه و آله در مصیبت فرزندش ابراهیم، در حالی که اشکش
 جاری بود فرمود: «و انا بك لمحزونون، تبکی العین و یدمع
 القلب و لا نقول، یسخط الرب عزوجل^۱»، فرزندم، برای تو
 غمناک هستیم، چشم می‌گرید و دل می‌سوزد اما چیزی که
 موجب نارضایتی خداوند گردد بر زبان نمی‌آوریم. در روایات
 دیگر چنین آمده است «یحزن القلب، و تدمع العین، و لا نقول
 ما یسخط الرب و انا علی ابراهیم لممحزونون^۲» بعد از دفن
 ابراهیم در قبرستان بقیع، برای آن کودک آن قدر گریه کرد، که
 اشک از محاسنش جاری گردید به آن حضرت اعتراض کردند،

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۹۰، ذیل روایت ۴۳، بیروت:
 دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، (۱۹۸۳ م - ۱۴۰۳ هـ).

۲. همان.

ای رسول خدا تو دیگران را از گریه منع می‌کردی اکنون خود گریه می‌کنی؟ آن حضرت فرمود: «لا یس هذا بکاء غضب انما هذا رحمة و من لا یرحم لا یرحم» این گریه خشم و نارضایتی نیست بلکه گریه رحمت و رأفت است، و هر کس رحم نکند، مورد رحمت واقع نمی‌شود. معلوم می‌شود آن عزاداری و گریه‌ای مخالف صبر است، که از روی غضبناکی بر قضای الهی و نارضایتی باشد نه گریه سوز و عاطفی که خود رحمت است و نشانه عاطفه و دل‌رحمی انسان می‌باشد.

در نتیجه اشک و گریه برای عزیز یا عزیزان هرگز مصداق بی‌صبری نیست، چرا که اسلام همیشه واقعیت‌ها را در نظر داشته و احساسات و عواطف انسان‌ها را می‌داند، مگر می‌شود انسان در مرگ فرزند و پدر... خویش اشک نریزد؟ مگر از پیامبر صلی الله علیه و آله صبورت‌تر می‌توان یافت؟ با این حال در مرگ فرزندش اشک می‌ریزد، قلبش ناراحت است، ولی بی‌تابی و نارضایتی نمی‌کند.

مصادیق عزاداری

عزاداری‌های که شیعیان انجام می‌دهند موارد و مصادیقی دارد که ذیلاً اشاره می‌شود و از بیان فوق روشن شد که هرگز مصادیق بی‌تابی و جزع و فزع که ممنوع است، نمی‌باشد.

۱- یکی از مصادیق و موارد عزاداری برگزاری جلسات عزاداری، برای دل‌داری و تسلیت دادن به مصیبت‌زدگان و توصیه آنان به صبر است، این نحوه عزاداری که در بین عموم مسلمانان رایج است، در راستای تقویت اراده و ایمان و احترام به احساسات و عواطف بازماندگان قرار دارد و اسلام هم سفارش فرموده است، که پس از مرگ مسلمانی، سایر مسلمانان جمع شده و به بازماندگان تسلی و تعزیت دهند و در آن مجالس برای از دست رفتگان از درگاه خداوند متعال درخواست آمرزش نموده، و قرآن تلاوت کنند و بازماندگان را به صبر و استقامت توصیه نمایند در این باره روایات فراوانی نقل شده است.^۱

از جمله امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من عزی مصاباً کان له مثل أجره من غیر ان ینتقص من أجر المصاب شیئاً» کسی که مصیبت دیده‌ای را تعزیت دهد از پاداشی به مانند پاداش او برخوردار خواهد

۱. وسائل الشیعة، پیشین، ج ۲، ص ۸۷۱.

شد، بدون این که از پاداش مصیبت دیده کم شود. روشن است که با این توصیه‌ها، این مصداق هیچ تنافی با صبر و بردباری ندارد.

۲. بزرگداشت یاد و خاطره از دست رفتگانی که نزد مردم احترام خاصی داشته نظیر علما، شهدا و..؛ مصداق دیگری است برای عزاداری؛ این عزاداری‌ها در راستای بزرگداشت خاطره شهیدان، علما و اندیشمندان که با فکر و اندیشه و با نثار جان خود جامعه اسلام را حیات بخشیدند، برگزار می‌شود، این عزاداری، افزون بر آثار و ثواب تسلی و دلداری بازماندگان، ثواب احترام به علم و عالم و شهید را دربر دارد و نشان می‌دهد که آن چنان که آنان در پیشگاه خداوند متعال ارزش دارند و از حیات و زندگی خاصی برخوردارند، نزد مسلمانان نیز از احترام ویژه برخوردار می‌باشند و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون^۱.

۳. نحوه دیگری از عزاداری وجود دارد که دارای مرتبه بالاتری است، این عزاداری ویژه انسان‌های بزرگ، یعنی پیامبران و اوصیای آن‌ها، بویژه پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت آن حضرت است.

عزاداری در هنگام رحلت و شهادت و شادی در هنگام تولد آنان از ویژگی‌هایی است که در پرتو آن درس‌های سازنده

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۶۸.

تربیتی و اخلاقی آموخته می‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: خداوند متعال برای ما پیروانی برگزید که ما را یاری می‌کنند «یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا» برای شادی ما شاد و برای غم ما اندوهناک می‌شوند. در فرهنگ اسلامی احترام همه شهیدان لازم است. ولی برخی شهیدان مانند سرور و سالار شهیدان کربلا از ویژگی‌هایی خاصی برخوردارند که بر اساس دستورات رسیده، هر سال در ایام شهادت آنان مجالس و محافل عزاداری و سوگواری برگزار شده و مراسم خاصی نیز اجرا می‌گردد. از این رو نباید این مراسم را با عزاداری کسی که پدر یا عزیزی را از دست داده مقایسه نمود و گفت: چون خداوند توصیه به صبر نموده باید در عزای ائمه اطهار علیهم السلام چیزی نگفت، و در مقابل هر آن چه ستمگران در طول تاریخ انجام داده‌اند سکوت کرد، و با سکوت خود رفتار آنان را امضا نمود. آیا روح دستورات اسلام با چنین برداشتی مخالف نیست؟!

پس عزاداری شیعیان یعنی گریه کردن و اشک ریختن در عزای عزیز مصطفی، حسین بن علی، که قطعاً در درجه و رتبه‌ی بالاتر از ابراهیم قرار دارد، و هم چنین مظلومیت امام حسن مجتبی، که «سیدان اهل بهشت می‌باشند»^۱ نه تنها بی‌صبری نیست، بلکه هماهنگی با سیره و روش پیامبر

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۲۸۷، باب ثواب الکباء علی المصیبه الحسین علیه السلام.

۲. شیخ مفید، الارشاد، مکتبه بصیرتی.

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز می‌باشد، و خود فرمود: «میت لابیواکی علیه
لا اعزاز له» میتی که گریه کنندگان ندارد از عزت و احترام هم
برخوردار نیست.

فصل دوم: نشست های اربعینی

گفتار اول: زیارت در سیره و سنت رسول خدا ﷺ

سید محمد غروی^۱

یکی از سنت‌هایی که از پیامبر و همچنین از ائمه معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است زیارت است. زیارت در اصل به معنای دیدار است^۲ که این دیدار گاهی اوقات نسبت به فردی است که در قید حیات است و گاهی اوقات در خصوص افرادی است که در قید حیات نمی‌باشند که در خصوص هر دو قسمت روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم وارد شده است.

تأکید و توصیه زیارت و دیدار از مؤمنان که در قید حیات است معمولاً برای افراد تعجب‌آور نیست؛ اما سخن در جایی است که شخص از دار دنیا رفته که زیارت در این مورد برای

۱. استاد حوزه، عضو جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۳۵.

بعضی از افراد قابل درک و فهم نیست و گمان می‌کنند که زمانی که فرد دنیا می‌رود دیگر ارتباطی با کسی ندارد؛ از این رو بالای سر او آمدن و زیارت کردن قبر او را بی‌فایده توصیف نموده‌اند؛ حتی در ارتباط با اولیای الهی همچون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز این مطلب بیان کرده‌اند؛ درحالی‌که اگر آنان حقیقت مرگ و جایگاه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به درستی دریافت می‌نمودند این سخنان را به زبان نمی‌آوردند و این شبهه‌افکنی‌ها را مطرح نمی‌کردند.

حقیقت مرگ

حقیقت این است که این‌گونه نیست که انسان با مرگ، فانی گردد؛ بلکه مرگ به تعبیر قرآن کریم: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»؛ «خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند»؛ بنابراین مرگ انتقال از یک عالمی به عالم دیگر است و این‌گونه نیست که انسان با مرگ تمام شود بلکه حقیقت مرگ این است که آن حقیقت انسان که روح آدمی است با مرگ از او گرفته می‌شود و او منتقل به عالم برزخ می‌گردد.

عالم برزخ

در عالم برزخ انسان‌ها در دسته‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شوند، برخی از آنان که در عالم دنیا انسان‌هایی خوبی بوده‌اند در آنجا برایشان نعمت‌های خوبی فراهم شده و آنان از آن استفاده می‌نمایند و برخی مدت‌ها رها شده و گویا یک

خواب سنگینی تا قیامت بر آنها حاکم می‌گردد و برخی مورد عذاب واقع می‌شوند.

بنابراین این‌گونه نیست که انسان با مرگ همه چیز خود را از دست بدهد و از بین برود؛ چراکه این تفکر ناشی از یک تفکر مادی و طبیعی است که معتقد است که وقتی حقیقتی غیر از این ارگانسیم بر انسان حاکم نیست. با توقف این ارگانسیم، او نیز از بین رفته و دیگر مرداری بیش به شمار نمی‌رود از این امر تعبیر به نابودی می‌نمایند. درحالی‌که آیات قرآنی برخلاف این را گفته و بیان می‌کنند که **﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ﴾**؛ «تا آن‌گاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد» و سپس به عالم دیگر منتقل می‌شوند و از آنان سؤال می‌گردد که چرا شما در چنین وضعیتی هستید؟ و آنان در پاسخ یا عذرخواهی نموده و می‌گویند ما مستضعف بودیم و نمی‌توانستیم دین خود را حفظ نماییم. که قرآن آنان را مورد بازخواست قرار داده و می‌فرماید چرا هجرت نکردید؟!

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾^۲ «کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند، درحالی‌که به خویشان ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه

۱. مؤمنون: ۹۹

۲. نسا: ۹۷

حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟!)) گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آن‌ها [= فرشتگان] گفتند: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آن‌ها (عذری نداشتند) جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند.»

خلاصه اینکه انسان با مرگ از بین نمی‌رود و او با مرگ به عالم دیگر مستقل می‌شود، این جسم است که از بین می‌رود و فانی می‌شود.

نکته قابل ملاحظه دیگر اینکه، روح آدمی اصولاً یک ارتباطی و علقه با بدن خویش و حتی با خاک خود دارد علت این امر چیست؟ که در پاسخ بیان می‌توان گفت از آنجایی که حدود پنجاه، شصت، هفتادسال با این بدن زندگی می‌کرده است در نتیجه هنگامی که او دفن می‌گردد این طور نیست که رابطه یا علاقه روح با بدن قطع و هیچ ارتباطی بین او، محل دفنش وجود نداشته باشد بلکه براساس آنچه در روایات بیان شده هنگامی که انسان بالای سر کسی که از دنیا رفته است سلام می‌دهند آن‌ها می‌شنوند و حتی هنگامی که سر قبر آنان می‌رویم آنان خوشحال می‌شوند؛ براین اساس در روایات متعددی وارد شده است: وقتی مؤمنان به زیارت اهل قبور می‌روند، آن‌ها علم به حضورشان پیدا می‌کنند. از حضور مؤمنان بر سر قبور خود خوشحال

می شوند و با آن ها انس می گیرند. وقتی که مؤمنان از کنار قبر آن ها دور می شوند، دچار وحشت می شوند.^۱ همه این موارد نشانگر این نکته است که بین روح و بدن و حتی جسد او ارتباط وجود دارد.

زیارت مؤمن در هنگام حیات

در خصوص زیارت مؤمنین در زمان حیات روایات متعددی در منابع دینی وارد شده است؛ پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می فرماید: «مَنْ زَارَ أَحَاهُ الْمُؤْمِنِ إِلَى مَنْزِلِهِ لَا حَاجَةَ مِنْهُ إِلَيْهِ كُتِبَ مِنْ زُؤَارِ اللَّهِ وَكَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ»^۲؛ «هرکه نه به قصد نیازخواهی؛ بلکه به نیت دیدن برادر مؤمن خود به خانه او رود، از دیدارکنندگان خدا انگاشته شود و بر خدا است که دیدارکننده خود را گرامی دارد».

و نیز حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «زَائِلُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ وَوَاصِلُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ»^۳؛ «از دشمنان خدا جدا شوید (و از آنها فاصله بگیرید) و با دوستان خدا پیوند کنید».

این مربوط به زیارت مؤمن در زمان حیات است، زیارت باعث دوستی و مودت می شود و حتی در جای دیگر حضرت آثار مثبت دیگری را که در این رابطه است، بیان می کند.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۷۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۹.

۳. عبد الواحد بن محمد آمدی تمیمی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۹۳.

زیارت اهل قبور

در خصوص زیارت کسانی که از دنیا رفته‌اند، روایات متعددی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و نیز سایر معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اولیاء الهی بیان شده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خصوص زیارت خودشان می‌فرماید: «مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!»؛ «کسی که به زیارت من آید من در روز قیامت شفیع او خواهم بود».

و در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ فِي شَيْءٍ مِنْ الْأَرْضِ أُبَلِّغْتَهُ وَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ عِنْدَ الْقَبْرِ سَمِعْتُهُ!»؛ «هر که در هر نقطه‌ای از روی زمین به من سلام کند، سلامش به من می‌رسد و هر که بر سر قبرم به من سلام کند، آن را می‌شنوم».

این روایت از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، برای نکتہ تصریح دارد که سلام و زیارتی که انسان بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌نماید هر چند به حسب ظاهر ارتباط جسمانی نیست و در حقیقت ارتباط روحی است؛ اما در هر صورت این سلام به محضر آن حضرت می‌رسد.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به حسن بن علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ که عرض کرد: پدر جان! پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ فرمودند:

«يَا بَنِيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَحَاكَ أَوْ زَارَكَ

۱. کامل‌الزیارات، ج ۱، ص ۱۳.

۲. محمد بن حسن طوسی، الأمالی (طوسی)، ج ۱، ص ۱۶۷.

كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَرْوِّدَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَخْلَصَهُ مِنْ دُنُوبِهِ؛^۱
«پسرم! هرکه زنده و مرده مرا یا پدرت یا برادرت و یا خودت را
زیارت کند، بر من است که در روز قیامت دیدارش کنم و او را از
گناهانش نجات دهم».

در یک بیان دیگر رسول خدا ﷺ می فرماید: «مَنْ زَارَ
الْحَسَنَ فِي بَقِيعِهِ ثَبَّتَ قَدَمَهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ
الْأَقْدَامُ»؛^۲ «هرکه حسن را در بقیع زیارت کند، خداوند در آن
روزی که پاها می لرزد، پای او را بر صراط استوار گرداند».

و یا ایشان از ثواب زیارت امام رضا علیه السلام این گونه خبر
می دهد:

«سَتُدْفَنُ بَصْعَةً مِنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا
أُجِبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ»؛^۳ «زود
باشد که پاره ای از تن من در خاک خراسان دفن شود. هیچ
مؤمنی آن را زیارت نکند مگر آنکه خداوند عزوجل بهشت را
بر او واجب و بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند»؛ البته این
طبعاً باید این مؤمن دارای شرایطی باشد که مشمول این
لطف الهی قرار گیرد.

امام صادق علیه السلام همچنین می فرماید: «مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، علل الشرائع، ج ۵، ص ۴۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۱.

۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲،
ص ۲۵۷.

فَكَأَنَّمَا زَارْنَا فِي حَيَاتِنَا؛^۱ «هرکه پس از مردنمان ما را زیارت کند، چنان است که در زمان حیاتمان زیارت کرده باشد».

د روایت دیگری می‌فرمایند: «إِنَّ إِلَى جَانِبِهَا [أَى جَانِبِ الكَوْفَةِ] قَبْرًا لَا يَأْتِيهِ مَكْرُوبٌ فَيَصَلِّي عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُورًا بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ»؛^۲ «نزدیک کوفه قبری است که هر غم‌دیده‌ای آنجا رود و در کنار آن چهار رکعت نماز گزارد، خداوند با برآوردن حاجتش او را شادمان برگرداند».

و همچنین امام صادق عليه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَنْبَرِي عَلَى تَرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ لِأَنَّ قَبْرَ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا بَيْنَ قَبْرِهِ وَ مَنْبَرِهِ وَ قَبْرُهَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ إِلَيْهِ تَرْعَةٌ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ»؛^۳ «میان قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر فراز آبراهه‌ای از آبراهه‌های بهشت است؛ چون قبر فاطمه عليها السلام میان قبر رسول خدا و منبر اوست و قبر فاطمه باغی از باغ‌های بهشت است و یکی از آبراهه‌های بهشت به سوی آن است».

آنچه از این روایت استفاده می‌شود این است که، بین قبر و منبر جایگاه خاصی است که ویژگی منحصر به فردی دارد و آن راهی به راه‌های بهشت است.

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۳۳.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. معانی الأخبار، ج ۱، ص ۲۶۷.

پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام

در خصوص زیارت امام حسین علیه السلام روایات متعددی بیان شده است که به چند نمونه از آنان اشاره می‌گردد:

امام صادق علیه السلام در خصوص ثواب کسی که امام حسین علیه السلام را با معرفت زیارت کند، می‌فرماید:

«مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَ عَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ!»^۱ «هر که حسین علیه السلام را، با معرفت به حق و مقام او، زیارت کند خداوند ثواب هزار حج پذیرفته و هزار عمره پذیرفته را برایش بنویسد و گناهان گذشته و آینده او را ببخشد».

امام صادق علیه السلام در خصوص پیاده روی جهت زیارت امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ حَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ حَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى إِذَا صَارَ بِالْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمَفْلُحِينَ وَ إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ رَبِّكَ يُفْرِتُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِسْتَأْنِفَ الْعَمَلِ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ مَا مَضَى»^۲.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۵.

۲. المزار، ص ۳۰.

«هرکس از خانه‌اش به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام بیرون آید، اگر پیاده باشد، خداوند، برای هر گامش حسنه‌ای را می‌نویسد و زشت‌کاری‌ای را از او می‌زداید و چون به حرم حسین علیه السلام رسید، خداوند، او را جزورستگاران می‌نویسد و چون زیارتش را به پایان برده، خداوند، او را از رهایی یافتگان می‌نویسد و چون بخواهد بازگردد، فرشته‌ای نزد او می‌آید و به او می‌گوید: «من، پیام‌آور خدایم. خداوند، به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: عمل، از سرگیر که گذشته‌ات آمرزیده شد.»

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام

در روایاتی که برای زیارت امام حسین علیه السلام نقل شده است ثواب‌هایی به ظاهر عجیب برای زائران بیان شده است؛ به‌طورمثال در یک روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت می‌فرماید: «وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شُعْثًا غُبْرًا مِنْ يَوْمٍ قُتِلَ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ يَغْنَى بِذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَقُولُونَ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ رُؤَاةُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِفْعَلْ بِهِمْ وَ اِفْعَلْ بِهِمْ»؛ «خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهید

شدند تا زمانی که خدا می خواهد یعنی زمان قیام قائم % ایشان ژولیده و غمگین می باشند، برای زائران حضرت دعا کرده و می گویند: پروردگارا، ایشان زائران حسین علیه السلام بوده با ایشان چنین و چنان نما».

در روایات دیگری که از برخی ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است ملاحظه می کنیم که با اینکه خود آنان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و از حیث مقام ولایت و امامت همگی در یک سطح می باشند و در حقیقت همگی نور واحد می باشند اما مشاهده می کنیم که مثلاً امام هادی علیه السلام هنگام بیماری از دو نفر از یارانش به نام های «ابوهاشم جعفری» و «محمد بن حمزه» می خواهند که به حائر حسینی یعنی حرم حسین علیه السلام رفته و برای شفای حضرت در حائر حسینی دعا کنند؛ زیرا که در حرم حسین علیه السلام دعا قرین اجابت است.^۱

خلاصه اینکه براساس روایات بیان شده جایگاه زیارت معصومین علیهم السلام به ویژه سیدالشهدا علیه السلام در بین همه امامان روشن شد؛ البته باید بیان داشت علاوه بر معصومین علیهم السلام، زیارت برخی از امام زادگان همچون حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و حضرت عبدالعظیم حسینی علیه السلام نیز در روایات بدان سفارش شده است:

یکی از اهالی ری نزد امام هادی علیه السلام رفت. امام علیه السلام از وی

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۲۲.

پرسید: «کجا بودی؟» پاسخ داد: «امام حسین علیه السلام را زیارت کردم». امام فرمودند: «إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ «اگر قبر عبدالعظیم که نزد شما است را زیارت کنی، مانند کسی هستی که حسین علیه السلام را زیارت کرده است».

در سیره نبوی و سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز این گونه بود که به زیارت شهدای احد می رفتند و در نزد آنان دعا می کردند؛^۱ چراکه این گونه مکان‌ها از جاهایی بود که خداوند آن را دوست می داشت.

حقیقت زیارت

در خصوص مقوله زیارت قبور اموات گاهی اوقات ما صرفاً یک نگاه مادی به این مسئله داریم که در این صورت زیارت قبور اموات صرفاً جنبه احترام و نمادین به خود می گیرد؛ اما گاهی اوقات زیارت مقوله دینی و الهی است که مستند به ادله شرعی است که در این صورت دیگر زیارت صرفاً جنبه نمادین ندارد؛ چراکه حقیقت این است که از یک سو این روح در عالم ارواح زنده است و از سوی دیگر ارتباط این روح با بدنی که همواره با او عبادت کرده و بدان علقه دارد وجود دارد؛ از این رو مشاهده می کنیم در روایات وارد شده که اموات توجه خاصی به قبورشان داشته به طوری که انتظار دارند که

۱. همان، ج ۱۴، ص ۵۷۵.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۲۴.

خویشان آنان بر سر مزارشان آمده و با آنان دیدار داشته باشند.^۱ از این سو نیز وقتی انسان بر سر قبر مؤمنین به ویژه کسانی که از مقامات معنوی بالایی برخوردار می باشند، می رود آنان نیز توجه خاصی به قبر خویش داشته و در نتیجه دعایی که انسان در کنار قبر ایشان می کند یا قرآنی که برای آنان می خواند به ارواح آنان رسیده و آنان را خوشحال می نماید و موجب انس آنان با انسان می گردد.

جایگاه زیارت امام حسین علیه السلام

اساساً زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از جایگاه خاصی برخوردار است، منتها زیارت امام حسین علیه السلام در این میان ویژگی خاصی دارد؛ به طوری که زیارت امام حسین علیه السلام از زیارت کعبه برتر توصیف نموده اند و آن را با ده ها حج یا صدها حج به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله مقایسه فرموده اند. در این خصوص روایتی از امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از یارانش آمده است که فرموده اند: «... ای بشیر، فردی از شما بر کناره فرات، غسل می کند و با شناخت حق حسین علیه السلام به زیارت او می آید و خداوند، در برابر هر گامی که برمی دارد و می گذارد، یک صد حج مقبول و یک صد عمره نیکو و یک صد جهاد همراه با پیامبر فرستاده شده در برابر دشمنان خدا و پیامبرش، برایش می نویسد».^۲ البته طبعاً

۱. محمد بن یعقوب کلینی رازی، الکافی، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۷۱.

مراد کفایت زیارت امام حسین علیه السلام از حج واجب نیست بلکه مراد برتری آن نسبت به حج مستحبی است.

توجه به شکوه مراسم اربعین

از نکات مهمی که در زیارت‌ها، به خصوص زیارت‌هایی که انسان به صورت پیاده انجام می‌دهد، این است که باید تلاش شود این مراسم‌ها به صورت باشکوه برگزار شود؛ چراکه این مراسم‌ها همچون پیاده‌روی اربعین موجب تثبیت عقاید انسان می‌گردد از این رو هرچه آدمی در راه امام حسین علیه السلام هزینه نماید گویا در راه خدا هزینه نموده است. این نکته مهم است که انسان برای آنچه آن را دوست دارد اگر هزینه نکند شاید آن طور که باید قدر آن را نمی‌داند؛ از این رو مشاهده می‌کنیم در مسیر کربلا با سختی و صرف هزینه بسیار، مشرف به این بارگاه ملکوتی می‌شود، این سختی‌ها و هزینه‌ها در تثبیت تولی او نسبت به امام معصوم علیه السلام و دین و مذهب نقش زیادی دارد.

آثار زیارت اربعین

از جمله آثار پیاده‌روی اربعین این است که انسان در عمل صبر و بردباری آموخته و یاد می‌گیرد که در راه خدا و در راه ولایت معصومین علیه السلام، انسانی حلیم و صبور و شکیبا باشد که حاضر است از استراحت خویش بزند و برای رشد معنوی خویش هزینه نماید و در کنار آن حقایقی از جریان کربلا برای او

تبیین گردد و برای او مشخص گردد چطور ممکن است ملتی به وجود آید که فرزند پیامبر خود را این‌گونه مورد بی‌مهری قرار داده و به شهادت برساند و بالأخره این موارد همگی مقابل دیدگان آدمی می‌آید و سبب می‌شود که با بررسی و مرور آنها آدمی عبرت بگیرد و بتواند برای سازندگی خویش تلاش نماید.

زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در اربعین باعث می‌شود ثبات ایمانی انسان و تولی او نسبت به مقام ولایت سبب استحکام و استواری در دین گردد و غیر از اینکه موجب فراهم‌سازی زمینه‌هایی برای صبر و شکیبایی انسان در راه خدا می‌گردد، می‌تواند در سازندگی جنبه‌های معنوی انسان مؤثر واقع شود خصوصاً دعاهایی که در این رابطه در مسیر خوانده می‌شود یا اشک‌هایی که ریخته می‌شود یا خستگی‌هایی که در این مسیر پیدا می‌کند همه این‌ها مشمول الطاف حضرت حق قرار گرفته و می‌تواند در تکامل انسان مؤثر واقع گردیده و در دیگران اثرگذار باشد.

اربعین یکی از نشانه‌های ایمان

زیارت اربعین یکی از ویژگی‌ها و انحصارات خاص حضرت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام است که از جمله نشانه‌های مؤمنان بیان شده است. امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ

وَ التَّحْتُمْ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛^۱ «نشانه‌های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه‌ویک رکعت نماز [گزاردن در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

این تأکید اهل بیت عليهم السلام مبنی بر زیارت اربعین، به جهت لزوم تلاش شیعه بر حفظ هویت و حقانیت آن است، که در قالب زیارت اربعین و به‌ویژه در قالب پیاده‌روی اربعین می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ چراکه ضمن اینکه جنبه سمبولیک دارد می‌تواند دشمنان را در موضع انفعالی قرار داده و موجب بیمه شدن این مذهب گردد؛ از این رو زیارت اربعین از علامات مؤمن تلقی شده است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

گفتار دوم: تاریخچه و مبانی روایی و تاریخی زیارت اربعین

علی نظری منفرد^۱

مفهوم شناسی زیارت

زیارت به معنای حضور زائر نزد مزور است به این معنا که زیارت کننده، نزد زیارت شونده حضور پیدا می کند به صرف حضور زیارت اطلاق نمی شود؛ بلکه باید یک نکته دیگری در زیارت لحاظ شود تا بتوان عنوان زیارت را بر آن بار نمود و آن این است که به قصد تکریم انجام گیرد؛ بنابراین زیارت عبارت است از اینکه انسان، به قصد تکریم زیارت شونده برود به این عمل او زیارت گفته می شود که این امر اختصاص زندگان و مردگان ندارد. از این رو زیارت قبور یکی از امور است که در روایات بدان تأکید شده است که از جمله آن ها و حدیث نبوی ذیل است:

«رُؤُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ»؛^۲ «به زیارت قبور بروید که این کار، شما را به یاد آخرت می اندازد».

«رُؤُوا الْقُبُورَ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا عِبْرَةً»؛^۳ «به زیارت قبرها بروید زیارت قبرها مایه عبرت است».

۱. استاد سطوح عالی حوزه های علمیه.

۲. علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۶، ح ۴۲۵۵۱.

۳. همان.

زیارت امری مرسوم در صدر اسلام

زیارت قبور امری رایج در بین مسلمانان از همان صدر اسلام بوده است به طوری که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر سر قبر عموی خویش حمزه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و شهدای احد حاضر شده و آنان را زیارت نمودند و گاهی نیز به بقیع رفته و دیگر اموات را زیارت می‌کردند و حتی در روزهای آخر عمرشان به آنجا رفته آنان را مخاطب قرار داده و می‌فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ»^۱ و «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ»؛ «سلام بر اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان، شما پیشروان ما بودید و ما هم ان شاء الله به شما ملحق می‌شویم»؛ بنابراین زیارت امری مشروع بوده است؛ چراکه خود پیامبر به زیارت قبور را قولاً و فعلاً تأیید و تأکید کرده‌اند:

«مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲ «هرکس مرا پس از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است و من در روز قیامت نسبت به این امر برای وی شهادت می‌دهم و شافع او خواهم بود».

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۳.

«مَنْ زَارَنِي وَ لَمْ يَزُرْ عَمِّي حَمَزَةَ فَقَدْ جَفَانِي»؛ «کسی که من را زیارت کند و اما عمویم حمزه را زیارت نکند به من جفا کرده است».

بنابراین با توجه به احادیث فراوانی که در باب زیارت وجود دارد، می توان گفت که زیارت امری مسلم بوده و احادیث این باب از تواتر برخوردار است و اینکه افرادی همچون ابن تیمیه زیارت پیامبر را انکار کرده است امر مردودی است.

صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز سیره رسول الله را در خصوص زیارت ادامه داده اند. در روایات این گونه آمده است که حضرت صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَام بعد از رحلت حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر سر مزار شهدای اُحُد می رفت و در آنجا بر مزار حضرت حمزه سیدالشهدا گریه می کرد.

در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

«تَأْتِي قُبُورَ الشَّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيْسِ فَتَقُولُ هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَاهُنَا كَانَ الْمَشْرِكُونَ»؛^۲ «حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام هفته ای دو بار در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت شهدای احد می رفت و آن ها را زیارت می کرد و محل جنگ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مشرکین را دقیقاً نشان می داد».

۱ . حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

۲ . محمد بن حسن حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳، ص ۲۲۳.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بازگشت از صفین و هنگام
نزدیک شدن به قبرستان کوفه فرمود:

«يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُفْرِتَةِ وَ الْقُبُورِ
الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التُّزَيَّةِ يَا أَهْلَ الْعُرْبِيَّةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ
الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَا الدُّوْرُ
فَقَدْ سُكِنَتْ وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ
قُسِمَتْ هَذَا حَبْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا حَبْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ ائْتَفَتْ إِلَى
أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ
التَّقْوَى»^۱.

«ای خفتگان خانه‌های تنهایی و جاهای خشک و خالی و
گورهای ظلمانی! ای خاک‌نشینان، ای ساکنان دیار غربت، ای
تنهاشدگان، ای بی‌همدمان! شما پیش از ما رفتید و ما نیز
در پی شما آمده به شما خواهیم پیوست؛ اما خانه‌هایتان!
دیگران در آن سکونت گزیدند؛ اما زنانتان! با دیگران ازدواج
کردند و اما اموال شما! در میان دیگران تقسیم شد! این
خبری است که ما داریم؛ حال شما چه خبر دارید؟ امام سپس
رو به یاران خود کرد و فرمود: بدانید که اینان اگر اجازه سخن
گفتن داشتند، به شما خبر می‌دادند که: بهترین ره‌توشه،
تقوا است».

چنانچه ملاحظه می‌نماییم حضرت این عبارت اموات را

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۸۰.

مورد خطاب قرار داده و با آنان صحبت نموده است بنابراین اگر اموات نمی شنیدند این سخنان بی معنا بود و همچنین چنانچه ملاحظه می شود حضرت در پایان فرمایش شان می فرمایند: «لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأُخْبِرُوكُمْ إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» حضرت در این عبارت فرمودند آنان نمی فهمند بلکه می فرمایند: «اگر اجازه سخن گفتن داشتند، به شما خبر می دادند که: بهترین ره توشه، تقوا است» نکته ای که خداوند متعال در سوره بقره بر آن تأکید دارند: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾^۱!

بنابراین براساس ادله بیان شده اصل مسئله زیارت یک امر مشروع و مسلم در میان مسلمانان در صدر اسلام بوده و آنان به این مهم اهتمام می ورزیدند؛ بنابراین مسئله زیارت امری قابل انکار نیست و همواره مورد تأکید بوده است.

زیارت امام حسین علیه السلام

در روزهای مختلفی از ایام سال همچون شب جمعه،^۲

۱. بقره: ۱۹۷.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۱۳؛ صفوان جمال روایت کرده است: وقتی امام صادق علیه السلام به حیره (منطقه ای در کوفه) تشریف آوردند به من فرمودند: «آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟» گفتم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟ آن حضرت فرمود: «چگونه آن را زیارت نکنم و حال آن که خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و پیامبران و اوصیا به زمین هبوط کرده و او را زیارت می کنند؛ البته حضرت محمد صلی الله علیه و آله برترین پیامبران و ما برترین اوصیاء هستیم.

نیمه شعبان،^۱ روز عرفه، زیارت عاشورا^۲ و زیارت اربعین^۳ برای زیارت امام حسین علیه السلام سفارش شده است؛ اما در این بین سؤال اصلی این است که چرا زیارت اربعین امام حسین علیه السلام آن قدر حائز اهمیت است؟

در پاسخ به این موضوع چند نکته قابل ذکر است:

نکته اول اینکه بنا بر روایت رسیده، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام آسمان گریست و خون گریه کرد.

حضرت زینب علیها السلام در بیانات خود خطاب به اهل کوفه و سرزنش آن‌ها فرمودند:

«أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ تُمَطِّرَ السَّمَاءُ دَمًا، وَ لَعَذَابِ الْآخِرَةِ أَحْزَى وَ هُمْ لَا يُنْصَرُونَ»^۴ «آیا تعجب می‌کنید که از آسمان قطره‌های خون بر زمین می‌چکد؟ اما بدانید که خواری و عذاب رستاخیز

۱. همان، ص ۱۸۲؛ احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم: در چه ماهی حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ آن حضرت فرمود: «در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان».

۲. همان، ص ۱۷۴؛ در روز عاشورا خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، آن حضرت به من فرمود: «این گروه (زائرین ابا عبدالله الحسین) زائران خدا بوده و براو واجب است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در شب عاشورا بیتوته نماید، روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند در حالی که به خون خودش آلوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبدالله علیه السلام در سرزمین کربلا شهید گشته است. و کسی که قبر امام حسین علیه السلام را روز عاشورا زیارت کرده و بالای قبر بیتوته نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.

۳. شهید اول محمد بن مکی عاملی، المزار، ص ۵۳؛ در روایتی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه‌های مؤمن را، زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین شمرده‌اند.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۲.

سخت تر خواهد بود و برای شما یار و کمک رسانی نخواهد بود».

کتاب تاریخ آنگلوساکسون (Anglo-Saxon Chronicle) یکی از مهم ترین اسناد تاریخی است که از دوران قرون وسطی به جای مانده است. ماجرای خون باریدن آسمان انگلیس در روز عاشورای سال ۶۱۰ ق اشاره نموده و می گوید: این سال سالی بود که در آن در سرتاسر بریتانیا باران خون بارید و شیرها و کره ها، همه مبدل به خون (خونین) شدند.

امام صادق علیه السلام خطاب به زراره می فرماید:

«يَا زُرَّارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالدَّمِ»؛ «ای زراره! آسمان چهل روز، در سوگ حسین بن علی علیه السلام گریه کرد».

از روایت امام صادق علیه السلام استفاده می شود که گریه آسمان تا چهل روز ادامه داشته است و شاید یکی از خصوصیات راجع به اربعین این نکته باشد. امام باقر علیه السلام در مورد آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»^۲ فرمودند: «قَالَ لَمْ تَبْكِي السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ قَبْلَ قَتْلِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَعْدَهُ حَتَّى قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَتْ عَلَيْهِ»؛^۳ «آسمان و زمین تا قبل از مرگ یحیی بن زکریا بر کسی

۱. همان، ج ۴۵، ص ۲۰۶.

۲. دخان: ۲۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

گریه نکرد تا اینکه حسین علیه السلام کشته شد و بر او نیز گریه کرد».

شبهات‌های میان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام فراوان است از جمله اینکه هر بزرگوار شش ماهه به دنیا آمدند، هر دو بزرگوار، قبلاً همانمی نداشتند، هر دو به شهادت رسیده‌اند، هر دو بزرگوار سربریده شدند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: ما همراه امام حسین علیه السلام به سوی کربلا بیرون آمدیم، امام، در هر مکانی وارد می‌شدند و یا از آن کوچ می‌کردند، یادی از حضرت یحیی علیه السلام و قتل او می‌نمودند و می‌فرمودند: «فَمَا نَزَلَ مَنزِلًا وَلَا اِزْتَحَلَ مِنْهُ اِلَّا وَ ذَكَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَوْمًا مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَنَّ رَأْسَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا اُهْدِيَ اِلَى بَعْجِي مِنْ بَعَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ «در بی‌ارزشی دنیا نزد خدا همین بس که سر یحیی بن زکریا را به عنوان هدیه به سوی فرد بی‌عفتی از بی‌عفت‌های بنی اسرائیل بردند».

سزّاربعین حسینی

شاید یکی از حکمت‌های وجود اربعین برای امام حسین علیه السلام این باشد که سر مقدس امام حسین علیه السلام توسط امام سجاد علیه السلام در اربعین به کربلا آورده شد و به بدن مطهر ملحق گردید و جابر بن عبدالله انصاری نیز در اربعین حسینی به زیارت امام حسین علیه السلام شتافت.

دلایل دیگری نیز علاوه بر این ممکن است در اهمیت زیارت اربعین وجود داشته باشد که این زیارت از علائم مؤمن شمرده است زیارتی که امام صادق علیه السلام آن را به صفوان جمال یاد دادند و این گونه آغاز می شود:

«السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيَّتِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيَّتِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَىٰ أُسَيْرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ...»^۱ «سلام بر ولی خدا و حبیب او! سلام بر خلیل خدا و نجیب او! سلام بر برگزیده خدا و فرزند برگزیده او! سلام بر حسین مظلوم شهید! سلام بر اسیر غم های جانکاه و کشته اشک ها...».

مجموعه ادله فوق نشان می دهد که اربعین از ابتدا مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است و اهل بیت علیهم السلام و جابر و برخی دیگر حتی از بنی هاشم در اربعین حسینی بر سر مرقد مطهر امام حسین علیه السلام حضور یافته و آن را زیارت نموده اند.

زیارت اربعین یکی از پنج نشانه مؤمن

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود:
«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّنُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ

۱. همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ «نشانه‌های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه‌ویک رکعت نماز [گزاردن در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

در خصوص زیارت اربعین که در حدیث فوق بیان شده است، باتوجه به قراین بیان شده در روایت که آن موارد دیگری که نشانه مؤمن ذکر شده است، باید گفت که مراد از آن زیارت امام حسین علیه السلام است.

و این نکته تأکید می‌شود که با توجه به فرمایش امام صادق علیه السلام خطاب به صفوان جمال که شیوه زیارت اربعین را به او تعلیم دادند و به او می‌فرمایند: «وَبَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ»^۲.

چنانچه ملاحظه می‌کنیم زیارت در شیعه فقط تکریم مزور نیست؛ بلکه زیارت‌هایی همچون زیارت اربعین مجموعه‌ای از معارف است که فلسفه قیام امام حسین علیه السلام را نشان داده و بیان می‌کند که چطور ایشان وجود خود و عزیزانش را در طَبَقِ اخلاص گذاشته و به پیشگاه الهی تقدیم نموده است به تعبیر زیبایی از امام صادق علیه السلام در زیارات اربعین نقل شده که «بَدَّلَ مُهَجَّتَهُ»؛ جدم حسین خون قلب خود را در راه تو داد، «لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»؛ تا بندگان تو را از جهل

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

نجات دهد؛ «حَیْرَةُ الصَّلَاةِ»؛ و آن‌ها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

جابر بن عبدالله انصاری و زیارت اربعین

روز اربعین بنا بر آنچه در منابع تاریخی نقل می‌کنند جابر بن عبدالله انصاری از صحابه رسول خدا ﷺ و یاران با وفای اهل بیت ﷺ است. پدرش عبدالله بن عمرو بن حرام انصاری از پیشگامان دعوت پیامبر برای هجرت به مدینه است. عبدالله بن عمرو در بیعت عقبه (در مکه) حضور داشت. در جنگ بدر و احد نیز در رکاب رسول خدا شرکت جست و در جنگ احد به شهادت رسید.

در هنگام وقوع حادثه کربلا و شهادت امام حسین ﷺ، جابر پیرمردی سالخورده بود و در مدینه اقامت داشت. در اربعین شهادت امام حسین ﷺ، جابر به همراه عطیه عوفی که از اصحاب امیرالمؤمنین علی ﷺ و مفسر قرآن بود برای زیارت امام حسین ﷺ به کربلا رفت و اولین زائر آن امام بود^۱ وی که آن هنگام نابینا شده بود، در رود فرات غسل کرد، خود را خوشبو ساخت و گام‌های کوچک برداشت با راهنمایی «عطیه» از اصحاب امیرالمؤمنین علی ﷺ و مفسر قرآن، تا سر قبر حسین بن علی ﷺ آمد، دست روی قبر نهاد و بی‌هوش شد وقتی به هوش آمد، سه بار گفت: یا حسین! سپس گفت:

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۸۷.

«حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ...» (دوست پاسخ دوستش را نمی‌دهد...؟! آنگاه زیارتی خواند و روی به سایر شهدا کرد و فرمود:

...وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِي مَا دَخَلْتُمْ فِيهِ...»؛ «سوگند به خدایی که محمد را به حق برای پیامبری برانگیخت، ما با شما شهیدان در راهی که وارد شده‌اید، شریکیم!».

عطیه که این سخن را شنید، با شگفتی پرسید: «چگونه ما شریک آن‌ها هستیم، با آنکه (برای یاری حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ) نه فراز و نشیبی را پیمودیم و نه شمشیری زدیم، در حالی که اینان، به شهادت رسیدند؟»

جابر پاسخ داد: «يَا عَطِيَّةُ! سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أُشْرِكِ فِي عَمَلِهِمْ» و الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نِيَّتِي وَ نِيَّةَ أَصْحَابِي عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ وَ أَصْحَابُهُ؛ (ای عطیه! از حبیبم رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «هرکس گروهی را دوست داشته باشد در قیامت با آنان محشور خواهد شد و هرکس عمل گروهی را دوست داشته باشد، در عمل آن‌ها شریک است.»). سوگند به خدایی که محمد را به حق برای رسالت برانگیخت، [اگر من بر اثر ناتوانی نتوانستم

همراه امام حسین علیه السلام باشم]، ولی نیت و خواسته من و یارانم، بر همان مسیری است که حسین علیه السلام و یارانش پیموده‌اند».

آنان می‌دانستند که زیارت امام حسین علیه السلام چه ثوابی و آثار و برکاتی دارد، انسان وقتی که حضور پیدا می‌کند کنار قبر سیدالشهدا علیه السلام در یک روایتی خاطرمد هست که ابن قولویه در کامل الزیارات نقل کرده است که امام علیه السلام می‌فرماید: «مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنْذُ يَوْمِ دُفِنَ فِيهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» جایگاه قبر حسین علیه السلام از زمانی که در آن به خاک سپرده شد، به باغی از باغ‌های بهشت تبدیل شد.

خداوند متعال به حسین علیه السلام در برابر کشته شدنش سه پاداش عنایت نمود:

«أَنَّ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامٌ زَائِرِيهِ جَائِيًّا وَ رَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ!»
«که امامت در فرزندان او و شفا در خاکش و اجابت دعا در نزد قبرش باشد و اینکه روزهایی که زائرانش [برای زیارت] می‌آیند و می‌روند از عمرشان محسوب نمی‌گردد».

در این رابطه ابوهاشم جعفری می‌گوید که من خدمت حضرت هادی علیه السلام بودم حضرت بیمار شده بودند به من فرمودند: «ای ابهاشم شخصی از دوستان ما را به حائر

بفرست تا برایم دعا کند»، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرمایش حضرت را برایش بازگو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده‌اند درخواست کرده و جویا شدم.

علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می‌کنم ولی می‌گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر است (یعنی حضرت سیدالشهدا) و دعای آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعای من برای ایشان در حائر. من محضر امام علیه السلام مشرف شده و حرف علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجرالأسود افضل بودند ولی درعین حال دور بیت طواف می‌کرده و حجرالأسود را استلام می‌فرمودند، خداوند متعال بقاء و مواضعی دارد که می‌خواهد در آنجاها خوانده شود تا دعای دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع است.^۱

۱. کامل الزیارات، ص ۲۷۴؛ ابو هاشم الجعفری قال: دخلت علی ابي الحسن علي بن محمد عليه السلام وهو محموم غليل فقال لي يا ابا هاشم ابعت رجلا من موالينا إلى الحائر يدعوا الله لي فخرجت من عنده فاستقبلني علي بن بلال فأعلمته ما قال لي وسألته أن يكون الرجل الذي يخرج فقال السمع والطاعة و لكنني أقول - إنه أفضل من الحائر إذ كان بمنزلة من في الحائر و دعاؤه لنفسه أفضل من دعائي له بالحائر فأعلمته عليه السلام ما قال فقال لي قل له كان رسول الله صلى الله عليه وآله أفضل من النبي و الحجر و كان يطوف بالبئير و يستلم الحجر و إن لله تعالى بقاء يحب أن يدعى فيها فيستجيب لمن دعاه و الحائر منها.

و این روایت نشان دهنده ترغیب و تأکید ائمه علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام است.

دعای امام صادق علیه السلام برای زائران حسینی

امام صادق علیه السلام در روایت صحیحی که در کتاب زیارت و مثل زیارت، کتب زیارت مثل کتاب زیارت مشهدی صباح کفعمی مصباح شیخ طوسی و زیارت اربعین و زیارت های دیگر رسیده است، برای زائران حسینی این گونه دعا می فرماید:

«...اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ بِخُرُوجِهِمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّحُوصِ إِلَيْنَا - خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِي غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَتَقَلَّبُ عَلَى حَضْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ وَتِلْكَ الْأَنْفُسَ حَتَّى تُوَفِّيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ الْأَكْبَرِ»^۱

«خدا یا دشمنان ما به واسطه زیارت امام حسین علیه السلام آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت دشمنان ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب دشمنی آنان با مخالفین ما است، پس تو این صورت هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد

۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۷

ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌گذارند و بر می‌دارند مشمول لطف و رحمتت قرار بده و همچنین به چشم‌هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت فرما و دل‌هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما، بار خدایا به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس، خداوندا من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمایی».

اربعین، شعاری از شعائر مهم اسلامی

در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که ایشان بیان می‌کنند که روزی در کربلا درهای غم و محنت و مصائب به روی ما باز شد. من پدرم را کشته و آغشته در خاک و خون دیدم. برادران و پسرعموها و فرزندان پدرم را شهید و مقتول مشاهده کردم و زنان و خواهرانم را مانند اسیران ترک و روم ملاحظه کردم. این مصائب و حوادث چنان بر من سخت و دشوار و سنگین آمد که سینه من در فشار قرار گرفت، نزدیک بود جان از بدن من بیرون برود.

عمه‌ام وقتی مرا به این حال دید گفت: «مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي» تو را چرا می‌بینم که با جان خودت بازی می‌کنی ای یادگار جد و پدر و برادرانم؟ به عمه گفتم: «وَ كَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَ أَهْلَعُ» چگونه جزع نکنم؟ «وَ قَدْ

أَرَى سَيِّدِي وَ إِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَ وُلْدَ عَمِّي وَ أَهْلِي مُصْرَجِينَ
بِدِمَائِهِمْ مُرْمَلِينَ بِالْعَرَاءِ مُسَلِّينَ» چرا جزع نکنم؟ می بینم
آقای من، برادران من، عموهای من، فرزندان عموهای من و
اهل من به خونشان غلتیدند، روی زمین افتاده اند، بدنشان
در بیابان سوزان قرار دارد، کسی به آنان رحم نمی کند و به این
بدن ها نزدیک نمی شود. عمه مرا دلداری داد و از آباد شدن
آینده کربلا خبر داد...!

ما امروزه مشاهده می کنیم که علی رغم محدودیت ها و
ممنوعیت زیارت امام حسین علیه السلام در طول تاریخ چه از زمان
خلفای اموی و عباسی تا زمان صدام اما ملاحظه می کنیم که
خدا می خواهد روزبه روز عظمت امام حسین علیه السلام افزوده شود
و به تعبیر حضرت زینب رضی الله عنها «وَ يَنْصُبُونَ لِهَذَا الطَّيِّفِ عَلَمًا لِقَبْرِ
أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ
اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ»^۲ «در این سرزمین بر مرقد پدرت حسین علیه السلام
پرچمی به اهتزاز درمی آید که هیچ گاه کهنه نشود و در گذر
زمان گزندی به آن نرسد و سردمداران کفر هرچه در محو آن
تلاش کنند، روزبه روز بر عظمت آن افزوده شود».

امروزه اربعین و پیاده روی آن تنها به مسلمان ها
اختصاص ندارد؛ بلکه مشاهده می کنیم که از دیگر مذاهب
و نه تنها از گوشه و کنار عراق بلکه از اقصا نقاط جهان در

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

این پدیده میلیونی شرکت می‌نمایند و این یک حرکت الهی است؛ چراکه او برای خدا فداکاری و ایثار نموده و خدا نیز یاد او را همواره بزرگ خواهد داشت از این رو رسول خدا می‌فرماید: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحَسَنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا!» «برای شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود».

گفتار سوم: اربعین و مسئله دشمن شناسی

محمد حسن زمانی^۱

در خصوص موضوع دشمن شناسی در زیارت اربعین لازم است چند نکته مقدماتی بیان و سپس به فرازهایی از زیارت اربعین بپردازیم.

نکته اول اینکه در جهانی که ما در آن زندگی می کنیم یا از اول آفرینش انسان همواره این گونه بوده است که یک دسته پیام ها و مطالبی که برای مردم مطرح می کردند که گاهی این مطالب حق و ارزشمند بوده و موجب نجات انسان ها می گردید و برخی نیز همین شعارها را با نیت بد و با نیت سوء مطرح می کردند؛ بنابراین می توان گفت که در طول تاریخ از گذشته تاکنون شناخت دوست از دشمن کار سختی بوده است.

نکته دوم اینکه یک دسته انسان های مصلح در طول تاریخ بشریت وجود داشته اند که دم از اسلام می زدند و در مقابل یک دسته آدم های مفسد وجود داشته اند که آن ها نیز ادعای اصلاح گری داشتند! امروزه ملاحظه می کنید که در دنیا امری که جنایتکارترین انسان ها که مرتکب قتل هزاران انسان می شوند آن را با ادعای اصلاح گری توجیه نموده و با طرح یک سری شعارهای مقبول همگان خود را به شدت مدافع حقوق بشر توصیف می کنند.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.

پیامبران، مصلحان واقعی

وقتی تاریخ پیامبران را ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که معمولاً پیامبران این‌گونه بیان نمودند که «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»؛ «من جز اصلاح. تا آنجا که توانایی دارم. نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم؛ و به سوی او بازمی‌گردم!».

چنانچه در آیه شریفه ملاحظه می‌شود حضرت شعیب خطاب به قوم خود می‌گوید که به خدا توکل کردم؛ و به سوی او بازمی‌گردم! من هیچ اراده‌ای به جز اصلاح ندارم و در حد توانم تلاش می‌کنم که اصلاح انجام بشود اما سؤالی که مطرح است این است که چرا ایشان می‌فرماید «در حد توان»؟

در پاسخ باید گفت که به دلیل این است که انسان‌ها مختارند و خدا می‌خواسته این موجود مختار باقی بماند و در بین این‌ها افرادی که از این اختیار سوءاستفاده نمایند فراوان است و اساساً مشیت الهی به این نبوده که همه آدمیان خوب باشند؛ چراکه اگر چنین بود همه را همانند ملائکه می‌آفرید تا خطا نکنند؛ از این روست که می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»؛^۲

۱. هود: ۸۸.

۲. هود: ۱۱۸.

«و اگر پروردگارت می خواست، همهٔ مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلف اند».

بنابراین تلاش پیامبران برای اصلاح جامعه در حد توان آنان است و هیچ کسی نمی تواند در طول تاریخ این گونه ادعا نماید که «من جامعه را آن گونه می سازم که هیچ مشکلی در این جامعه وجود نداشته باشد».

پیامبران الهی همیشه بر اصلاح جامعه تلاش می نمودند و در مقابل آنان دشمنانی از قبیل کفار و منافقین بودند که مدعی اصلاح بودند حتی شیطان نیز هنگامی که با حضرت آدم و حضرت حوا روبه رو شد، بیان داشت که: **إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ**؛ «یقیناً من برای شما از خیرخواهانم» و همچنین شیطان خطاب به آدم می گوید: **يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ**؛ «ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی زوال راهنمایی کنم». از این رو از آنجاکه شیطان مصلح واقعی نبود هنگامی که آنان به حرف او گوش دادند، این امر موجب اخراج آنان از بهشت شد.

لزوم شناخت دوست از دشمن

لازم است دوست و دشمن را بشناسیم تا بتوانیم بین شعار حقیقی و غیرحقیقی و فریب کارانه تفکیک دهیم.

۱. اعراف: ۲۱.

۲. طه: ۱۲۰.

امروزه مشاهده می‌کنیم که برخی از دشمنان اعم از برخی اروپایی‌ها گرفته تا آمریکایی‌ها با شعار فریبنده و دروغین همچون حقوق بشر، زنان، کارگران، دفاع از حقوق کودکان و... در از بین بردن عزت و استقلال کشور تلاش دارند؛ این موارد بهانه‌ای بیش نیست. آنان همواره در قبال جنایات کشورهای چون رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، میانمار و... سکوت کرده‌اند! و حتی از آنان دفاع نیز می‌کنند؛ ولی اقدامات ایران را خلاف حقوق بشر توصیف می‌کنند!

به نظر می‌رسد در دنیای امروز علیه هیچ کشوری همچون ایران یک نظام تبلیغاتی و جنگ روانی به این شکل صورت نگرفته است؛ پس همواره نه تنها لازم است به شعارها توجه شود؛ بلکه باید پشت پرده‌های این موارد نیز ملاحظه گردد. همچنین لازم است ملاحظه نماییم که آیا کسانی که شعارهایی می‌دهند آیا واقعاً دلسوز ملت ایران هستند یا غارتگران ملت ایران بوده‌اند! از این رو اگر پشت پرده شعارها ملاحظه شود مسئله حل خواهد شد؛ مثلاً در خصوص مقوله حجاب و بی‌حجابی ملاحظه می‌کنیم که بعضی از تئوریسین‌های غربی توصیه کرده‌اند که برای اینکه ایران اسلامی را از پادربیاوریم یک از شیوه، این است که دامن‌های خانم‌ها را کوتاه‌تر نموده تا جوان‌های آنان فاسد گردند که به دنبال آن جوانان فاسد هیچ‌گاه از کشور دفاع نمی‌کنند و این منجر می‌شود که مقاومت کشور فروریزد.

پس در مواجهه با شعارهای دول غربی نکته دیگری که باید به این نکته توجه داشت این است که آیا رابطه شعارشان با عملشان چگونه است! اگر دیدید آنان شعار حقوق بشر می دهند اما در عمل ملت ایران را مورد تحریم دارویی قرار می دهند درمی یابیم که این ها طرفدار حقوق بشر نیستند و فقط به دنبال منافع خود هستند.

در خصوص موضوع فوق روایات فراوانی داریم که «مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ!»؛ «هرکس دوستی و دشمنی اش برای دین نباشد، دین ندارد». اگر کسی بر اساس دین محبت نمی کند بر اساس دین بغض ندارد این اصلاً دین ندارد.

برخی افراد می گویند: «آقامن همه را دوست دارم» باید این سؤال پاسخ دهند این عبارت به چه معناست؟ کافر و فاسق و بی دین و لامذهب را دوست دارید؟ آیا صدام و جنایت کاران بین المللی را دوست دارید؟ اگر این باشد این دین نیست؛ چراکه نمی شود گفت من هم امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست دارم و هم معاویه را، هم یزید را دوست دارم، هم امام حسین علیه السلام را؛ چراکه دوستی در خصوص امثال معاویه و یزید اصلاً معنا ندارد.

در روایات در خصوص حب و بغض فی الله تأکید فراوان

۱. محمد بن یعقوب کلینی رازی، اصول کافی، ج ۲، ۱۲۷.

شده است و بیان شده که در راه خدا باید محبت داشته باشید و در راه غیر خدا بغض؛ از این رو در سیره علوی مشاهده می‌کنیم که ایشان نه تنها نسبت به امثال معاویه بغض داشتند؛ بلکه با آنها جنگ نیز نمودند.

امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین، خطاب به امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ»^۱ بر این نکته تأکید دارند که در راه خدا تا هنگام رحلت‌ات جنگیدی و می‌فرمایند: «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ»^۲ خدا لعنت کند کسانی را که تو را شهید کند و لعنت و عذاب الهی و دوری از رحمت خدا است. وقتی می‌گوییم خدا لعنت کند فلانی را یعنی خدا او را از رحمتش دور کند و عذابش کند و این اعلام برائت است «وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ»^۳ و خدا لعنت کسانی که به تو ظلم کنند «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ»^۴. خدا لعنت کند کسانی را که زمانی که قتل و ظلم به تو را شنیدند راضی و خوشنود گشتند؛ چراکه این امر گویای این است که به نظر آنها این جنایت کار درستی بوده و بدان راضی باشند؛ از این رو امروز هم، آن‌ها را لعنت می‌کنیم و در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ».

۱. محمد باقر مجلسی، زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

امروزه کم نیستند کسانی که در مقابل خط امام حسین علیه السلام قرار گرفته و مورد لعن قرار گرفته اند؛ از این رو درخواست داریم که: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاةُ»؛ «پروردگارا من تو را گواه می گیرم که من دوست آن حضرت و دوست دوستان او هستم» و همچنین تأکید کنیم که «وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ»؛ «من دشمن کسی هستم که دشمن امام حسین علیه السلام است».

گاهی برخی در زبان «یا امام حسین علیه السلام» می گویند و مجلس روضه برای حضرت می گیرند، سینه هم می زنند، پول هم برای امام حسین علیه السلام خرج می کنند و به مسجد هم می روند؛ ولی در عین حال ماهواره هم در خانه دارند و حرف های دشمن امام حسین علیه السلام را گوش می دهند و رفتارهای آنها را هم انجام می دهند و با آوردن ماهواره در خانه به زن و بچه هایشان این فرصت را فراهم می کنند که حرف های دشمنان امام حسین علیه السلام را گوش بدهند و کم کم باور کنند؛ آیا این اصلاً شدنی است؟! آیا فردی که می گوید من امام حسین علیه السلام را دوست دارم، اما در عمل دقیقاً قطب مخالف رهنمودهای معصومین علیهم السلام عمل می کند و کارهای فساد و فحشا انجام می دهد ایمان واقعی دارد؟!

شما باید بدانید که این ها دشمن دین هستند؛ پس

چطور می‌روید در کنار آن‌ها می‌نشینید و حرف آن‌ها را گوش می‌دهید؟! در قرآن کریم داریم که وقتی دیدید که افرادی در جلسه‌ای نشست‌اند و آیات خدا و دستورات دینی و اسلام و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را «وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا» مسخره می‌کنند و به آیات خدا کفر می‌ورزند؛ اساساً ما حق نداریم با کسانی هم‌نشین شویم که دین خدا را مسخره می‌نمایند: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»؛ «هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند!»؛ چراکه قرآن در ادامه آیه می‌فرماید: «إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ»؛^۲ «اگر حرف‌های آن‌ها را شنیدید، شما هم مثل آنان خواهید بود». «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا»؛^۳ «خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند».

امروزه مشاهده می‌کنیم که در برخی از کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از دستورات الهی مورد هجمه و تمسخر قرار گرفته است؛ از این رو عضویت در این کانال‌ها ضمن اینکه طرفداران این شبکه‌ها را ولو به ظاهر زیاد نشان می‌دهد بی‌شک موجب ایجاد بدبینی یا شک به دین و تعالیم به‌ویژه برای جوانان می‌گردد. پس این فقره از زیارت عاشورا

۱. نسا: ۱۴۰.

۲. همان.

۳. همان.

که می فرماید: «وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ...»؛ یعنی من دشمن کسی هستم که دشمن امام حسین علیه السلام و دین است که امروزه این شبکه ها و کانال اجتماعی از جمله آن ها است.

تسلیم بودن نسبت به امر مولی، دشمن شناسی

قلب حکایت از فکر و اندیشه انسان است؛ در بخشی از زیارت اربعین آمده است: «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ»؛ «و قلبم تسلیم قلب پاک شما و همه کارم پیرو امر شماست و یاریم تا خدا اذن دهد برای شما مهیا است». سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که اگر قلب از فکر و اندیشه انسان حکایت می کند چرا واجب شده که نماز صبح را بلند بخوانیم، یا نماز صبح ظهر را چهار رکعت و نماز صبح را دو رکعت بخوانیم؟ در پاسخ باید گفت برخی از حوزه ها، حوزه تعبد است، می گویند دو رکعت بخوان می گویم چشم می گویند چهار رکعت بخوان می گویم چشم «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ».

در جنگ صفین کسانی که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام ظلم بیشتری را نمودند افرادی بودند که تسلیم ایشان نبودند؛ از این رو زمانی که طرفداران معاویه قرآن را بر سر نیزه کرده و شعار دادند که قرآن بین ما حاکم است، برخی افراد همچون مالک اشتر و یاران واقعی امیرالمؤمنین علی علیه السلام اصلاً تردید به خود راه ندادند و اعلام کردند که ما همچنان می جنگیم

تا آنان را از بین ببریم. برخی دیگر که انسان‌های ساده لوح و فاقد عنصر دشمن‌شناسی بودند بیان داشتند که قرآن بین ما حاکم باشد؛ از این رو به جای حمله به معاویه و دشمن، به سوی امیرالمؤمنین علی علیه السلام حمله کردند! و به تعبیر خود حضرت، مردم همانند شتران تشنه کامی که به آب برسند بر من هجوم آوردند.

حضرت علی علیه السلام در سخنانی هنگام شروع جنگ صفین این‌گونه بیان نمودند:

«فَتَدَاكُوا عَلِيَّ تَدَاكَ الْإِبِلِ الْهَيْمِ يَوْمَ وِزْدَهَا وَ قَدْ أَرْسَلَهَا رَاعِيهَا وَ حُلِعَتْ مَثَانِيهَا حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُمْ قَاتِلِي أَوْ بَعْضُهُمْ قَاتِلُ بَعْضٍ لَدَيَّ. وَ قَدْ قَلْبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنَهُ وَ ظَهْرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ، فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعُنِي إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَكَانَتْ مُعَالَجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوْتَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوْتَاتِ الْآخِرَةِ»

«مردم همانند شتران تشنه‌ای که به آب نزدیک شده و ساربان رهایشان کرده و عقال (پای‌بند) از آنها گرفته، بر من هجوم آوردند و به یکدیگر پهلو می‌زدند، فشار می‌آوردند، چنان‌که گمان کردم مرا خواهند کشت، یا بعضی به وسیله بعض دیگر می‌میرند و پایمال می‌گردند. پس از بیعت عمومی مردم، مسئله جنگ با معاویه را ارزیابی کردم، همه

جهات آن را سنجیدم تا آنکه مانع خواب من شد، دیدم چاره‌ای جز یکی از این دو راه ندارم: یا با آنان مبارزه کنم و یا آنچه را که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آورده، انکار می‌نمایم، پس به این نتیجه رسیدم که، تن به جنگ دادن آسان‌تر از تن به کیفر پروردگار دادن است و از دست دادن دنیا آسان‌تر از رها کردن آخرت است.»

از این رو مشاهده می‌کنیم اگر عنصر دشمن شناسی وجود نداشته باشد، این‌گونه افراد با یک شعار فریبنده به راحتی فریب دشمن خورده و تسلیم می‌شوند.

جنگ شناختی و راه مقابله با آن

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید به آن توجه داشت بحث جنگ شناختی است؛ چراکه مشاهده می‌کنیم که دشمن با بهره‌گیری از ابزارهای متعدد و متنوع همچون ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های انحرافی، آن‌چنان بر روی فکر و مغز افراد کار می‌نمایند که اگر آنان زندگی عادی یا حتی مرفه‌ای نیز داشته باشند با گذر زمان احساس بدبختی و یاس و ناامیدی از کشور می‌نمایند؛ بنابراین جنگ شناختی این امکان و زمینه را فراهم می‌کند که افراد واقعاً نگاهشان به همه‌جا تغییر نماید. قرآن می‌فرماید **﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾**؛ «اگر

شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

در این جنگ شناختی دشمن تلاش می‌کند تا از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فاصله بگیریم در این شرایط همچنان که در زیارت اربعین آمده خطاب به امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بیان داریم که «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ»؛ «ای امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ما قلبمان تسلیم تو است» یعنی «جان، مال، نزدیکانمان هرچه داریم در راه تو ما هدیه می‌نماییم و فکر شما را ما کاملاً قبول داریم و هرچه شما دستور بدهید ما مطیع هستیم و ما مطیع اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستیم» و «أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ» ما از شما پیروی می‌کنیم.

آمادگی جهاد در رکاب امام زمان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

بعضی افراد با بیان این عبارت که ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را قبول داریم اما حال جنگیدن نداریم! که این سخن، نادرست است؛ چرا که شیعه واقعی می‌گوید: «وَأَنْصُرْتَنِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ؛ نصرت و یاری‌ام برای شما آماده است» بنابراین ما باید خود را آماده برای یاری اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و ظهور امام زمان % نماییم و بیان داریم که «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ

الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي»؛ «خدایا اگر بین من و او مرگی که بر بندگان حتم و قطعی ساختی حائل شد، کفن پوشیده از قبر مرا بیرون آور، با شمشیر از نیام برکشیده و نیزه برهنه، پاسخگو به دعوت آن دعوت کننده، در میان شهرنشین و بادیه نشین» و با بیان این عبارات از خداوند می خواهیم که اگر قبل از ظهور امام زمان از دنیا رفتیم، در زمان ظهور حضرت حجت رجعت نموده و شمشیر به دست آماده جهاد در رکاب ایشان باشیم».

لزوم برائت از دشمنان اهل بیت عليهم السلام

برائت از دشمنان اهل بیت عليهم السلام یکی از تعبیر پرکاربرد در زیارت ائمه معصومین عليهم السلام است «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»^۲ به این معنا که آنها که با شما هستند با دشمنانتان نیستند نه در فضای مجازی نه در فضای حقیقی.

در بیش از چهل و اندی سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه در زمان جنگ و چه بعد از جنگ؛ در جنگ که تقریباً دنیا علیه ما بسیج شده بود، برخی با شرکت در جنگ نه تنها نمره قبولی گرفته اند؛ بلکه برخی از آنان توفیق شهادت یافتند و یا به درجه جانبازی نائل گردیدند؛ اما در مقابل برخی دیگر نه تنها در جنگ شرکت نکردند؛ بلکه با احتکار و اختلاس در حقیقت در کنار دشمن قرار گرفتند.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ ابراهیم بن علی کفعمی، البلد الأمين، ج ۱، ص ۸۲.

۲. المزار، ج ۱، ص ۲۷۸.

ضيافت اربعين، ضيافت اشك و عرش

ضيافت‌ها، مسافت‌ها را کم کرده است، دعوت به ضيافت غذا، آب، چای و قهوه و تنها دعوت به ضيافت نان و ناهار و شيريني نيست؛ بلکه دعوت به ضيافت اشك و عرش است. اربعين ضيافت نوحه‌های غم‌انگيزی است که اگر شعله‌ور شود سنگ را ذوب و فولاد را نرم می‌کند و خون را به جوشش می‌آورد و ضيافت اربعين ضيافت همين بغض‌های شکفته و اين چشم‌های خون‌بار اين داغ است. اربعين آتشی است که بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان سوزان می‌سوزد.

اربعين تنها ضيافت شير و شکر و شهد خرما نيست، اربعين حلاوت حلواي حلم و بردباري چنين زنان و کودکان آفتاب سوخته است که تنها کلامشان شده است: «هلا بيکم يا زوار هلا بيکم يا زوار».

گفتار چهارم: آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین

محمد جواد یآوری^۱

یکی از مباحثی که در بنیادهای معرفتی شیعه مطرح بوده و شیعیان به آن به عنوان یک نماد اهتمام دارند؛ مسئله «اربعین» است.

اربعین سیدالشهدا علیه السلام مسئله‌ای است که در روایات ما به آن توجه و عنایت ویژه شده و امام صادق علیه السلام زیارت اربعین را به صفوان بن مهران آموزش می‌دهند؛ در روایت امام حسن عسگری علیه السلام به زیارت اربعین به عنوان یک نماد برای شیعیان اشاره شده و از این روایات بیان خواهد شد که مسئله زیارت اربعین سیدالشهدا علیه السلام، قبل از سیدالشهدا علیه السلام و بعد از سیدالشهدا علیه السلام برای هیچ امام معصومی مورد توجه نبوده و این مهم خاص این حضرت است.

از قداست عدد چهل تا اربعین حسینی

عدد چهل در روایات از جنبه قدسی و ارزشی برخوردار است؛ به عنوان مثال توصیه به حفظ چهل حدیث، استجابت دعا بعد از چهل روز دعا، رفتن حضرت موسی علیه السلام به کوه طور به مدت چهل شبانه روز و... همگی نشان‌دهنده ارزش عدد چهل در برخی از روایات است.

زیارت اربعین که پس از چهل روز از شهادت سیدالشهدا علیه السلام

۱. دکترای تاریخ تشیع اثنی عشری.

اتفاق می‌افتاد برای اولین بار توسط شیعیانی همچون جابر بن عبدالله انصاری و خود حضرات معصومین علیهم‌السلام و اهل بیت سیدالشهدا علیهم‌السلام که از همان اربعین اول بنا بر روایات و شواهد تاریخی اتفاق افتاد انجام گرفته است و پس از هم توسط امامان شیعه همچون امام صادق علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام مورد تأکید واقع شده و به عنوان نماد از آن یاد شده است و آن را نماد شیعه قرار داده‌اند.

زیارت اربعین نماد شیعه

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا اربعین نماد شیعه قرار داده شده است؟

در پاسخ باید گفت به این دلیل که قرار است قیامی که سیدالشهدا علیه‌السلام که در واقعه کربلا علیه ظلم و برای احیای دین انجام دادند، به معرفی دین و شناسایی آن برای امت اسلامی ختم گردد؛ چراکه قبل از آن دشمنان اسلام بر آن بودند که دین را نابود کنند. امام حسین علیه‌السلام در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم برای بیعت با یزید فرمودند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ، أَلْسَلَامٌ إِذْ قَدْ بُلِيَّتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ»؛ «در این صورت باید گفت: انا لله و انا اليه راجعون و فاتحه اسلام را خواند زیرا امت اسلام گرفتار چوپانی همانند یزید شده است».

نمادی که به وسیله زیارت اربعین ایجاد شده است منجر گردیده که هرساله شیعیان با انجام این زیارت نشان بدهند که این قیام، حرکت در این مسیر استمرار و حیات دارد.

آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین

سفر زیارت اربعین دارای تأثیرات معنوی شگرفی در حوزه فردی و اجتماعی است؛ از جمله آثار فردی زیارت اربعین این است که فرد به این وسیله می تواند با توسل به سیدالشهدا علیه السلام و پیوند زدن دل خویش به محبت اهل بیت علیهم السلام برای خویش فضای معنویت ایجاد نماید و یک عمل مستحبی و عبادتی را به قصد تقرب انجام دهد.

علاوه بر آثار فردی، زیارت اربعین دارای یک جنبه جمعی، اجتماعی و سیاسی نیز است. جنبه اجتماعی به این شکل است، که زائران حسینی با اجتماع و حرکت دسته جمعی در یک مسیر واحد این پیام وحدت را بر محور سیدالشهدا علیه السلام به جهانیان مخابره می کنند و این جمعیت عظیم را نمایانگر ظرفیت جامعه شیعه اثناعشری و مکتب اهل بیت علیهم السلام در تحولات سیاسی و اجتماعی معرفی می کند؛ بنابراین معرفی مکتب و مسیر اهل بیت علیهم السلام در حقیقت معرفی اسلام ناب است که توسط رسول الله صلی الله علیه و آله بنیان گذاری شده است.

اینکه نگاه و نظر مسلمانان را به مسئله کربلا معطوف می کند و این نکته بسیار حائز اهمیتی است. آنچه در

اجتماعاتی همچون اربعین اهمیت دارد این است که لازم است پیام این اجتماعات مخابره گردد؛ اما قبل از مخابره آن باید به محتوا و گیرنده آن توجه شود و ضمن توجه به جنبه فردی آن به جنبه اجتماعی آن تأکید گردد. مثلاً اگر در عبادتی همچون نماز علاوه بر جنبه فردی به جنبه اجتماعی و در قالب جمع و جماعت توجه نماییم این پیام را مخابره می‌کند که مسلمانان دارای اتحاد و یکپارچگی در صفوف واحد بوده و از یک امام پیروی می‌کنند. پدیده اربعین نیز اگر در قالب جمعی و جمعیتی ملاحظه گردد، آن پیامی که تولید و به تمام دنیا مخابره نموده و همگان این پیام را دریافت می‌کنند، این است که این مکتب و مسیر دارای حیات بوده و مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم ابدی است؛ از این رو امام خمینی رحمة الله عليه بیان می‌دارند که این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.^۱

زیارت اربعین به عنوان یکی از مهم‌ترین رفتارهای جمعی، این پیام را به همگان مخابره می‌کند که در یک طرف داستان کربلا، عدل و عدالت و خون سیدالشهدا عليه السلام قرار دارد که برای دفاع از دین جان و مال خودش را تقدیم می‌نماید و آن طرف دیگر ظالمانی هستند که حتی از آب هم دریغ می‌نمایند.

مردم با حضور میلیونی خویش در اربعین حسینی در کربلا

۱. سیدروح‌الله، موسوی خمینی رحمة الله عليه، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳.

برآنند که این پیام را منتقل نمایند که تواضع و فروتنی یک موکب‌دار و کسی که خانه یا خیمهٔ خودش را در اختیار زائران قرار داده است همهٔ این‌گونه رفتارها برگرفته از آموزه‌های دینی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. میزبانان عراقی با همهٔ دارایی و ذخیره‌ای که در طول یک سال جمع نموده‌اند همه را در طبق اخلاص نهاده و با عشق تقدیم زائران حسینی می‌کنند.

آثار فرهنگی و تمدنی اربعین

اربعین دارای آثار تمدنی و فرهنگی و... متعدد است. فرهنگ موکب‌داری، فرهنگ تکریم زائر از جمله زوایای فرهنگی است. مواجههٔ ما با پدیدهٔ اربعین به‌عنوان یک بستر تمدنی اهمیت بسیاری در پویایی تمدن اسلامی دارد. نگارش آثار علمی و خلق آثار هنری و... در همین راستا ارزیابی می‌شود.

بررسی جامعه‌شناسانهٔ زائران حسینی از ملیت‌های گوناگون حکایت از این دارد که سیدالشهدا علیه‌السلام متعلق به همهٔ بشریت است؛ چراکه هرچند قیام ایشان در درون جامعهٔ شیعه شکل گرفته اما درس‌های این قیام برای همهٔ بشریت دارای اهمیت و قابل استفاده است

در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم بگوییم که اربعین دارای آثار فردی و اجتماعی است. در جنبهٔ اجتماعی و جمعی

اربعین این نکته تأکید می‌شود که اربعین به جامعه اسلامی حیات بخشیده و موجب هویت بخشی به آن می‌شود.

زیارت اربعین به عنوان یک نماد در تاریخ اجتماعی به شمار می‌رود. در خصوص نماد، همگان اعم از شرقی‌ها و غربی‌ها، مسلمان و غیرمسلمان برآنند که نماد، اعم از زبانی یا غیرزبانی باید حاوی یک پیام باشد. مثلاً ملاحظه می‌کنیم نمادهای غیرزبانی همچون پرچم، سکه‌ای که بر روی نوشته‌ای درج شده است حاوی یک پیام است مثلاً اگر روی یک سکه‌ای نام اهل بیت علیهم‌السلام حک شده باشد متوجه می‌شویم این مربوط به حکومت شیعیان است یا اگر روی یک پرچم نام الله درج شده باشد می‌فهمیم که پرچم از آن دولت مسلمین است.

محرم و صفر اربعین حسینی یک نماد غیرزبانی به شمار می‌رود که اهل بیت علیهم‌السلام بر آن تأکید کرده‌اند، این نماد شیعی که اساساً هویت ما به آن گره خورده است متمایزکننده و شاخص برای شناخت اسلام ناب است. امروزه گفتمان مقاومت در منطقه حاکی از این دارد که این هویت، باعث ماندگاری مکتب اسلام و حیات اسلام شده است و نکته‌ای که امام خمینی با این تعبیر بر آن تأکید دارند: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»^۱ که تحقق این امر طبعاً منوط به حضور در رفتارهای جمعی به ویژه اربعین است.

گفتار پنجم: مبانی و اصول پیاده روی برای زیارت امام

حسین علیه السلام

رضا محمدی شاهرودی^۱

معنای مبانی و اصول و تفاوت آن دو

مبانی و اصول هر موضوع، امری مهم و اساسی در شناسایی آن به شمار می رود؛ از این رو باید گفت تا این اصول و مبانی؛ مبدأ و مقصد موضوع مشخص نشود نمی توان در تبیین آن موضوع گام برداشت.

«مبانی» یک موضوع عبارت است از گزاره های تربیتی آن موضوع، از جنس هست ها و نیست ها و در حقیقت شالوده، اسکلت و پایه و اساس یک موضوع را تشکیل می دهد و این مبانی ممکن است جنبه انسان شناسی، جهان شناسی، روان شناسی و معرفت شناسی داشته باشد؛ اما در مقابل «اصول» به گزاره های گفته می شود که برخلاف مبانی از جنس هست ها و نیست ها است، بلکه از جنس باید و نبایدها بوده که البته مبتنی بر همان مبانی است. اصول همچنین ممکن است از علوم تجربی همچون روان شناسی، جامعه شناسی و علوم تربیتی و همچنین از آموزه های دینی یا از دیدگاه علمای بزرگوار این راه، اتخاذ گردد.

۱. استاد حوزه و دانشگاه، کارشناس مسائل دینی صداوسیما.

مبانی راهپیمایی اربعین

راهپیمای اربعین از ابعاد مختلف و مناظر گوناگون قابل توجه و بررسی است که این تفاوت‌ها طبعاً منجر به تفاوت در مبانی و اصول آنان نیز می‌گردد. گاهی اوقات ما موضوعی را از منظر دین ملاحظه می‌نماییم که در این صورت برای فهم مبانی آن موضوع به سراغ آیات و روایات می‌رویم.

قرآن کریم در سوره توبه می‌فرماید:

﴿لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ «هیچ تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود، بر نمی‌دارند و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند!».

مرحوم صاحب وسایل در وسایل الشیعه، در انتهای کتاب حج بابی با عنوان کتاب المزار باز کرده است که در آن یخشی را به پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام اختصاص داده و شش روایت در این خصوص بیان می‌کند^۱ و همچنین

۱. توبه: ۱۲۰

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

در بخش دیگر سه روایت دیگر را در بابی با عنوان «باب تأکید استحباب زیارة الحسين عليه السلام يوم الاربعين من مقتله وهو يوم العشرين من صفر» ذکر نموده و بر زیارت امام حسین عليه السلام در روز اربعین تأکید نموده است.

اولین روایتی که ایشان نقل می کنند حدیث مشهور امام حسن عسکری عليه السلام است که فرمودند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ!»؛ «نشانه های مؤمن، پنج چیز است: پنجاهویک رکعت نماز [گزاردن در شبانه روز]، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

در متون روایی آن قدر بر زیارت امام حسین عليه السلام تأکید شده است که حتی در برخی موارد از این زیارت به عنوان یک فرضیه توصیف شده است:

امام باقر عليه السلام در حدیثی می فرمایند:

«مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ إِثْيَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»؛^۲ «شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت

۱. همان، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۲۱.

حسین بن علی علیه السلام بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزوجل دارد فرض و واجب است».

آنچه از مبانی زیارت اربعین به معنای هست‌ها و نیست‌ها قابل استنباط است این است که زیارت اربعین حسینی امری مستحب است؛ با این مبنا هر قدمی که شخص در این مسیر گام برمی‌دارد برای او حسنه نوشته شده و سیئات او مورد آمرزش قرار خواهد گرفت و به درجات او افزوده خواهد شد.

اصول زیارت اربعین

حال که مبانی زیارت اربعین مشخص شد، اصول آن نیز باید از این مبانی اتخاذ گردد. اولین اصل کلی این است که نباید از زیارت اربعین غفلت نمود و بر همه لازم است که به هر شکلی اعم از قلم، مال، جان، فکر و هرچه در توان دارد در مسیر زیارت گام بردارند و به تعبیر دیگر هر آنچه انسان توان دارد لازم است در این مسیر صرف نماید.

حال اگر کسی خود توان رفتن به زیارت اربعین را ندارد می‌تواند از هر راه که می‌تواند اعم از فضای مجازی، نگارش و تحقیق، سخنرانی و... خود را در مسیر زیارت امام حسین علیه السلام قرار دهد.

اصل دیگر رعایت آداب زیارت است. این آداب که خود

بیش از بیست عدد هم می شود حالات، حرکات و سکانات زائر را شامل می شود؛^۱ از این رو که زائر امام حسین علیه السلام باید در

۱. ر.ک: محمد باقر پورامینی، پرسمان رضوی: حرم امام، ج ۳، ص ۸۰۳۷ به نقل از جامع عباسی، ج ۲، ص ۱۶۷-۱۶۹؛ نظام الدین ساوجی، شاگرد تراز اوّل شیخ بهایی نیز به صورت جامع، شیوه ورود به حرم مقدس و همچنین برخی آداب حضور در آن را ارائه کرده است. او به ۲۱ نکته برای زیارت اشاره می کند:
 ۱. پیش از دخول به روضه منوره غسل کند؛
 ۲. تا زمان داخل شدن با طهارت باشد؛
 ۳. جامه نو و پاک پوشد. بر در مشهد (مزار امام) بایستد و دعای منقول بخواند و اذن دخول بطلبد؛ پس اگر در آن حال، او را رقت به هم رسد، داخل شود؛ وگرنه انتظار بکشد تا هرگاه رقت به هم رسد، داخل شود؛
 ۴. با خضوع و خشوع داخل شود. در حین دخول، پای راست را مقدم دارد و در وقت بیرون آمدن پای چپ را؛
 ۵. خود را به ضریح بچسباند. بعضی توهم کرده اند که دور ایستادن بهتر است و این غلط است؛ چه، در احادیث وارد شده است که بر ضریح تکیه باید کرد. بوسیدن ضریح جایز است. در بوسیدن آستان ها، حدیثی وارد نشده است و بعضی از مجتهدان امامیه بر آن اند که جایز است؛
 ۶. رو به قبله نکند؛ بلکه رو به ضریح و پشت به قبله کردن در حالت زیارت بهتر است؛
 ۷. زیارت به طریق منقول کند. گفتن السلام علیک کافی است و بعضی مجتهدان، حضور در آنجا را کافی می دانند؛
 ۸. جانب راست روی خود را بر ضریح بنهد و در وقت فارغ شدن از زیارت دعا کند؛
 ۹. جانب چپ روی خود را بر ضریح بنهد و از خدای تعالی به حق او و به حق صاحب قبر، درخواست کند که او را از اهل بهشت بگرداند به شفاعت صاحب قبر و نیز در دعا و الحاج کردن مبالغه کند؛
 ۱۰. بر سر بالین [بالای سر] آید و رو به قبله کرده و دعا کند؛
 ۱۱. بعد از زیارت، دو رکعت نماز زیارت بخواند. اگر زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد، سنت است که نماز زیارت را در میان منبر آن حضرت و قبر ایشان گزارد. اگر زیارت ائمه معصومان (عم) باشد، در بالین سر باید گزارد و در این نماز، رخصت از ائمه (عم) وارد شده است که رو به قبر می توان کرد؛ اگرچه مستلزم پشت به قبله کردن باشد؛ اما اگر چنان کند که رو به ضریح کند و پشت به قبله نکند، بهتر است؛
 ۱۲. بعد از نماز زیارت، دعای منقول بخواند و آنچه به خاطرش رسد از مسائل دین و دنیا، طلب کند. دعا برای جمیع خلایق کردن بهتر است؛ چه، آن به اجابت نزدیک تر است؛
 ۱۳. در آن مکان، تلاوت قرآن کرده و ثواب آن را به صاحب ضریح هدیه کند؛ چه، نفع آن باز به او می رسد و سبب تعظیم صاحب قبر است؛
 ۱۴. در جمیع احوال و به حسب استطاعت، احضار قلب داشته باشد و از جمیع گناهان توبه کند؛

تمام حالاتش خویش را در محضر ایشان ببینید و از لحظه‌ای که تصمیم زیارت گرفته و حرکت می‌نماید خود را در محضر امام حاضر ببیند بدین جهت است که زیارت را «حضور الزائر عند المزور» می‌گویند و این حضور باید دائمی باشد نه صرفاً زمانی که در کنار قبر مطهر قرار داریم.

راهپیمایی اربعین، مؤلفه اقتدار تشیع

راهپیمایی اربعین حسینی از منظر سیاسی نیز قابل ملاحظه است؛ با این نگاه، مبنای آن این‌گونه است که در اسلام سیاست از دیانت جدا نبوده و اساساً اسلام طرفدار سیاست معقول و انسانی است از این رو مشاهده می‌کنیم حضرت امام حسین علیه السلام در وصیت خویش به برادرش محمد حنفیه در تبیین انگیزه اصلی نهضت و قیام خویش امر به معروف و اصلاح امت جدش بیان نموده و می‌فرماید: «وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَانْتَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَاسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي

۱۵. بر خدمتکاران و نگاهبانان و محتاجان آن مقام تصدق کند؛ چه، ثواب

تصدق در آن مقام، مضاعف می‌شود؛

۱۶. خدمتکاران و نگاهبانان و محتاجان آن مقام را تعظیم کند؛ چه، در

حقیقت، تعظیم ایشان تعظیم صاحب قبر است؛

۱۷. هرگاه از زیارت برگردد، تا در آن شهر است، باز به زیارت رود؛

۱۸. هرگاه رفتن او نزدیک آید، وداع به دعای منقول کند؛

۱۹. از خدای تعالی بازگشت بدان مقام را بخواهد؛

۲۰. در وقت بیرون آمدن از آن مقام، روی به ضریح کند و عقب عقب بیرون آید؛

۲۱. زود از آن مقام بیرون رود؛ چه، حرمت و تعظیم در آن بیشتر است و

اشتیاق باز آمدن، زودتر به هم می‌رسد.

وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي ظَالِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛! «من تنها به انگیزه اصلاح در امت جدم بپا خاستم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب عليه السلام رفتار نمایم!»

سؤالی که مطرح می شود این است که آیا این پدیده پیاده روی اربعین که از بازتاب جهانی گسترده ای برخوردار است، می تواند به عنوان یک اهرم قدرت و یک مؤلفه اقتدار، برای پیروان اهل بیت عليهم السلام محسوب گردد؟

در پاسخ باید گفت، بی شک این حرکت عظیم یکی از مهم ترین عوامل و مؤلفه های قدرت تشیع به شمار می رود؛ چراکه مشاهده می کنیم که در دنیایی که امروزه، راهپیمایی های صد، دویست یا پانصد نفری، از بازتاب های گسترده ای در سطح جهان برخوردار است، بی شک راهپیمایی چند ده میلیونی مثل اربعین حسینی که نه تنها شیعیان؛ بلکه اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز در آن شرکت می کنند، از مؤلفه های اقتدار شیعه محسوب می گردد و حرکتی عظیم در جهت تألیف قلوب به شمار می رود؛ اما رسانه های بیگانه با تحریم نمودن این حرکت بزرگ و باشکوه سعی در نادیده انگاشتن این قدرت عظیم می نمایند که در مقابل لازم است با تمام توان در جهت

نمایاندن جلوه بی‌نظیر حرکت حسینی و این مؤلفه قدرت تشیع تلاش نماییم.

راهپیمایی اربعین از منظر اجتماعی

راهپیمایی اربعین حسینی حرکت اجتماعی است که نه تنها موجب وحدت بین و یکدلی بین شیعیان است، بلکه موجب شناسایی امت اسلام نسبت به یکدیگر و زمینه‌ساز شناساندن حرکت حسینی به دیگر ادیان شده است.

راهپیمایی اربعین دل‌ها را به هم نزدیک نموده و موجب معرفی امت اسلام نسبت به هم می‌گردد، در این فضا مشاهده می‌کنیم که چه محبتی ایجاد می‌شود چه ایثارها و فداکاری‌های در این راه وجود دارد وقتی انسان به این قضیه با مبنای جامعه‌شناسی و اجتماعی نگاه می‌کند، آثار اجتماعی بی‌حدی بر این راهپیمایی عظیم مترتب می‌بیند که در هیچ کجای دنیا شما سراغ داریم. این جلوه‌های که در این زیارت ملاحظه می‌نماییم از لحاظ اجتماعی واقعاً بی‌نظیر است به عنوان مثال یک پیرزن قد خمیده باتکه کاغذ و مقوایی که در دستش گرفته زائران حسینی را باد می‌زند! این صحنه‌ها را کجا می‌توانیم پیدا کنیم یا ملاحظه می‌کنیم یک بچه چهارپنج ساله یک خانواده، محصول یک سال تلاششان را در طبق اخلاص قرار داده و از زائران آقا پذیرایی می‌نماید، این جلوه‌های بی‌نظیر انسانی و اجتماعی که در این راهپیمایی وجود دارد، بسیار با ارزش است.

گفتارششم: زیارت اربعین، وسیله ارتباط بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف

احمد رهدار^۱

پدیده مناسک زیارت اربعین حسینی علیه السلام در دهه اخیر رشدی چشمگیر داشته است به گونه ای که چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی از نمونه ها و تاریخ خودش فاصله گرفته است. انسان های زیادی از کشورهای مختلف از فرق اسلامی مختلف و حتی از خارج جهان اسلام در این آیین و منسک شرکت کردند و برای هرکدام از آنها یک زاویه ای و یک حیثی از این منسک قابل توجه بوده است؛ اما آن چیزی که تقریباً به صورت مشترک قابل برداشت است این است که هر محقق و نویسنده ای، هر هنرمند و فیلم ساز و کارگردانی، هر جامعه شناس و استادی، از هر زاویه ای تخصصی به این پدیده نگاه کرده و به عجز خویش در انعکاس این مهم اذعان نموده است؛ به این معنا که مجموعه ظرفیت های دانشی و فنّاورانه که در اختیار آنها است برای توصیف واقعیت این پدیده ناکافی است. از همین رو شاهد این نکته هستیم که هر سال تقریر و گزارشی و تحلیل های نو و متفاوت از این حرکت عظیم پیاده روی اربعین حسینی علیه السلام ارائه می شود. به نظر می آید افق های جدیدی هم به لحاظ دانشی هم به لحاظ

۱. دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛
تحصیلات حوزوی خارج فقه و اصول.

روحی و هم به لحاظ تجربی و تاریخی فراروی بشر از طریق این منسک باز می‌شود.

رابطه پدیدهٔ اربعین و شعائر شبه اسلامی با دیگر شعائر اسلامی

در خصوص پدیدهٔ اربعین بسان سایر پدیده‌ها و موضوعات مهم سؤالات و شبهات متعددی تولید یا بازتولید شده یا خواهد شد. یکی از این سؤالات این است که نسبت این پدیدهٔ اجتماعی با دیگر شعائر اسلامی همچون پدیدهٔ حج چیست؟

آنچه قابل انکار نیست این است که برخی از تحلیلگران به غلط در ابتدا دوگانه مکه یا کربلا یا حج یا اربعین مطرح نمودند؛ اما خوشبختانه خیلی زود برخی از محققان و نویسندگان این نکته را تذکر دادند که شعائر اسلامی به صورت شبکه‌ای عمل نموده و در حقیقت هم‌افزای یکدیگر می‌باشند نه اینکه خنثی‌کننده و مقابل هم باشند. مناسک حج دارای ظرفیتی و نتایجی هست که پدیدهٔ اربعین با همهٔ ظرفیت‌های ویژهٔ خویش این نتایج و پیامدها در آن قابل دستیابی نیست؛ درعین حال پیاده‌روی اربعین از ظرفیت‌هایی برخوردار است که احتمالاً این ظرفیت‌ها و آن نتایج در پدیدهٔ حج به راحتی قابل تحصیل نیست؛ اما نکته این است این امر منحصر به این دو پدیدهٔ دینی نیست و بسیاری دیگر از مناسک و شعائر اسلامی وجود دارد که از

دستاوردها و نتایج گاه مشترک و گاه متمایز برخوردار است؛ اما آنچه مهم است این است که همه این شعائر با یکدیگر از یک سمفونی برخوردار است و آن، سمفونی اخلاق، معنویت، اسلام، انصاف و انسانیت است.

پدیده اربعین؛ تکریم از یک شخص و حادثه مقدس

در خصوص پدیده اربعین باید گفت که این پدیده یک نوع تکریم عبادی و معنوی، از یک شخص مقدس و از رویداد و حادثه تاریخی مقدس به نام کربلا است که هسته مرکزی آن، امام معصوم حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

پدیده تکریم اربعین از این حیث امری انحصاری و فقط ویژه شیعیان نیست و دیگر ادیان و مذاهب نیز بزرگانشان را تکریم نموده و رخدادهای مقدس تاریخی شان را گرامی می دارند؛ چراکه تکریم این گونه بزرگان و بازنمایی این گونه رویدادها در فطرت تاریخی بشری نهادینه شده است؛ از این رو مشاهده می کنیم ادیانی همچون یهود، مسیحیت، دارای شعائر و مناسک ویژه می باشند که برخی از این شعائر و مناسک، مناسکی است که روح آن در واقع به تکریم یک عالم، یک شخصیت و یک فرد مقدس برمی گردد.

آنچه واضح است اینکه این تکریمها در فرهنگ های مختلف، الگوها و مدل های مختلفی به خود گرفته است؛

به‌عنوان مثال مقبرهٔ «نظام‌الدین اولیا»^۱ در دهلی، روزانه هزاران نفر، آن را زیارت و تکریم می‌کنند. یا مقبرهٔ «عبدالقادر گیلانی»^۲ در بغداد، مقبرهٔ «امام بخاری»^۳ در ازبکستان، مقبرهٔ «شیخ احمد بامبا»^۴ در سنگال، «ابن عربی»^۵ در دمشق و... از جمله مواردی است که مورد زیارت و تکریم برخی از مسلمانان قرار می‌گیرند؛ بنابراین فرهنگ تکریم بزرگان جزء مسلمات فرهنگ جهان اسلام است البته چنانچه بیان شد مدل و نحوهٔ تکریم شخصیت‌های معنوی علمی و بزرگان اسلامی متفاوت است.

زیارت و تکریم به صورت پیاده‌روی در ادیان و مذاهب

یکی از این روش‌های مرسوم زیارت و تکریم بزرگان در

۱. محمد بن احمد بن علی دهلوی (۶۳۳-۷۲۵ق) معروف به شاه نظام‌الدین اولیا، شیخ نظام‌الدین اولیا، شاه نظام اولیا، نظام دهلوی و نظام‌الدین خالدی دهلوی از مشایخ قرن هشتم هجری و اعظم عرفای هندوستان و بزرگان طریقت چشتیه است. او چهارمین جانشین معنوی یا «خلیفه» خواجه معین‌الدین چشتی بود.
۲. رئیس عبدالقادر گیلانی (۱۰۷۷-۱۱۶۶م) با نام کامل عبدالقادر بن صالح جنگی دوست گیلانی، عارف، صوفی، محدث، رئیس و شاعر ایرانی سدهٔ پنجم و ششم قمری بود. وی بنیان‌گذار سلسلهٔ تصوف قادریه (منتسب به عبدالقادر) بود. او از سرشناسان بزرگان تصوف و شیخ طریقه قادریه است.
۳. احمد بخاری، حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بخاری جعفی؛ ۱۹ ژوئیه ۸۱۰-۱ سپتامبر ۸۷۰ (۱۹۴-۲۵۶ق) معروف به بخاری، نویسندهٔ ایرانی کتاب صحیح بخاری یکی از صحاح سته است که ارزشمندترین کتاب حدیثی از نظر اهل سنت به شمار می‌رود.
۴. شیخ احمد و بامبادر سال ۱۸۵۲م متولد شد و دروس اسلامی را نزد پدر خود فراگرفت. وی نخست، از پیروان طریقه قادریه بود.
۵. ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد بن علی بن محمد بن العربی الحاقمی (۵۶۰-۶۳۸ق/۱۱۶۵-۱۲۴۰م)، معروف به شیخ اکبر، اندیشمند، عارف و صوفی بزرگ جهان اسلام. وی در مشرق، ابن عربی خوانده می‌شود.

جهان اسلام و حتی خارج جهان اسلام، استفاده از روش زیارت به صورت پیاده روی است. براساس تحقیقات به عمل آمده^۱ در فرهنگ های ادیان آسمانی و حتی ادیان غیر آسمانی نیز شاهد پیاده روی های معنوی هستیم؛ از جمله آن ها پیاده روی های معنوی در آمریکا، اروپا، جنوب قاره آسیا و شبه قاره هند هستیم.

زیارت خانه خدا، قدیمی ترین زیارتی است که به صورت پیاده صورت می گرفته است؛ چراکه براساس نقل ها و گزارش های تاریخی در گذشته فارغ از فقدان وسایل حمل و نقل، توصیه دینی نیز بر انجام فرضیه حج به صورت پیاده^۲ بوده است؛ البته امروزه نیز با وجود وسایل نقلیه ای همچون ماشین و هواپیما و امثال آن باز ملاحظه می کنیم که بخشی از مناسک حج هنوز جز مناسکی است که لازم است به صورت پیاده و به صورت دست جمعی انجام گیرد.

بنابراین اقدام شیعه در ایام اربعین امام حسین علیه السلام مبنی

۱. رک: محمد رضا پویافر، از مؤسسان و عضو هیئت مدیره انجمن علمی بین المللی اربعین پژوهان.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۲۱۸. «أَنَّ مَا تَقَرَّبَ عَبْدٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْمَشْيِ إِلَى تَيْبَتِهِ الْحَرَامِ عَلَى الْقَدَمَيْنِ وَإِنَّ الْحَجَّةَ الْوَاحِدَةَ تَعْدِلُ سَبْعِينَ حَجَّةً وَمَنْ مَشَى عَنْ جَمَلِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ مَا بَيْنَ مَشْيِهِ وَرُكُوبِهِ وَالْحَاجُّ إِذَا انْقَطَعَ شَيْخُ نَعْلِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ مَا بَيْنَ مَشْيِهِ حَافِيًا إِلَى مُتَعَلِّجٍ»؛ «هیچ بنده به هیچ وسیله ای محبوب تر نزد خدا از راه پیمودن با پای پیاده به خانه محترمش، بر او تقرب نجسته است، و یک حج با پای پیاده با هفتاد حج برابر است، و کسی که از شتر خود به زیر آید، و قدری پیاده راه بپیماید، خداوند ثواب همان را در نامه عملش بنویسد».

بر حرکت پیاده به سوی حرم حسینی اقدام نادر یا یک بدعت و یک استثنا به شمار نمی‌رود؛ البته پیاده‌روی عظیم اربعین از یک وجوه انحصاری یا برخی خرده مناسکی برخوردار است که ویژه و مختص آن است.

اربعین و مقوله تمدن نوین اسلامی

در خصوص پدیده زیارت اربعین اگر بخواهیم یک نگاهی پسینی بدان داشته باشیم در گام اول لازم است، همین پانزده سال اخیر را که مناسک اربعین یک شتاب قابل توجهی به خودش گرفته است مورد بررسی دقیق قرار دهیم که این امر ضمن اینکه می‌تواند نتایج قابل توجهی به دست پژوهشگران و برنامه‌ریزان قرار دهد می‌تواند زوایای بحث و تحلیل جدید و مفیدی را روبه‌روی ما باز نماید که یکی از آن‌ها مسئله رابطه اربعین و مقوله تمدن نوین اسلامی است؛ به این معنا که چگونه می‌توانیم از ظرفیت زیارت مناسک اربعین برای نیل به تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟

در این خصوص کتب و مقالات مختلفی نگارش یافته و همچنین همایش‌های متعددی برگزار شده است که منجر به تولید ادبیات جدیدی در خصوص پدیده اربعین شده است. نتیجه آن این است که اربعین به‌عنوان یک پدیده مذهبی ظرفیت فراوانی در تمدن نوین اسلامی دارا است و می‌تواند به‌عنوان آزمون و نمونه خوبی برای بحث درباره

تمدن اسلامی قرار گیرد. بی شک تحقق تمدن نوین اسلامی بر عهده امت اسلامی است و اربعین بهترین نمونه برای این موضوع، حتی بیشتر از حج است؛ چراکه در مقایسه با مناسکی مثل حج که فارغ از شرایط و محدودیت های اعزام، هزینه ها و... است. این مناسک مخصوص مسلمانان بوده و اساساً غیرمسلمانان نمی توانند در آن حضور پیدا نمایند؛ اما مناسک زیارت اربعین این گونه نیست؛ به این معنا که هرچند بار اصلی تمدن اسلامی بر عهده امت اسلامی است، اما بعد از تحقق این تمدن، درون این تمدن فقط مسلمان نیست بلکه غیرمسلمان ها نیز مشارکت دارند. از این رو آزمونه ای که می تواند در مسیر شدن و تحقق خود، از ظرفیت غیرمسلمانان در حاشیه حضور مسلمان بهره ببرد، پدیده اربعین است؛ البته این نکته تذکر داده می شود که اساساً فریضه حج مناسکی عظیم است که از دلالت ها و نتایج و پیامدهای هم مشترک هم انحصاری خودش را برخوردار است که در جای خود قابل بحث است اما بی شک دارای یک سری مزیت های نسبی برای تمدن نوین اسلامی است.

اربعین و گفتمان مقاومت

یک نسبت و زاویه دیگری که می تواند در پدیده اربعین مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد گفتمان مقاومت است. گفتمان مقاومت که امروزه گفتمان مهم به ویژه در منطقه غرب آسیا، به شمار می رود در حقیقت گفتمانی در مقابل نظام های ضعیف

منطقه و ظرفیت موفق نظام جمهوری اسلامی است.

به نظر می‌آید که مناسک پیاده‌روی اربعین می‌تواند برای گفتمان مقاومت، زمینه و بستر مناسبی قرار گیرد؛ چراکه آنچه ما از پدیدهٔ اربعین انتظار داریم و به دلیل همین انتظارمان تلاش می‌نماییم، فقط ارتباط دادن ما و فرهنگ ما به گذشته ما نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد ایجاد زمینه و بهره‌گیری از ظرفیت اربعین برای آینده ما است.

مسئلهٔ اربعین و مقولهٔ وحدت اسلامی

وحدت اسلامی همچون گفتمان مقاومت یکی از گفتمان‌های ضروری و مهم جهان اسلام به شمار می‌رود؛ چراکه متأسفانه بسیاری از مشکلاتی که امروزه در جهان اسلام مشاهده می‌کنیم ریشهٔ آن را در تفرقه و اختلاف‌های میان مسلمانان باید جستجو نمود؛ از این رو از دیرزمان تاکنون بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام همچون سید جمال اسدآبادی در این راستا تلاش نموده‌اند.

پدیدهٔ اربعین یک امت، کوچک‌شده از امت اسلامی را به نمایش می‌گذارد و اگر ما در درون این نمونه بتوانیم یک مدلی از وحدت را به نمایش گذاشته و الگویی از آن استخراج نموده و آن را اجرایی نماییم احتمالاً تعمیم این الگو یا تجربه این وحدت اسلامی می‌تواند در کلان جغرافیای جهان اسلام به شدت کارآمد و کارساز واقع گردد.

پدیده اربعین و ارتباط آن با دیپلماسی شهروندی و سیاسی در جهان اسلام

پدیده اربعین در عمل نشان داده است که در این بخش بسیار موفق عمل می کند؛ چراکه در این بستر معنوی شاهد حضور میلیون ها نفر از کشورهای مختلف هستیم که در پرتو آن ارتباط ملل مختلف با مردم عراق شکل گرفته و این امر یک ظرفیت جدیدی را ارتباطات و تعاملات مسلمانان را فراهم می کند.

امروزه شاهدیم که بسیاری از مردم ایران که در ایام اربعین به عتبات عالیات مشرف و در منازل مردم عراق حضور یافته اند این امر موجب ایجاد یک علاقه روحی بین آنان گردیده و این علقه محدود به زمان اربعین نبوده بلکه این امر موجب ایجاد دوستی هایی گردیده که هنگامی که آنان نیز در ایران حضور می یابند، میزبان دوستان عراقی خویش می گردند که از نوع ارتباط در ادبیات امروزه با عنوان ارتباط حوزه دیپلماسی و شهروندی دیپلماسی عمومی یاد می کنند.

ارتباط فوق به نظر یک نوع ارتباط جدید به شمار می رود که سبب شده که حتی دلالت هایی در حوزه سیاسی داشته باشد، به این معنی که سرمایه دیپلماسی شهروندی در مناسک اربعین به کار گرفته می شود حال فرض نمایید که اگر پدیده اربعین نمی بود این استعداد وجود داشت که مثلاً

دولت عراق در برابر دولت ایران یک کارهایی انجام بدهد؛ اما اکنون به دلیل اینکه هزاران نفر از مردم عراق با هزاران نفر از مردم ایران گره خورده و بین آنان ارتباطات عمیق شکل گرفته است، دیگر حاکمان و مسئولان در نظام‌های سیاسی را نمی‌توانند این ظرفیت جدید به وجود آمده را نادیده گرفته و با قطع نظر از این ظرفیت در یک مسئله سیاسی را موضعی اتخاذ بنمایند که موجب خنثی شدن سرمایه‌های اربعین گردد.

حرف آخر

خلاصه اینکه تمام این موضوعات بیان شده همچون رابطه پدیده اربعین و مقاومت، اربعین و تمدن نوین اسلام، رابطه پدیده اربعین با مسئله دیپلماسی شهروندی و رابطه پدیده اربعین و وحدت امت اسلامی باعث می‌شود که مذاهب اسلامی مقوله اربعین و پیاده‌روی آن را به صورت عمیق و متفاوت مورد بررسی قرار دهند.

نکته لازم به ذکر اینکه هرچند یکی از ظرفیت‌های اربعین این است که می‌تواند برای نظام‌های سیاسی ظرفیت ایجاد نماید اما واقعیت این است که ظرفیت اربعین امری فراتر از ظرفیت یک نظام سیاسی است و اساساً ظرفیت اربعین از نظام‌های سیاسی بالاتر است.

اگر مذاهب اسلامی و عالمان و محققان مذاهب اسلامی

اولاً تعصبات مذهبی را کنار بگذارند و ثانیاً با حلم و انصاف نمونه‌های تاریخی زیارت و هم پیاده‌روی را مطالعه نمایند و سپس ورود نموده و طرحی بیفکنند که ما مثلاً چگونه می‌توانیم در مناسک پیاده‌روی اربعین ایفای نقش بکنیم این امری مطلوب است؛ البته برخی از برادران و خواهران اهل سنت از همان سال‌های نخست که زیارت اربعین به راه افتاد در کنار برادران و خواهران شیعه خودشان مشارکت داشته‌اند اما نکته‌ای که مورد تأکید است این است که لازمه این امر، بیشتر از مشارکت‌های فردی است، لازم است نظام‌های سیاسی اهل سنت نیز به صورت آشکار از این پدیده مهم حمایت نمایند تا تمام این اهداف چندگانه‌ای که برای اربعین بیان شد راحت‌تر و کیفی‌تر تحصیل گردد.

از این رو جا دارد که اساتید جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، عرفان، کلام و فلسفه و اساتید سایر علوم انسانی مثل علم حقوق و علوم سیاسی و... تمامی ظرفیت‌های خود را در خصوص پدیده اربعین فعال نمایند و به بررسی ابعاد مختلف این پدیده بپردازند.



منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغة.
۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، کتاب الفتوح، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف الأشرف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۲ ق.
۷. شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، محمد بن علی، أمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۸. —، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۹. —، علل الشرایع، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ ق.
۱۰. —، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.

١١. —، معانى الأخبار، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٧٧.
١٢. —، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٣ق.
١٣. —، تهذيب الأحكام، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٤.
١٤. —، مصباح المتعبد، قم: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤٢٥ق.
١٥. كلينى رازى، محمد بن يعقوب، أصول كافي، ترجمه سيد جواد مصطفوى، تهران: ناصر خسرو، [بى تا].
١٦. —، الكافي، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
١٧. متقى هندی، على بن حسام الدين، كنز العمال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
١٨. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
١٩. —، زاد المعاد، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٢٣ق.
٢٠. موسى خمينى رحمته الله عليه، سيد روح الله، صحيفه امام، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى رحمته الله عليه، ١٣٧٨.
٢١. نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤٠٨ق.